



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقیقت مسیحیت

نویسنده:

هیئت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	حقیقت مسیحیت
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	پیش گفتار
۱۸	۱ - قضاوت کنید آیا راه این است؟
۱۸	اشاره
۲۱	طرفداران عقیده ی تنلیث
۲۶	۲ - نامه یی به کلیسا
۲۶	اشاره
۳۴	عهد عتیق و عهد جدید !
۳۵	۳ - کتاب مقدس چیست؟
۳۵	اشاره
۳۶	عهد عتیق
۳۷	عهد جدید
۳۹	آیا کتاب مقدس، آسمانی و الهامی است؟
۴۲	۴ - عیسی از نظر اسلام و کلیسا
۴۲	اشاره
۴۳	تعلیمات کلیسا درباره ی مسیح
۴۴	ابلیس و پسر خدا؟
۴۸	تعلیمات اسلام نسبت به خدا و مسیح
۵۰	۵ - یک جوان از مسیحیت سخن می گوید
۵۸	۶ - سرگذشت اناجیل یا عهد جدید
۵۸	اشاره

- ۵۹ سرگذشت عهد جدید
- ۵۹ اشاره
- ۶۰ ۱: طرازان
- ۶۱ ۲: مارک اورل
- ۶۱ ۳: دسیوس
- ۶۲ ۴: والرین
- ۶۲ ۵: دیوکلسین
- ۶۳ ۶: قسطنطین شریب
- ۶۸ ۷ - بشارت های اناجیل
- ۶۹ تسلی دهنده پیامبر اسلام
- ۷۰ تسلی دهنده روح القدس نیست
- ۷۳ روح راستی پیامبر اسلام است
- ۷۳ رئیس جهان کیست؟
- ۷۶ ۸ - پدران روحانی چه کرده اند؟
- ۷۶ اشاره
- ۷۷ و باز او می گفت!
- ۸۴ ۹ - بخشش گناه! و خرید و فروش بهشت!
- ۸۴ اشاره
- ۸۸ خرید و فروش بهشت یا بخششنامه ها
- ۹۲ ۱۰ - نویسندگان عهد جدید
- ۹۲ اشاره
- ۹۳ چرا نویسندگان را بشناسیم؟
- ۹۴ بیوگرافی نویسندگان عهد جدید
- ۹۴ پطرس
- ۹۵ نافرمانی پطرس و یوحنا
- ۹۶ چگونه عیسی را تنها گذاشته فرار کردند؟

- بی ایمانی نویسندگان ۹۷
- مرقس ۹۸
- لوقا ۹۹
- یعقوب برادر مسیح ۹۹
- پولس ۱۰۰
- ۱۱ - عشای ربانی چیست؟ ۱۰۲
- اشاره ۱۰۲
- تشریفات بی اساس ۱۰۳
- عشای ربانی یا عمل نان و شراب! ۱۰۴
- جام شراب ۱۰۵
- نان فطیر و بدن عیسی ۱۰۶
- سخن عجیب! ۱۰۷
- ۱۲ - آیا مسیح گناهان را بگردن می گیرد؟ ۱۱۰
- ۱۳ - جشن ژانویه! ۱۱۸
- اشاره ۱۱۸
- جشن ثانویه ۱۱۹
- ۱۴ - شراب سازی نخستین معجزه ی مسیح! ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
- شراب و معجزه! ۱۲۸
- یک بام و دو هوا! ۱۳۰
- اما اسلام : ۱۳۱
- ۱۵ - تناقض گویی اناجیل ۱۳۴
- اشاره ۱۳۴
- تناقض گویی چیست؟ ۱۳۶
- اشاره ۱۳۶
- ۱ - دشنام و کفر دزدان ۱۳۶

- ۱۳۶ - اشاره
- ۱۳۷ - اگر پسر خدا هستی از صلیب فرود بیا...
- ۱۳۸ - ۲ - عصا و چوب دستی
- ۱۳۹ - ۳ - باز پرسى از پطرس
- ۱۴۰ - ۴ - هنگام آمدن مریم
- ۱۴۱ - ۵ - درنگ مسیح در شکم قبر!
- ۱۴۴ - ۱۶ - آیین شمشیر کدام است؟
- ۱۴۴ - اشاره
- ۱۴۵ - تهمت
- ۱۵۰ - ۱۷ - بشارت تورات
- ۱۵۰ - اشاره
- ۱۵۱ - بخش اول : بشارت تورات
- ۱۵۱ - اشاره
- ۱۵۲ - بشارت اول
- ۱۵۲ - اشاره
- ۱۵۹ - تطبیق های نادرست
- ۱۶۰ - بشارت دوم - درخشیدن از کوه فاران
- ۱۶۱ - بشارت سوم - الاغ سوار و شتر سوار
- ۱۶۳ - بشارت چهارم - مژده ی حقیوق نبی علیه السلام
- ۱۶۴ - بخش دوم : تحریف بشارت
- ۱۷۴ - ۱۸ - آیین سه گانه پرستی یا تثلیث
- ۱۷۴ - اشاره
- ۱۷۶ - نفوذ تثلیث در میان پیروان مسیح علیه السلام
- ۱۷۸ - توجیهات نارسا
- ۱۸۲ - ۱۹ - داستانی از تورات کنونی
- ۱۸۲ - اشاره

- ۱۸۳ رجال آسمانی و تربیت اجتماع
- ۱۸۴ عهدین و پیامبران
- ۱۸۵ داستان شرابخواری لوط !
- ۱۸۷ سرگذشت کشتی یعقوب با خدا
- ۱۹۰ ۲۰ - کدام دین را انتخاب کنیم؟
- ۱۹۰ اشاره
- ۱۹۳ گرایش ما به خدایی است که اسلام معرفی می کند
- ۱۹۸ فهرست مطالب
- ۲۰۵ درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: حقیقت مسیحیت / هیئت تحریریه ی موسسه ی در راه حق.

مشخصات نشر: قم: در راه حق، 1361.

مشخصات ظاهری: 192 ص.: جدول، نمونه.

فروست: هیئت تحریریه ی موسسه ی در راه حق. از سری ادیان(ه)؛ 1.

شابک: 120 ریال

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: چاپ دیگر: موسسه در راه حق، 13(240ص).

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: مسیحیت -- عقاید

شناسه افزوده: موسسه در راه حق. هیات تحریریه

شناسه افزوده: موسسه در راه حق

رده بندی کنگره: BT65/ح 7 1361

رده بندی دیویی: 230

شماره کتابشناسی ملی: 1896965

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

نام کتاب - حقیقت مسیحیت

نویسنده - هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق

ناشر - مؤسسه در راه حق

نوبت چاپ - سوم تابستان 82

تیراژ - 2000 جلد

چاپخانه - سلمان فارسی

شابک - 964 - 6425 - 74 - 7

مرکز پخش

قم - خیابان آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله کوچه شماره 20 پلاک 10

مؤسسه در راه حق

تلفن: 7743223

قیمت 20000 تومان

ص: 2

پیش‌گفتار

... دوازده سال پیش هنگامی که نخستین نشریه‌ی در راه حق با تیراژی کم (هزار نسخه) منتشر شد اطمینانی به ادامه‌ی انتشار آن نبود، اما خداوند ما را یاری فرمود چنانکه نه تنها نشریه‌ی نخستین چندین بار تجدید چاپ شد بلکه نشریات بعدی نیز مرتباً انتشار یافت و به رایگان در سراسر ایران و حتی در خارج از ایران توزیع گردید. هدف ما از انتشار این جزوه‌ها نشان دادن حقیقت مسیحیت و روشن ساختن افکار جوانانی بود که اوراق فراوان و پر زرق و برق میسیون‌های تبلیغی مسیحی را مرتباً دریافت می‌داشتند، و در قبال آنها نشریه‌ی مستقلی که فقط در باره‌ی مسیحیت بحث کند به دست نمی‌آوردند.

البته افسانه‌ها و خرافات مسیحیت هرگز نمی‌توانست و نمی‌تواند در برابر حقایق تابناک اسلام مقاومت کند ولی اخلاص‌گری مبشران مسیحی و نشر اوراقی که هدف آنها فقط ایجاد تزلزل در مبانی فکری و عقیدتی نسل جوان و مسلمان ایران است ما را بر آن داشت که به طور مداوم نشریاتی را برای نمایاندن حقیقت مسیحیت تحریف شده منتشر سازیم، و مانند آنان به طور رایگان در اختیار جوانان قرار دهیم، و خدای را سپاسگزاریم که توانستیم در این راه مقدس گام‌های بلندی برداریم و خلای را که در این زمینه موجود بود و احتمالاً عقاید گروهی از جوانان کم‌اطلاع را مورد تهدید قرار می‌داد پرسازیم.

البته کارگزاران کلیسا اگر کمی دقت میکردند می فهمیدند که نشریات ما جوابگوی نشریات آنها است، و اگر آنان از ادامهی نشریات خود جلوگیری می کردند، و در میهن اسلامی ما به نشر اوراق مسیحیگری نمی پرداختند ما نیز به نوبه ی خود از انتشار این نشریات خودداری می کردیم و به وظائف ارشادی دیگر خودمان می پرداختیم.

ما در راهی که پیش گرفته ایم موفقیت های بسیاری به دست آورده ایم انبوه نامه هایی که در دفتر بایگانی «در راه حق» موجود است شاهد صدق پیروزی های ما و نشان دهنده ی نیاز عمیق جامعه ی ما به این نشریات است.

برخی از جوانان که پس از مطالعه ی نشریات مسیحیت دچار اشکالات و ابهاماتی شده بودند با دریافت نشریات در راه حق به حقیقت مسیحیت پی بردند. و از گمراهی نجات یافتند (نامه های رسیده در این زمینه موجود است و ضمن نامه هایی که به عنوان نمونه نقل می کنیم ملاحظه خواهید کرد).

در میان نامه هایی که از داخل و خارج به دفتر انتشارات در راه حق رسیده عده یی از دانشجویان از ما خواسته اند که نشریات در راه حق به زبان های دیگر نیز ترجمه شود تا در کشورهای غربی و اسلامی توزیع گردد، خوشبختانه اخیراً ترجمه ی عربی این نشریات را آغاز کرده ایم، و بیش از ده شماره از ترجمه شده ها را چاپ و توزیع نموده ایم، و امیدواریم که در آینده یی نه چندان دور بتوانیم ترجمه ی انگلیسی نشریات در راه حق را نیز به دوستان تقدیم کنیم. نشریات رایگان در راه حق که اینک به 60 شماره رسیده است: (20 شماره پیرامون مسیحیت - 20 شماره در باره ی زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله - 20 شماره در مورد مسائل زندگی ساز اسلامی) مداوماً در سراسر ایران و خارج از ایران برای مشترکان ارسال می شود، و اینک خوشحالیم که قسمت اول یعنی 20 شماره نشریات روشنگر مسیحیت را به صورت کتاب «حقیقت مسیحیت» به شما تقدیم می کنیم.

این کتاب قبلاً دو بار و در دو جلد چاپ شده است، و این بار برای آسانی کار و یکجا بودن مطالب همه ی 20 شماره را با تصحیح و تجدید نظر در یک جلد

برای آگاهی بیشتر از میزان تاثیر نشریات ما در رد خرافات مسیحیت

کنونی، چند نامه از انبوه نامه های بایگانی شده را به عنوان نمونه درج می کنیم:

مشهد

«... شما و دیگر افراد همکار و یاری کننده تان با مجاهدت و سعی زیاد و کوششی خستگی ناپذیر، با انتشار نشریات مختصر و مفید در صدد نشر آیین مبین اسلام و جلوگیری از انحرافات مردم به خصوص جوانان برآمده اید، و با آشنا کردن ایشان با اسلام و نیز با بررسی دیگر ادیان و مقایسه برخی از آنها با آیین اسلام علاوه بر اثبات باطل بودن آنها و حقانیت اسلام، موجبات استحکام مبانی اعتقادی جوانان و نوجوانان این ملت را فراهم نموده اید...»

50/3/23

ح - زرسازان

کرج

«شورای محترم نویسندگان در راه حق»

... باری لازم است این را بنویسم که وقتی من آن اوراق را در بین همکلاسان و سایر دوستان خود پخش کردم با چه شور و علاقه ای آنها را مطالعه می کردند و از طرفی نیز تعجب می کردند زیرا تا حال چه بسیار اتفاق افتاده بود که چند نفر مسیحی اوراق و کتب سراسر جعلی خود را بین آنها پخش کرده بودند و آنها چه فکری دربار مسیحیت می کردند. آنها خیال می کردند که مسیحیت هم به اصطلاح دین آسمانیست ولی آنها و به خصوص بنده با خواندن جزوات ارسالی شما به پوچی دینی که با آن خرافاتش می خواهد مردم را منحرف و با اسلام مبارزه کند واقف شدیم ولی به یاری خداوند و با اقدامات مفید شما انشاء الله جوانان روشنفکر اسلام هیچوقت فریب یاوه گوئی های این اشخاص

ص: 5

بی دین را نخواهند خورد...»

44/12/15

م - ظریفیان

تبریز

«ناشرین محترم در راه حق»

قبل از هر چیز از شما که حق را از پس ابرهای تیره بیرون می آورید و با نشر مقالات و گفتارها در اختیار همگان قرار می دهید تشکر می نمایم و به همه ی شما درود می فرستم ...

من مسلمانی از اهالی تبریزم، آخرین مقاله شما را درباره «پدران روحانی چه کرده اند» خواندم و خدا شاهد است که با خواندن آن علاقه ی من به اسلام و کتاب تابش صد چندان شد. این اولین مقاله ای بود که از هشت مقاله ی شما خواندم ولی سعی میکنم همه را به دست آورده و بخوانم...»

44/2/23

خانم پ - عبدالله زاده

...

«با کمال احترام و توقیر فراوان اعلام می دارم بسته ی حاوی نشریات موسسه به دست بنده رسید و کلیه ی آنها را با دقت و علاقه بلکه لذت فراوان خواندم، و در من تاثیری عمیق کرد و مطالب آنها را بسیار ارزنده و آموزنده و با هدف یافتن، قطعا چنین نشریاتی در پیشبرد هدف و ایده ی شما که همانا پیشروی اسلام و مبارزه در راه حق برای حق است نقش موثری دارد و هر خواننده ای را تحت تاثیر قرار می دهد زیرا با دلیل کافی و برهانی قاطع بطلان ادیان بی نتیجه ی دیگر را ثابت و حقایق زشت پشت پرده ی کلیساهای مسیونری را فاش و افکار را برای رد دلایل پوچ و سفسطه کاری های آنان آماده و مهیا می سازد...»

48/5/20

ا - دین خواه

ص: 6

«نویسندگان محترم در راه حق»

سلام بی پایان مرا بپذیرید. من ض-فاضلی همان جوانی هستم که تحت تاثیر سخنان کشیشان قرار گرفته بودم، نامه ی شما به تاریخ 52/4/18 و به شماره ی 714 به دستم رسید چند روز بعد جزوه های بسیار مفید شما به دستم رسید، نمی دانم چطوری از شما نویسندگان عزیز و محترم تشکر کنم، شما با این جزوه ها مرا با مسیحیت آشنا کردید و از حقایق پشت پرده ی مسیحیان آگاه شدم...

52/5/4

ض - فاضلی

تویسرکان

«آرزو دارم و امیدوارم که هر روز بیش از پیش گام های موفق تری در

زمینه ی معرفی حقانیت دین اسلام و بطلان مسیحیت بردارید.

من نمی خواهم خودم را شخصی بالاتر از سطح یک خواننده معرفی کنم ولی باور کنید به نام یک مسلمان معمولی وقتی نشریات شما را مطالعه می کنم گویی خونی تازه در عروقم جریان پیدا می کند...

سال ها بود من و امثال من در این درد و داغ می سوختیم که چرا باید شاهد تبلیغ دین پوشالی مسیحیت باشیم و پایگاهی در مقابل آنها وجود نداشته باشد تا حداقل دین اسلام را در لباس کامل و رسمی معرفی نماید، اما حالا شما این مهم را از پیش برداشته و علاوه بر آن به معرفی (هویت خرافی) دین تثلیث هم پرداخته اید که خدای موفقتان بدارد و نگهدارتان باد...»

45/10/2

ج - صالحی

ص: 7

«خدمت دوستان عزیز و ارجمند، کارکنان مؤسسه ی مذهبی در راه

حق از دل و جان و از صمیم قلب سلام عرض می کنم. نمی دانم در ادبیات غنی فارسی چه کلمه ای پیدا کنم که بتوانم با آن جمله ی شیرینی بسازم و با آن از زحمات چندین ساله ی شما تشکر کنم. در این چند سال نشریات در راه حق مرتباً بدست بنده رسیده و مرا بسیار ارشاد و راهنمایی کرده است، مجدداً از زحمات شما قدردانی کرده و تشکر می کنم، نشریات شما درست موقعی بداد من رسید که نزدیک بود مثل عده ای جوانان دیگر منحرف شوم و پای من نیز به مراکز فساد کشیده شود و با مطالعه عمیق نشریات در راه حق و کتابهای دیگری که در این زمینه بودند خوشبختانه خود را نجات دادم...»

ع - معظمی نژاد

تابستان 1355 شمسی

قم - مؤسسه ی در راه حق

صندوق پستی 5

ص: 8

1 - قضاوت کنید آیا راه این است؟

اشاره

ص: 9

خواننده ی عزیز!

در دنیایی که هر روز یک پرده ی جهل و نادانی از فرا راه بشر برداشته می شود و جهان تازه یی از حقایق خیره کننده در برابر دیدگان آدمیان نمودار می گردد؛

در روزگاری که روشنی های علوم، ما را به سوی وحدت می کشاند و یکتایی خالق را برای ما مبرهن و مدلل می نماید و از این رهگذر، جهانی پر از شگفتی و اعجاب را در برابر دیدگان ما نمایان می سازد!

در جهانی که دوران سیاه استعمار سپری شده و ننگ ابدی برای استعمارگران در تاریخ بشر به جا مانده و نه تنها انسان های آزاد، زیر یوغ استعمارگران سرخم نمی کنند؛ بلکه ریشه ی چپاولگری های آنان را نیز می سوزانند؛

در یک چنین زمانی، کلیسای انجیلی تهران به فکر استعمار افتاده و با پیشنهاد فکر تثلیث (سه خدایی) می خواهد مردم را به تاریکی های قرون وسطی به کشاند تا شاید طی این مسیر تراژدی آندلس را دو مرتبه تجدید کند که در یک شب

ص: 10

چندین هزار از مردم مسلمان بیگناه خدا پرست را سر بریدند و حتی به اطفال و ناموس آنان رحم نکردند و معابد ایشان را ویران کردند!!

اکنون کلیسای انجیلی لوتری پس از چند سال، سیمای حقیقی خود را به جامعه ی مسلمان ایران نشان می دهد:

گردانندگان این کلیسا که فعلاً در پشت پرده پنهانند؛ نقشه های شوم و خانمان براندازی به منظور از بین بردن اسلام و مسلمین کشیده اند و هفته بی نمی گذرد که چند میهمان ناخوانده (میسیون) به تهران وارد می شوند و در آبرومندترین خیابان های شهر به آنان مسکن می دهند تا شاید آنها موفق شوند به دوستان خود کمک های شایانی بنمایند و خنده آور اینکه باورششان آمده که این مساکن مناسب و وسائل مرتب از برکت وجود عیسی علیه السلام است که در اختیارشان گذاشته شده است!

فعلاً به قول حضرات، در درجه اول ایران و به طور کلی کشورهای آفریقایی و آسیایی مسیحی خواهند شد! و هر شب خواب های طلایی می بینند که اسلام از این ممالک رخت بر بسته و عقیده فاسد تثلیث جایگزین آن گشته است و طولی نخواهد کشید که مردم خدا پرست ایران و سایر کشورهای آسیایی و آفریقایی عمه و خاله و دایی پسر و مادر خدا را خواهند پذیرفت! راستی شما خیلی خدا را عیال وار فرض کرده اید!

در حالیکه پس از 20 قرن هنوز مسیحیت نتوانسته

ص: 11

مسأله ی تثلیث را که عقیده یی خرافی و شرک آمیز است؛ و درعین حال محور و اساس مذهب پولس نه دین عیسی علیه السلام به شمار می رود؛ توجیه کند:

طرفداران عقیده ی تثلیث

برای اثبات آن گاهی شکل مثلثی را می کشند و می گویند: چون یک مثلث سه ضلعی، در عین حال واحد است تثلیث هم عین وحدت می باشد!

کودکان هم بر این بیان می خندند؛ از این رو که مثلث مرکب از چند ضلع است و هر ضلع مثلث از شخصیت دو ضلع دیگر بی خبر است چنانچه هر ضلع عین اضلاع دیگر شود، مثلثی باقی نخواهد ماند و سرانجام فرض مثلث غلط خواهد شد.

ص: 12

بنابراین مثلث هیأتی است مرکب از چند ضلع که نام همه ی آنها را «مثلث» نهاده اند و هیچ عاقلی آنرا واحد حقیقی نمی داند.

و اصولاً خدایی را که از هرگونه ترکیب منزّه است، به مثلث (شکلی که از ترکیب چند ضلع به وجود آمده) تشبیه کردن غلط است، زیرا ترکیب ویژه ی ممکنات و آفریده شدگانست و به هیچ وجه در ذات پاک خدا امکان تصور ندارد، چون در این صورت این خدا، مخلوقی بیش نخواهد بود و به قدرت دیگری که اجزاء او را جمع و جور کند، نیازمند است.

و زمانی هم می گویند: همانطوری که آب صورت های مختلفی (مایع، منجمد و بخار) به خود می گیرد؛ چه مانعی دارد خدا هم به صورت پدر پسر و روح القدس درآید، ولی غافل از آنکه آب مرکب از اجزاء گوناگون نیست که در اثر موقعیت ها و شرایطی به شکل های مختلفی در می آید و این مثال با بسیط بودن خداوند سازگار نیست، علاوه لازمه ی این سخن و تشبیه اینستکه دست حوادث و تغییرات در ساحت مقدس خداوندی هم، راه داشته باشد .

فکر تثلیث به اندازه ی بی اساس است که هر زمان انسان با شخصی مسیحی در اطراف آن صحبت می کند تنها جوابی که می شوند آنست که این امر، رمز کلیسا است! و نمی توان حقیقت آنرا دانست و اشخاص بزرگتر از ما هم

نتوانسته اند آنرا بفهمند، راستی خیلی عجیب است مسأله ای که باید از هر چیزی روشن تر باشد و همه آنرا بفهمند کارش به جایی رسیده که باید از علم ریاضی و اشکال هندسی کمک گرفت و پس از آنکه باز هم نتیجه یی حاصل نشد از راه سفسطه و مغلطه مطلب را تمام کرد!

این چه خدایی است که باید او را چشم بسته و گوش بسته پرستش کرد؟!

این چه دینی است که از بیان ابتدایی ترین و ضروری ترین مسائش عاجز است؟! و هنوز نتوانسته روشن سازد که چگونه سه خدا در یکی ادغام شده که سه گانه بودنش را حفظ کرده و هم وحدتش را از دست نداده است؛ آیا ایمان به این نوع مجهولات و خرافات به بهانه ی اینکه در اناجیل بیان شده صحیح است؟ یا باید این سری مطالب را شاهد زنده یی برای بطلان اناجیل دانست، چون کتاب وحی هیچگاه دارای اینگونه سخنان نمی باشد.

و در حقیقت مسیحیت با این پاسخ چهره ی نهایی خود را به ما نشان می دهد که پایه ی این دین بر نافی و جهالت بنا شده است.

دریغا و زهی بدبختی که اینان با چنین اندکمایگی اندیشه و دین به ایرانیان مسلمان می گویند از حقیقتی که علم و دانش هم آنرا تأیید می کند، بگذرید و به دنبال ما چشم بسته و

کورکورانه حرکت کنید و به مسلمانی که عقیده اش اینست: هر گیاهی از زمین می روید (وَحَدُّهُ لَشَرِيكَ لَهُ) گوید، می گویند: که برای خدا شریک هایی قرار بده و خدا را به اجزاء تقسیم کن و پسر خدا را در قلب خود وارد ساز!

مژده ی چنین سخن ناصوابی را از طرق مختلف به ما می دهند: گاهی به صورت نشریه و تراکت و زمانی به صورت کتاب های سراسر خرافی و موهوم و اخیراً به وسیله فرستنده یی که مژده ی آن به ما به ما رسیده که هر هفته برنامه ی تربیتی و اخلاقی برای ایران و آفریقا پخش خواهد کرد!

آفرین بر شما خیر خواهان عالم بشریت که پرونده ی تاریک قطور خود را در آفریقا نادیده گرفته و اشک تمساح برای آن مردم بی خبر می ریزید و به خاطر نقشه های شوم استعماری، قیافه ی مذهبی به خود می گیرید.

ما می دانیم این سوغات ها برای کشور ما از جانب دولت های ملت پرور و آزادی خواه غربی می رسد زیرا که فقط سرزمین پر از گناه ما و مردمان گناهکارش منتظر لطف و مرحمت از طرف خداوندشان مسیح هستند!

ولی دیگر بس است قدری به خود آید، ای برادر مسلمان! نباید اینطور تصور کنی که ترقیات خیره کننده اروپا در پرتو دین تثلیث به وجود آمده بلکه تا آن روزگار که مردم به دنبال این افکار کودکانه می رفتند، همواره در ظلمات جهل و بی خبری

به سر بردند ولی وقتی که تارهای تنیده کلیسا را از اطراف خود کردند و از روشنی های علوم اسلامی کمک گرفتند، توانستند گام های رسا به نفع بشریت بردارند و این حقیقتی است که تاریخ به ما نشان می دهد.

به هر حال این رشته سر دراز دارد و ما به خواست خدا در بخش های آینده، پرده های بیشماری را بالا خواهیم زد و حقایقی بی پروا تر، فاش خواهیم ساخت.

ما با صدای رسا از گردانندگان کلیسای انجیلی خواهانیم که اگر راستگو که اگر راستگو هستند خود را آماده ی بحث و مناظره ی علمی، در محیطی آرام بنمایند تا حقیقت روشن شود.

ص: 16

2 - نامه یی به کلیسا

اشاره

ص: 17

صدای کشیش سکوت تالار مجلل دادگاه را شکست و با کلمات شمرده بی حکم قضات را قرائت کرد. لباس سیاه، آستین های بلند و برق شیشه ی عینک او، چنان بیننده را مجذوب می کرد که می پنداشت بعد از عیسی، او دومین پسر بلافصل خداست؛ پیر مردیکه در برابر میز دادگاه با ادب ایستاده بود از شنیدن حکم محکمه رنگ از صورتش پرید و بلافاصله در برابر مجسمه ی مسیح زانوزد و از گناهان خود استغفار کرد.

جرم او بحدی عظیم بود که چیزی جز چوبه ی دار آنرا جبران نمی کرد. او قائل به حرکت زمین بود او رأی کشیشان را مبنی بر سکون زمین، باطل می دانست! لابد متهم خیانت کار را شناختید. او کسی جز «گاليله» نبود. (1)

پدران روحانی هرندای حقیقتی را که با خرافات کتب مقدس! - مخالفت داشت در حلقوم ها خفه می کردند. «جیور دانو برونو» را به جرم انکار «تجسم» و «تثلیث خدا» و چیزهای

ص: 18

دیگری از این قماش در میدان کامپود و فیوری Campo de fiori روز 19 فوریه سال 1600 میلادی زنده زنده سوزاندند . (1)

شعله های آتش همراه با دودی غلیظ در آسمان محو می شد و نوکران پاپ سرود مذهبی می خواندند!

آیا شرم آور نیست با این جنایت های جبران ناپذیر که گردانندگان کلیسا در مبارزه با دانش و دانشمندان کرده اند، بازهم در برابر نسل مرفعی و فرهنگ دوست جهان امروز سر راست می کنند و دم از غمخواری برای بشریت می زنند؟

در جهانی که دروازه های دانش راستین به روی بشر گشوده گردیده و انسان سرمست از چشمه سار علوم، پروبال به کرات دیگر می کشد آیا مضحک نیست که این دسته هنوز دست از خرافات و موهومات خود بر نمی دارند؟ صدها تن از دانشمندان و متفکرین عالم تا به حال، در مقابل موهومات انجیل قیام کرده اند ولی روحانیان مسیحی به روی مبارک خود نمی آورند و هنوز تلاش می کنند آن پندارهای غلط را به صورت های دیگر به مردم تحمیل کنند!

در اینجا از خوانندگان تقاضا می شود اگر می خواهند با اصول مسیحیت فعلی آشنا شوند چهار قسمت زیر را به دقت بخوانند، زیرا هر قسمت به تنهایی برای بطلان انجیل ها و

ص: 19

1- تاریخ تمدن: آغاز عصر خرد ص 661 - 653 .

مسیحیت فعلی کافیسیت و هزاران تن از مردم تا به حال طی نامه های بیشمار از کلیسا درخواست کرده اند تا به این (چهار) اصل جواب گوید، ولی هنوز پاسخی کامل داده نشده و جای بسیار تاسف است که مبلغین مسیحی با اینکه تا این حد عاجزند، در برابر جوانان بیخبر و بی اطلاع، از استدلال و منطق دم می زنند!

1- پایه ی مسیحیت بر تثلیث بنا شده و می گویند: خدا همچون دارویی است که از سه جزء ترکیب گردیده (اب - ابن - روح) که منظورشان از «ابن» (یعنی پسر) حضرت عیسی است؛ و در عین اینکه سه جزء است ولی یکی است!

انسان عاقل هر چه فکر می کند در باره ی کدام یک از اشکالات این بحث صحبت کند سرگردان می ماند، ناچار باید بگوید:

3 مساویست با 1 و 1 مساویست با 3 .

2 - می پرسیم: در کتب آسمانی شما چرا تناقض وجود دارد.

چرا در باب دوم انجیل یوحنا شرابسازی را از معجزات عیسی می داند، ولی در انجیل لوقا باب اول بند 15 شراب نخوردن را یکی از شرافت های یحیی می شمارد و می گوید: «چون شراب ننوشید، پیش خدا بزرگ» بود. چرا انجیل متی در نسب نامه ایکه

ص: 20

برای مسیح ترتیب داده نام 41 نفر (1) را آورده است اما در مقام جمع حاصل آن را 42 نفر ذکر کرده است؟

چرا انجیل متی با اینکه می خواهد تمام طبقات و پدران را بیان کند؛ 3 تن از پدران «عزریا» را از قلم انداخته و با عهد عتیق مخالفت نموده است؟! لطفاً به جدول زیر نگاه کنید :

(2)

چرا انجیل متی می گوید: «یکنیا» پسر «یوشیا» است، در صورتیکه کتاب اول «تواریخ ایام» او را پسر «یهو یاقیم» و «یهو یاقیم» را پسر «یوشیا» می داند؟! در حالیکه در نسب نامه و شرح اسامی پدران مرسوم این است که همه ی افراد را به ترتیب

ص: 21

1- بنابر آنکه خود مسیح هم جزو حساب بیاید و گرنه 40 نفر خواهند بود .

2- باب سوم: 1-24 .

نام ببرند و هیچ مزیت و یا دنائی موجب حذف اسم یکی از پدران نمی شود :

بدون تردید اختلاف گویی و تناقض از فراموشی و اشتباهکاری سرچشمه می گیرد، بنابراین اگر اناجیل فعلی از جانب خدا باشد شما خدایی عاجز و فراموشکار دارید!

3- اصلاً کتاب آسمانی که برای هدایت بشر نازل شده، چرا باید متعدد باشد؟

چرا باید مسیحیت دهها انجیل داشته باشد که از جمیع آنها فقط چهار انجیل را به رسمیت بشناسد؟

در دین اسلام با اینکه در اثر سیاست های ناروای مخالفین، جمعیت ایشان به چندین فرقه تقسیم شد، ولی باز کتاب آسمانی آنان یکی است.

4- مهمترین سند بطلان کتاب مقدس مخالفت آن با

ص: 22

علوم روز و تجربه است، بدین معنی که بعضی مندرجات آن چنان برخلاف علم و دانش است که حتی راه سفسطه را هم می بندد، و کشیشان ناچارند همان جوابی را که به گاليله دادند، به مردم عصر اتم هم بدهند یعنی بگویند ما نمی دانیم، کتب مقدس می گوید زمین ساکنست و...

در جهان امروز مسأله ی مشروبات الکلی در ردیف مشکلات بشری است و در سراسر دنیا کلیه دانشمندان به مضرات طبیی آن پی برده و علمای علم الاجتماع نیز زیان های اجتماعی آنرا در کتاب های خود مفصلاً نوشته اند، اما بسیار مضحک است که انجیل از مروجین درجه ی اول آنست و در مراسم اعیاد مذهبی هم از آن استفاده از آن استفاده می کنند؛ از جمله در انجیل متی باب 26 بند 3027 شراب خواری عیسی را تصریح می کند و با این عمل پیغمبر بزرگی چون عیسی را، در ردیف الکلیست ها و مشروب خواران قرار می دهد .

آری بی جهت نیست که صدها دانشمند منصف با صراحت تمام و با مدارک فراوان ثابت کرده اند که کتب مقدس مسیحیت تحریف شده است...

ص: 23

دامنه ی کوشش های پدران روحانی مسیحی بدانجا رسید که در ایران و سایر کشورها بین مردم مسلمان و نسل جوان کتاب مقدس! را رایگان پخش نموده اند.

ما در اینجا کاری نداریم که چرا پدران روحانی و مبشران مسیحیت در ایران و کشورهای اسلامی دیگر، اینهمه آزادی عمل یافته اند؟ و چه بودجه هایی از طرف کدام دولت های استعمارگر غربی در اختیار آنان گذارده می شود و چه مقاماتی از آزادی آنان پشتیبانی می کنند؟ و ...

این ها بحث های جداگانه ایست... در اینجا فقط سخنی کوتاه درباره ی کتاب مقدس مسیحیان به میان می آوریم، باشد که پدران روحانی از نشر آن در بین مسلمانان خودداری کنند، تا ما مجبور به افشای ماهیت آنان و کتاب هایشان نشویم.

کتاب مقدس مرکب از عهد عتیق و عهد جدید است، «عهد عتیق» شامل تورات و صحف انبیاء است. «عهد جدید» هم که در روی جلد ترجمه فارسی آن می نویسند: «انجیل

مقدس خداوند و نجات دهنده ما عیسیای مسیح!! از 27 قسمت تشکیل شده: 4 انجیل «متی»، «مرقس»، «لوقا»، و «یوحنا». و 21 رساله که منسوب به «پولس» و دیگران است. و با «اعمال رسولان» و مکاشفهی یوحنا مجموعاً 27 قسمت می شود.

عهد عتیق

«اسپینوزا» فیلسوف معروف یهودی، مطالبی درباره ی عهد عتیق می نویسد که خلاصه ی آن به شرح زیر است:

«همه گمان تقریبی دارند که نویسنده ی 5 سفر تورات؛ حضرت موسی علیه السلام بوده است فریسیان (1) در این رای اصرار زیادی دارند و مخالفین این گمان را خارج از مذهب می شمرند و به همین جهت «ابن عزرا» (2) که تا حدودی آزاد فکر می کرد و اول کسی بود که به این خطای برد جرئت نکرد به طور صریح این مطلب را بیان کند.

ولی من از توضیح این موضوع بیم ندارم.»

آنگاه اسپینوزا شواهدی را که «ابن عزرا» نقل کرده،

ص: 27

1- فرقه ای از یهودیان که همیشه اکثریت را تشکیل می داده اند «فریسی» به معنای گوشه گیر است.

2- ابراهیم بن مائیر بن عزرا، منجم، پزشک، ریاضیدان و دانشمند مذهبی یهود متولد سال 513 ه. ق وی چند شرح بر تورات و تلمود نوشت و کتاب های دیگری نیز تألیف کرد، و در سال 570 در گذشت.

ذکر می کند و خود نیز شواهد دیگر می افزاید و نتیجه می گیرد که نویسندگی 5 سفر تورات شخصی بوده است که چند قرن پس از حضرت موسی علیه السلام می زیسته است. سپس در سایر کتاب های عهد عتیق به تحقیق می پردازد، و نمی پذیرد که آنها نوشته ی کسانی باشد که به نام آنان مشهور شده است، و نیز خلط ها اشتباهات و تناقضات آنها را یادآوری می کند و آنها را قابل توجیه نمی داند و می گوید شارحین کتاب مقدس بسیار کوشیده اند که این تناقضات آشکار را توجیه کنند، اما نمی دانند که با این کارشان مؤلفین آنها را به باد مسخره گرفته اند؛ زیرا با این توجیحات آنان را جزو افرادی قرار داده اند که نمی دانستند چگونه صحبت کنند. (1)

عهد جدید

انجیل ها و رساله هایی که به مسیح و شاگردان مسیح نسبت داده میشود مورد اعتبار نیست، نه سند تاریخی دارد و نه متن کاملی. زیرا حوادث تاریخی و دخل و تصرف هایی که در آنها رخ داده آنها را خالی از دگرگونی و تحریف باقی نگذاشته است و نیز سبک این نوشتارها با سبک و اسلوب نوشته ی پیامبران تفاوت روشنی دارد.

ص: 28

1- رسالة فی اللاهوت والسیاسة ترجمه و تقدیم به عربی: د. حسن حنفی چاپ مصر سال 1971 ص 265 - 326.

اسپینوزا می نویسد :

من معتقدم که استدلال های عمیق و طولانی پولس در «رساله به رومیان» به نیروی وحی متکی نیست و از حد استدلالهای معمولی پا فراتر ننهاده است. و همینطور راه و روش گفتار حواریون - به گونه ای که از رساله هایشان برمی آید - به روشنی دلالت دارد که این نوشته ها از وحی و به لطف خداوند نیست، بلکه افکار شخصی و معمولی نویسندگان آنهاست. (1)

اضافه براین، انجیل ها و رساله های مختلفی وجود است که کلیسا برخی از آنها را به عللی مطرود دانسته است و اساساً نمی توان اطمینان داشت که کتب الهامی همین اناجیل و کتبی باشند که فعلاً به عنوان الهامی مورد قبول کلیساست.

انسیکلوپدی بریتانیکا - دائرة المعارف انگلیسی اسامی ده ها نوع از این انجیلها و رساله ها را ذکر می کند. (2)

صاحب اکسیهومو، فهرست کتبی را که مسیحیان قدیم به خود مسیح، یا به حواریون او، یا به ارادتمندان دیگر نسبت داده اند، چنین نقل می کند :

7 رساله به عیسی علیه السلام

8 رساله به مریم

ص: 29

1- همان مدرک ص 330 .

2- مقدمه ی انجیل برنابا ص 47 چاپ 1345 .

11 رساله به پطرس حواری

9 رساله به یوحنا

2 رساله به اندر یاه حواری

2 رساله به متی

2 رساله به فیلب حواری

1 رساله به برتولما حواری

5 رساله به تو ماحواری

3 رساله به یعقوب حواری

3 رساله به متیاس

3 رساله به مرقس

2 رساله به برنابا

ا رساله به تهیودوش

15 رساله به پولس

و پس از نقل خصوصیات 74 رساله ی مزبور می نویسد: چگونه می شود فهمید که کتب الهامی همین کتبی است که پروتستان ها قبول کرده اند. (1)

آیا کتاب مقدس، آسمانی و الهامی است؟

به طور کلی کتاب مقدسی که اکنون مورد قبول مسیحیان است، اساسی ندارد و ساختگی است.

ص: 30

شواهد ساختگی بودن کتاب مقدس بسیار است. برای نمونه به قسمتی از آنها اشاره می شود :

1- تناقضاتی که بین عهد جدید و عهد عتیق یا بین رساله های آنها به چشم می خورد و نمونه ی آنها گذشته از آنچه سابقاً گفته شد در فصل پانزدهم همین کتاب می خوانید.

2- مرهومات و خرافاتی که در سراسر کتاب مقدس مشاهده می شود از قبیل نسبت شراب خواری به انبیاء و کشتی گرفتن یعقوب با خدا ... و

3- نقص کتاب مقدس از نظر معارف الهی و غیر آن... در فصول مختلف آن وقتی دقت می شود می بینیم که می گوید: خدا راه می رود، خدا پشیمان می شود و علم خدا محدود و متناهی است است و .. و...

4- اشتباهات تاریخی و غیر تاریخی که نمونه ی آنها در فصل دوم همین کتاب خواندید.

و البته اینگونه شواهد، هر عاقلی را معتقد می سازد که کتاب مقدس فعلی مسیحیان اساسی ندارد و نمی تواند یک کتاب آسمانی باشد.

روی همین حساب است که «فیلسین شاله» در آخر بحث خود نتیجه می گیرد :

«در هر حال اینها آثار انسانی است و غیر ممکن است که این کتب گفتار خدا شمرده شود.» (1)

ص: 32

1- تاریخ مختصر ادیان بزرگ ترجمه ی دکتر منوچهر خدایار محبی ص 441 از انتشارات دانشگاه تهران 1148.

درباره ی عیسی دو گروه هلاک شدند: گروه اول یهود که او را دشمن داشتند تا که به او بهتان زدند. گروه دوم نصاری که به او دوستی ورزیدند تا که او را خدا قرار دادند. (1)

«از پیامبر اسلام»

تعلیمات کلیسا درباره ی مسیح

خداوند همان عیسی است!!

(شاؤل) گفت: خداوندا تو کیستی؟ خداوند گفت من آن عیسی هستم...»! (2)

عیسی پسر خدا است که زاییده شد!

« لیکن چون زمان به کمال رسید خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد...» (3)

ص: 34

1- بحارج 35 ص 322 چاپ جدید .

2- اعمال رسولان باب 9 بند 5 .

3- غلاطیان باب 4 بند 4 ..

« اما عیسی چون تعمید یافت فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بروی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده بروی می آید آنگاه خطابی از آسمان در رسید که اینست پسر حبیب من که از او خوشنودم». [\(1\)](#)

«آنگاه عیسی بدست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید. و چون چهل شبانه روز روزه داشت آخر گرسنه گردید پس (ابلیس) تجربه کننده نزد او آمده گفت: اگر پسر خدا هستی بگو تا این سنگ ها نان شود... آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برد... و به وی گفت: اگر پسر خدا هستی خود را به زیر انداز. عیسی ویرا گفت خداوند خود را تجربه مکن». [\(2\)](#)

سپس ابلیس از پسر خدا خواست که برایش سجده کند:

به وی گفت: اگر تو (ای عیسی) افتاده مرا سجده کنی همه چیزها را به تو می بخشم آنگاه عیسی وی را گفت: دور شو ای شیطان، زیرا مکتوب است که فقط خدای خود را سجده و عبادت کن. [\(3\)](#)

خدا در اعتقاد نامه نیقیه :

ص: 35

-
- 1- انجیل متی باب 3 بند 16-17.
 - 2- انجیل متی باب 4 بند 98 .
 - 3- انجیل متی باب 4 بند 8-10 .

در سال 325 میلادی شورایی به دست امپراتور روم در شهر نقیه نزدیک قسطنطنیه جهت حل اختلاف «آریوس» و «اسکندر» تشکیل گردید.

جلسه با طرح همین مسأله افتتاح شد، و سرانجام عقاید آریوس و پیروانش رد گردید. و آنها به جرم واقع بینی و نواندیشی محکوم شده و به دستور امپراتور تبعید شدند، و طی اعتقاد نامه بی آراء اکثریت افراد به شرح ذیل تسلیم شورا گردیده و به امضای تمامی اهل شورا رسید.

«ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر، قادر مطلق، خالق همه چیزهای مرئی و نامرئی و به خداوند واحد عیسی مسیح، پسر خدا مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر است خدا از خدا، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی که مولود است نه مخلوق، از یک ذات با پدر به وسیله ی او همه چیز وجود یافت آنچه در آسمان است و آن چه بر زمین است. و او به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما نزول کرده و مجسم شده انسان گردید و زحمت کشید و روز سوم برخاست و به آسمان صعود کرد و خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید... و لعنت باد بر کسانی که می گویند: او وجود نداشت یا پیش از آنکه وجود یابد نبوده یا از نیستی به وجود آمد و بر کسانی که اقرار میکنند که وی از ذات یا جنس دیگری است و یا آنکه پسر خدا خلق شده یا قابل تغییر و تبدیل است.»

ص: 36

این اعتقاد نامه بعدها بسط یافته و آنچه را که امروز مسیحیان اعتقاد نامه ی نیقیه می خوانند همانست. (1)

از مطالب اناجیل و اعتقاد نامه ای که نقل شد روشن می شود که: مسیحیت دچار دو عقیده ی خرافی و نادرست گردیده است .

1- خدا را مرکب و دارای اجزاء معرفی نموده زیرا تا اینطور نباشد، ممکن نیست از او جزئی جدا شده و به صورت فرزند درآید.

در صورتیکه ناگفته پیداست که خدا دارای هیچ گونه ترکیب نیست. زیرا همانطوری که دانشمندان و فلاسفه ی الهی گفته اند ترکیب مستلزم نیاز به اجزاء و تألیف دهنده ی خارجی است و آن، به طور کلی با خدای بی نیاز که همان بی نیازی، او را از تمام مخلوقات ممتاز کرده است؛ سازش ندارد (دقت کنید).

2- مسیحی را که گورا که گرسنه و تشنه می گشت و در مشکلات و سختی ها ناراحت می شد و از خدای واحد حقیقی استمداد می کرد و به طور کلی وجود محدودی بیش نبود، آنرا خدا و نامحدود دانسته اند، در صورتی که نادرستی آن از واضح ترین چیزهاست زیرا مسیح را خدا دانستن مساوی با آن

ص: 37

1- تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران ص 244 - 241 تألیف و . م . میلر.

است که بگوییم: نامحدود محدود و یا متناهی نامتناهی است!

اخیراً برخی از نویسندگان مسیحی می نویسند: آنچه مسیحیان عقیده دارند این است که «خدا می تواند خود را به صورت بشری ظاهر فرماید». (1)

ولی غافل از اینکه این حرف با نامحدود بودن خدا بطور کلی نمی سازد، علاوه باید خداوند هم مانند سایر ممکنات قابل تغییر و تبدیل باشد!!

خنده آورتر آنکه می نویسند: همانطور یکه ممکن است یک ظرف از آب اوقیانوس کبیر برداریم و آن را آب اوقیانوس بخوانیم، همچنین مانعی ندارد که مسیح در این جهان به اندازه ای که امکان داشت از روح خدا پر شده باشد. (2)

در صورتیکه واضح است خداوند مرکب نیست و مقایسه ی وجود او با وجود اوقیانوس غلط و اشتباه است او جزئی ندارد تا مقداری از او در ظرف مسیح ریخته شود. اینها عقاید خرافی و موهومی است که مسیحیت ناچار است از آنها دست بردارد تا بتواند موجودیت خود را حفظ کند.

ص: 38

1- خدای متجلی انتشار نور جهان ص 24 - 20 .

2- خدای متجلی انتشار نور جهان ص 25 .

«(ای محمد) بگو اوست خدای یکتا خدایی که همه به او محتاج و نیازمندند نژاده و زاییده نشده، و هیچکس همتای او نیست.» (1)

بنابراین هرگونه شرک و بت پرستی و تولید و تولد و تجسد و تجسم در اسلام نفی شده و خدا از همه ی این پیرایه ها پاک و مقدس است.

«یهودیان گفتند: «عزیر» پسر خداست و مسیحیان گفتند» مسیح پسر خداست آن گفتار بازیچه ی زبانشان شده است که هم آهنگ می

شوند با گفته ی کسانی که از پیش کافر بودند...» (2)

گروهی از محققین این عصر عهدین را با عقائد بودائی ها و دیگران تطبیق کرده‌اند وجه اشتراک به قدری زیاد است که شکی برای انسان

مطلع باقی نمی ماند که عقاید موهومی که در مسیحیت ملاحظه می شود از دیگران گرفته شده است. (3)

«کسانی که گفتند خدا، مسیح پسر مریم است: کافر شده اند بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادر او را و هر که

ص: 39

1- قرآن مجید سوره ی توحید.

2- مستفاد از سوره ی توبه آیه ی 30 .

3- المیزان ج 9 ص 254 .

در زمین هست یکسره نابود کند کیست که در برابر او اختیار چیزی را داشته باشد...؟!» (1)

«ستایش خاص خدایست که کتاب استوار قرآن را به بنده خویش فرو فرستاد و انحراف در آن نهاد... تا کسانی را (یهود و نصاری) که گفتند خدا فرزندی گرفته، بیم دهد. در این باب چیزی نمی دانند، پدرانشان نیز نمی دانسته اند. کلمه بی که از دهانشان برون می آید هراس انگیز است و جز دروغی نمی گویند شاید تو از پی ایشان از غم اینکه چرا قرآن را باور ندارند خویشان را هلاک می کنی.» (2)

قرآن به پیامبر گرامی می گوید: ای (محمد) بگو ستایش ویژه ی خدایست که فرزندی نگرفته و در ملک (پادشاهی) شریک ندارد...» (3)

اینهاست تعلیمات قرآن و اسلام و آنها تعلیمات انجیل و مسیحیت قضاوت را به خود شما وا می گذاریم...

ص: 40

1- سوره ی مانده آیه ی 17 .

2- مستفاد از سوره ی کهف آیه ی 1-6 .

3- سوره ی بنی اسرائیل آیه ی 111 .

5 - يك جوان از مسيحيت سخن مي گويد

ص: 41

او می گفت...

جوانی که مدتها به دعوت کلیسا، در مراسم مذهبی مسیحیان شرکت می کرد، می گفت: سرانجام نفهمیدم عیسی چکاره است؟ خداست؟ پسر خداست؟ شبان است یا بره ی خداست؟ (1)

او می گفت: راستی مسخره است که در جهانی که تجلیات زنده ی علوم، چشم ها را خیره ساخته و بشر کنجکاو می خواهد هر چیزی را آن طور که هست بفهمد و بشناسد؛ پدران روحانی و مبشرین مسیحیت مردم را به سوی اوهان و افسانه ها دعوت می کنند و از گمراهان می خواهند که عیسی را در قلب خود وارد سازند! زیرا عیسی فدای گناهان بشر گردید و این عیسی همان خدا بود که به شکل بشر درآمد و سپس در روی صلیب جان سپرد تا گناهان ما آمرزیده شود! در صورتی که اگر او خود خدا بود، مگر نمی توانست بدون آنکه به صورت بشر درآید، گناهان ما را بیخشد یا ما را راهنمایی کند؟

ص: 42

1- انجیل یوحنا او را بره ی خدا می نامد - باب اول بند 29.

او می گفت: خنده دار است که پدران روحانی به دانشمندانی که سالها درباره ی یک مسأله ی علمی به کاوش می پردازند، می گویند بیا بیا معتقد شوید که: زمین ساکن است. زیرا کتاب مقدس چنین می گوید، بیا بیا به خدای واحد و در عین حال سه گانه! ایمان بیاورید... در صورتیکه من تاکنون حتی یک نفر مسیحی را ندیده ام که بتواند «ثلیت» را بفهمد و معنای آنرا تشریح کند.

او می گفت: چون مسأله ی ثلیت و مرکب بودن خدا از پدر و پسر و روح القدس، اساس دین مسیحیت فعلی است، من خیلی کوشیده ام که آنرا بفهمم ولی از هر کس که پرسیدم، در جواب من گفت: تا مسیحی نشوی رمز آنرا نخواهی فهمید!... واقعاً که مسخره است!

او می گفت: هر یک از پدران روحانی بزرگ هم طبق دلخواه خود کتاب و رساله یی تنظیم کرده و آنرا جزو اناجیل قرار داده اند که به اصطلاح کتاب مقدس به شمار می روند، این کتاب مقدس یکی دو تا نیست بلکه تعداد آنها بسیار است یک مشت نامه هایی نیز مقدس!! به شمار می روند که اصولاً نویسنده ی آنها معلوم نیست چه شخصی بوده است.

او می گفت: در میان حواریون عیسای مسیح فقط برنابا است که حقیقت را گفته و البته مورد حمله ی مسیحی ها قرار گرفته است، زیرا این مرد، خدا آلت دست پدران روحانی سودجو

نگشت و رسماً گفت: «اینان که بشما بشارت می دهند که یسوع (عیسی) پسر خداست، فریب خورده اند و پولس نیز در شمار آنانست».

(1)

انجیل برنابا در واقع برای آن مطرود و منفور مبشرین و پاپ های بزرگوار! قرار گرفته که با عقاید دیگران مخالفت کرده و نیز به ظهور پیامبر اسلام بشارت داده است و به همین جهت بیچاره مسیحیان به دستور پاپ ها و کشیش ها از خواندن انجیل برنابا ممنوع هستند و اکثریت آنان اصولاً از وجود انجیل برنابا نیز بی اطلاعند .

او پس از آنکه از نقش استعماری پدران روحانی در کشورهای آفریقایی و آسیایی سخن ها گفت باز به مطالب اناجیل و عیسیای مسیح، پسر خدا!، اشاره کرد و گفت:

این چگونه خدایی است که طبق دعوی اناجیل چند قرن پیش، از مریم، زن یوسف نجار متولد شد و پس از خوردن و آشامیدن و نماز و روزه و دعا و گاهی شراب خوردن، سرانجام مردم پست فطرت او را گرفتند و کشتند و دفنش کردند (2) و سه روز

ص: 44

1- انجیل برنابا ترجمه فارسی به وسیله ی سردار کابلی باب 222 بند 3 ص 387 چاپ کرمانشاه 1345 .

2- طبق گزارش رادیوهای خارجی اخیراً اساقفه در واتیکان تصویب کرده اند که عیسیای مسیح را یهودیان نکشته اند (در صورتیکه قبلاً می گفتند کشته اند) و قرار است که این موضوع رسماً از طرف جناب پاپ به دنیا اعلام شود و بدین ترتیب معلوم میشود که حتی معتقدات تاریخی خود مسیحیان نیز با تحولات سیاسی و اوضاع روز و مقتضیات زمان تغییر می یابد و از اینجا شما می توانید با تحریفات دیگری که در کتب مقدس یا مسائل دیگر، در طول قرن های گذشته از طرف کشیش ها و پاپ ها به عمل آمده، پی ببرید.

در قبر بود و پس از آن از قبر برخاست و به آسمان رفت و طرف دست راست خدای اول یعنی پدرش نشست! و روزی هم به زمین برمی گردد که داوری کند! واقعاً چه خدای عجیبی است که از عهده ی بندگان یهودی خود بر نیامد تا او را دفنش کردند ولی پس از سه روز از آنجا بیرون آمد و به آسمان پرواز کرد!...

او می گفت: من کتاب مقدس را به دقت مطالعه کردم و شما اگر کتاب مقدس خدمتتان هست باز کنید: سفر تکوین باب 32 بند 24 تا آخر را پیدا کنید و بخوانید که چگونه خدا با یعقوب کشتی میگیرد ولی زورش به او نمی رسد و چون صبح نزدیک شده بود و آمد و رفت شروع می شد، سرانجام خدا، ران یعقوب را گرفته و فشار می دهد و به او می گوید مرا رها کن زیرا فجر می شکافد و یعقوب هم در جواب وی می گفت تا مرا برکت ندهی ترا رها نکنم!؟

اینست نمونه ای از کارهای خدای مسیحیان!

او می گفت: این درباره ی خدا، اما ببینید این کتاب ها با پیامبران خدا چه کرده اند، در سفر پیدایش باب 19 بند 30 - 38

ص: 45

می نویسد: لوط شراب می نوشد و با دو دخترش هم بستر می شود و دخترانش از او آبستن می گردند؟

و در کتاب 2 سموئیل سرگذشت شرم آوری را بدین مضمون به داود پیغمبر نسبت می دهد :

هنگامی که داود بر پشت بام خانه ی پادشاه گردش می کرد، نگاهش به زن زیبای «اور یا» افتاد، قاصدان را پیش او فرستاد و سرانجام با او همبستر شد و زن اور یا به وسیله ی داود حامله گردید؛ موقعیکه داود شنید زن اور یا حامله شده است - برای اینکه امر را مشتبه کند - دستور داد: اوریا را از جبهه جنگ خارج کنند و به شهر برگردانند تا با زن خود هم بستر شود اور یا موقعیکه از جنگ برگشت، با داود ملاقات کرد، داود وی را گفت : به خانه ات برو ولی اور یا به خانه ی خود نرفته و از همبستر شدن با زن خویش خودداری کرد داود - وقتی دید نقشه اش عملی نشد - دوباره او را روانه جنگ کرد و به فرمانده لشکر دستور داد: اور یا را در جلو لشکر قرار دهید تا کشته شود، فرماندهی لشکر دستور وی را عملی ساخت و در نتیجه اور یا کشته شد داود پس از گذشتن مدت ماتم، زن اور یا را به خانه ی خود برد برد. (1)

ص: 46

آیا خنده آور نیست که پدران روحانی این اناجیل و کتب و نوشته ها را چاپ و پخش میکنند و به قول خودشان به هزار زبان هم ترجمه می نمایند؟

او می گفت: من نمی دانم چرا پدران روحانی برای عیسی نسب نامه ساخته اند؛ چون اولاً خدا و پسر خدا که نسب نامه لازم ندارد و ثانیاً کتاب مقدس می گوید عیسی به هیچکس ربطی ندارد و از صلب هیچکس نیست و فقط مادر او مریم است.

اما پدران روحانی که طبق معمول بیکار بوده اند با طمطراق دو نسب نامه برای او نوشته اند. یکی در انجیل متی و دیگری، در لوقا، اگر مسیح پدر نداشت دیگر نسب نامه چه لزومی دارد؟ و چرا او را به یوسف نجار نسبت می دهند؟ یوسف نجار که با مریم نزدیکی نکرد چنانکه در اول انجیل لوقا می خوانیم در شکم مریم روح القدس دیده شد در حالیکه مریم باکره بود!

شاید پدران روحانی خواسته اند با این شجره نامه او را به داود و سلیمان و یعقوب مربوط سازند ولی اشکال اینجاست که اگر عیسی از نسل آنان باشد؛ داود زناکار بوده و به حکم تورات زناکار ملعون است!

این جوان، سخن های دیگری نیز گفت که در این مقاله ی کوتاه نمی توان آورد.

دانشمندان مسیحی معتقدند که مسیح کتاب آسمانی از خود به یادگار نگذاشته است بلکه پس از مدتی شاگردان وی (1) به این فکر افتادند، و سرانجام رساله هایی درباره ی گفتار و کردار مسیح نوشتند. (2)

ولی متأسفانه از همان ابتدا آن رساله ها تا مدت سیصد سال دستخوش تصرفات امپراتوران خونخوار روم که هدفی جز تخریب اساس مسیحیت و اشاعه ی عقائد موهوم و بت پرستی نداشتند واقع گردید.

برنامه امپراتوران در آن مدت طولانی اثر عمیقی در اساس مسیحیت گذارد: سران مذهبی کشته یا توقیف شدند، کتاب های دینی سوزانده شد؛ بدعت گذاران در مراکز دینی رخنه کردند و به تعلیمات غیر صحیحی در کلیسای آنروز پرداختند؛ اجتماعات دینی همه را از هم پاشیده و نمازخانه ها را ویران

ص: 50

1- یا عده ی دیگر از قبیل پولس و...

2- تاریخ کلیسا ص 65.

کردند. در واقع امپراطوران با فعالیتهایی که در آن سیصدسال داشتند اساس مسیحیت را تار و مار کردند و ضربه های جبران ناپذیری بر آن وارد ساختند بطوری که دیگر با وجود آن حوادث نسبت به کتاب مقدس و آن رساله ها نمی توان خوش بین بود.

اینک برای توضیح بیشتر به شرح حال چند نفر از امپراطوران می پردازیم :

1: طرازان

پس از آنکه وی در سال 98 میلادی زمام امور را به دست خود گرفت سیاستش چنین اقتضا کرد، که مسیحیت را با برنامه ی صحیحی از میان بردارد و در آن باره موادی را جعل کرد و به مورد اجرا گذارد. مدت مدیدی آن قوانین اجرا می شد. قضات عموماً سعی می کردند که مسیحیان را به انکار مسیح و عبادت خدایان ترغیب نمایند و اگر در عقیده ی خود پافشاری داشتند به قتل می رسیدند.

تا کار به جایی رسید که در سال 156م «پالی کارپ» یکی از مشهورترین ارکان و اعضای کلیسا مقتول و در از میر سوخته شد. (1)

ص: 51

1- تاریخ کلیسا ص 157 - 152 تألیف میلر دانشمند مسیحی.

2: مارک اورل

وی در نظر گرفت مسیحیت را به وسیله ی ظلم و تعدی نیست و نابود گرداند روی این فکر در آفریقا و قسمت های دیگر امپراطوری بسیاری از مسیحیان را مقتول ساخت. طوفان، وبا، قحطی، استیلای دشمنان و چیزهای دیگری که در زمان سلطنت این امپراطور دامنگیر اهالی می شد مردم را بیشتر به ضد مسیحیان تحریک می نمود در همان موقع هر روز گروهی توقیف می شدند تا اینکه بهترین اشخاص در کلیسای «لیون» و «وین» و افراد دیگری که مؤسس کلیسا بودند توقیف گردیدند.

«متوروس» پسر «اتالوس» که در حقیقت پهلوان بزرگی در امور روحانی و شؤون عظیم تقویتی برای کلیسا بود مورد شکنجه و ناراحتی شدیدی واقع گردید و عاقبت به وضع فجیعی جان سپرد. (1)

3: دسیوسی

عملیاتی که وی انجام داد به عقیده ی «میلر» دانشمند مسیحی از همه ی امپراطوران سابق برای نابود ساختن کلیسای مسیح مؤثرتر بود و در اثر آنکه ناگهان جفا و تعدی خود را به مرحله اجرا گذارد مسیحیان بسیاری که منتظر این حادثه و ستم

ص: 52

نمودند ایمان خود را به طور کلی انکار کردند. (1)

4: والرین

پس از آنکه وی به جای «دسیوس» بر تخت امپراطوری نشست تمام استغفانی را که با وی موافقت نمی کردند تهدید به قتل کرد «سیپریان» اسقف کارتاژ را سر برید و در سال دوم سلطنت خود فرمان داد کشیشان را تماماً مقتول سازند و املاک و رتبه ی اشخاص شریف! مسیحی را ضبط کنند و اگر باز در ایمان خود استقامت ورزند هلاک گردند. (2)

5: دیوکلسین

وقتی او به سلطنت رسید بت پرستی رونق جدیدی به خود گرفت: نویسندگان بت پرست مردم را بر ضد مسیحیان برانگیختند، «گالریوس» که نزدیک بود جانشین امپراطور گردد دیوکلسین را ترغیب کرد که فرمانی صادر نماید تا دیگر اثری از آثار کلیسا باقی نماند یعنی نمازخانه ها خراب و کتب مسیحیان سوخته گردد و تمام مسیحیانی که برای امپراطور قربانی نمی کنند مورد عذاب و شکنجه واقع گردیده و کشته شوند

ص: 53

1- تاریخ کلیسا ص 179-180.

2- تاریخ کلیسا ص 181.

امپراطور این پیشنهاد را قبول و عملی کرد .

این جفا در قسمت غربی امپراطوری اگر چه زیاد طولی نداشت ولی در مشرق مدت 9 سال ادامه پیدا کرد و سخت ترین جفایی بود که تا آنوقت نصیب مسیحیان شده بود. (1)

با این حوادث چگونه میتوان باور داشت که عهد جدید در طول این مدت از بین نرفته و دستخوش تحریف قرار نگرفته است؟

6: قسطنطین شریر

پس از آنهمه جنایات و تعدیاتی که در طول آن مدت نسبت به اساس مسیحیت وارد آمد در سال 312 میلادی «قسطنطین» به سمت امپراطوری روم نائل گردید وی گرچه به جفا و ستم های رومیان خاتمه داد ولی مداخله نمودنش در امور مذهبی و ریاست کل کلیسا و تشکیل شورای نیکیه (2) ضربه ی جبران ناپذیری بر پیکر آسیب دیده ی مسیحیت وارد ساخت.

زیرا او گذشته از آنکه مرد شریری بود و بعضی از کارهای زشت و ناشایسته انجام می داد (3) با آیین بت پرستی به طور کلی قطع رابطه نکرد بلکه تماس و ارتباط داشت و مسیحیان را

ص: 54

-
- 1- تاریخ کلیسا ص 182-183 .
 - 2- تاریخ کلیسا ص 232-245 .
 - 3- تاریخ کلیسا ص 233 .

مجبور می‌کرد که در فکر و عمل مطابق میل وی باشند. (1)

و به اعتراض و انتقادهای استفانیکه از نقاط مختلف روم برای شرکت در شورای نیکیه حاضر شده بودند (که شاید یکی از مواد انتقاد نامه‌ی آنها همان مسأله‌ی هرج و مرج عهد جدید بود) اعتنایی ننمود و در عوض اینکه آنها را مورد بررسی قرار دهد یادداشت‌های انتقادی آنها را سوزاند. (2)

آیا ریاست و مدیریت چنین شخص شری که برخی در ایمان او دودل و شک بودند به اساس مسیحیت سر و سامانی بخشید؟! یا آنکه بر دلایل و شواهد بی‌اعتباری آنچه باقی مانده بود افزود.

«قسطنطین» برای نیل به هدف سیاسی خود مسیحیان را به اتحاد جبری وادار میکرد و آنها را از هرگونه اظهار عقیده و رأی باز می‌داشت!

و هر طوری که به نظر خودش می‌رسید پافشاری می‌کرد. با این وصف معلوم نیست با عهد جدید و انجیل چه عملی انجام داده است؟!!

آیا آن مرد شریر و مشکوک‌الایمان که جز پیشرفت خود مقصد دیگری نداشت، بدعت‌ها و تصرفات بت پرستان رومی را

ص: 55

1- تاریخ کلیسا ص 248.

2- تاریخ کلیسا ص 242.

تثبیت کرد؟ یا از بین برد، جای هیچ شک و شبهه نیست که وی با رابطه ای که با آیین بت پرستی داشت نمی توانست اساس مسیحیت را از آلودگی به آنها پاک سازد به هر صورت تاکنون هر چه عهد جدید در دسترس مسیحیان بوده و هست همه به نسخه هایی می رسد که مربوط به اوایل یا اواسط قرن چهارم یعنی حدود 325 350 میلادی می باشد (1) و از نسخه های کامل قبل از قسطنطین اثری نیست و معلوم نیست دست حوادث و نظرهای سیاسی با آنها چه کرده است!؟

آیا با چنین وضعی، باز هم میتوان نسبت به صحت اناجیل و اصول مسیحیت اعتماد داشت و آنچه را فعلاً بنام کتاب مقدس می نامند همان نوشته های اصلی شاگردان می دانست با آنکه هر شخص با انصافی در اصالت و صحت آنها تردید خواهد کرد. شاهد زنده بر اینکه آنچه فعلاً به نام عهد جدید معروف است؛ اطمینان بخش و مورد وثوق نیست؛ آنست که قطعاتی از نسخه های قرون اولیه ی میلادی به دست آمده که به طور کلی با بعضی از فقرات انجیل فعلی منافات دارد.

چنانکه دکتر جان الدر (مبشر معروف آمریکایی در ایران) در باستانشناسی کتاب مقدس می نویسد:

ص: 56

1- باستانشناسی کتاب مقدس ص 103 تألیف جان الدر از انتشارات نور جهان سال 1335

«در ویرانه های «اکسیر هینکوس» دوبرگ پایروس بدست آمده که حاوی عباراتیست که به مسیح نسبت داده شده ولی بیشتر این سخنان با آنچه در کتاب عهد جدید می خوانیم تفاوت دارد» (1)

پیدا شدن اوراقی از انجیل قدیم به خوبی نشان می دهد که اناجیل موجود تحریف شده و بعدها به وسیله ی پاپ ها و گروهی از پدران روحانی به اینصورت درآمده است.

خلاصه باید گفت عهد جدیدیکه پیوسته دستخوش حوادث و دست های مرموز بوده به هیچ وجه قابل اطمینان و وثوق نبوده و نمی توان آنرا نوشته ی شاگردان مسیح دانست.

ص: 57

1- ص 109 .

شاید کمتر کسی تصور کند که در کتاب مذهبی مسیحیان یعنی «عهد جدید» جملاتی وجود دارد که بی پرده و در کمال صراحت بر ظهور پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وآله بشارت می دهد. با آنکه پدران روحانی! تا آنجا که می توانستند مطالب مربوط به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را حذف و یا دگرگون کردند ولی هنوز هم در لابلای اناجیل فعلی جملاتی در این زمینه به چشم می خورد که به خوبی واضح است مقصود از آنها پیامبر عزیز اسلام است.

و اینک چند نمونه از این بشارت ها :

تسلی دهنده پیامبر اسلام

انجیل یوحنا می نویسد:

1- «و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده ی به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند.» (1)

«لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما

ص: 60

1- باب 14 بند 16 .

می فرستم، آید یعنی روح راستی که از پدر صادر می گردد، او بر من شهادت خواهد داد.» (1)

«و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است. زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم.» (2)

تسلی دهنده روح القدس نیست

اگر گفته شود منظور از تسلی دهنده روح القدس است، باید گفت شواهدی بر خلاف آن وجود دارد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می شود:

جملات گذشته به ظهور کسی بعد از حضرت مسیح علیه السلام بشارت می دهد که آمدنش مشروط به رفتن مسیح است و شخصیت عظیم روحانی او به اندازه یی از مسیح برتر و بالاتر است که رفتن عیسی علیه السلام به منظور ظهور و تابش آن خورشید فروزان، برای بشریت بسی سودمند است .

این مشخصات به هیچ وجه با روح القدس نمی سازد، زیرا وی فرشته ی حامل وحی و واسطه ی بین خداوند و انبیا است که در طول بعثت پیامبران، نزد آنان می آمده و پیوسته از جانب خدا آیات و پیامهای الهی را بر دل های پاکشان فرود می آورد و

ص: 61

1- باب 15 بند 26 .

2- باب 16 بند 7.

آمدن او مشروط به رفتن مسیح نبوده است، علاوه وجود روح القدس برای بشر سودمندتر از وجود مسیح نیست تا رفتن مسیح بسی سودمند باشد.

صاحب کتاب اظهار الحق از کتاب لب التواریخ که مؤلف آن مسیحی است نقل می کند که :

« یهود و نصاری در زمان محمد صلی الله علیه وآله به انتظار پیامبر موعود بودند و از این زمینهی ، مساعد نفع عظیمی برای محمد صلی الله علیه وآله حاصل شد که دعوی کرد من همان پیامبر موعود هستم.» (1)

البته ادعای پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله کاملاً مطابق با واقع بود و نشانه هاییکه در تورات و انجیل در وصف پیغمبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه وآله گفته شده بود، درباره ی آنحضرت صدق می کرد و لذا عده ی زیادی از مسیحیان و یهودیان با انصاف و حق جوبه حضرت محمد صلی الله علیه وآله ایمان آوردند .

نجاشی پادشاه حبشه، وقتی نامه ی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به او رسید گفت: «به خدا سوگند که او همان پیامبری است که اهل کتاب در انتظار او هستند.» (2)

آنچه تاکنون یادآوری شد بر اساس ترجمه فارسی انجیل است ولی بررسی ترجمه های مختلف انجیل و رجوع به ترجمه ی عبری انجیل این حقیقت را روشن می سازد که: انجیل فارسی و

ص: 62

1- اظهار الحق ج 2 ص 281.

2- اظهار الحق ج 2 ص 281.

عربی مطابق با اصل یونانی، معتبر ترجمه نشده است. زیرا نسخه ی عبری انجیل علز عویر که از روی نسخه ی یونانی سال 1624 ترجمه شده است به جای پارقلیط که به معنای تسلی دهنده است پرقلیط که به معنای احمد است ذکر کرده است. کشیشان و پدران روحانی در اصل یونانی دست بردند و پریکلیتوس را به پاراکلیتوس تبدیل کردند و در ترجمه های فارسی و عربی هم مطابق پاراکلیتوس به تسلی دهنده ترجمه کردند تا مردم نفهمند این بشارت درباره ی پیامبر عزیز اسلام است. (1)

غافل از آنکه حقیقت زیر پرده نمی ماند و سرانجام ظاهر خواهد شد که منظور حضرت عیسی علیه السلام از آن بشارت، همان پیامبر اسلام حضرت احمد بوده است چنانکه قرآن کریم یادآوری می کند: (وَ إِذْ قَالَ عِيسَىٰ بِنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي أَسْمُهُ أَحْمَدُ...) (2)

و آنگاه که عیسی پسر مریم با بنی اسرائیل گفت: همانا من فرستاده ی خدایم به سوی شما درستی تورات موسی را تصدیق کنم و نیز نوید می دهم به پیامبری که پس از من در می رسد و نام او احمد است.

ص: 63

1- برای تفصیل بیشتر به کتاب «احمد است تسلی دهنده نیست» از انتشارات موسسه ی در راه حق مراجعه شود.

2- سوره ی صف آیه ی 6 .

انجیل یوحنا می نویسد: «و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید ولیکن چون او یعنی روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد».⁽¹⁾

«روح راستی» صفتی است برای کلمه «او» که اشاره به همان تسلی دهنده می باشد و در پیش دانستیم که مقصود از آن پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد صلی الله علیه وآله است.

مطلب دیگری که از مطالب این قسمت بدست می آید، کامل نبودن دین مسیح علیه السلام است زیرا می گوید: چون او آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد، پس معلوم می شود مسیح علیه السلام جمیع راستی را نیاورده و آن را محول به پیامبر بعد از خود یعنی حضرت محمد صلی الله علیه وآله نموده که آیین مقدسش کامل و همه قوانین آن مطابق خواسته های بشری است.

رئیس جهان کیست؟

انجیل یوحنا می نویسد: «بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت، زیرا که رئیس این جهان می آید و در من چیزی

ص: 64

رئیس جهان پیامبر بعد از مسیح علیه السلام است زیرا ریاست روحانی و زمام معنوی جهان بشریت با انبیاء بزرگ الهی است که فرمانداران خدا در روی زمین و نمایندگان اویند. و رئیس جهان خداوند نیست، زیرا در جمله ی فوق مسیح علیه السلام خبر می دهد که بعداً رئیس جهان می آید.

«کشیش فندر آلمانی» در این مورد که نتوانسته است «رئیس جهان» را با روح القدس یا خود حضرت خود حضرت مسیح تطبیق دهد دچار هذیان و پریشان گویی گشته و می گوید: «به اتفاق عموم مفسرین انجیل (البته همان مفسرینی که در اصل انجیل دست برده اند) مقصود از رئیس جهان شیطانست که رئیس گناهکاران و منحرفین است!»

ولی با اندک تأملی روشن می شود که خود این توجیه و تفسیر از دستبردهای شیطان است که از مجرای فکر کوتاه مفسرین انجیل خویشان را رئیس جهان خوانده و خود را به جای قلیط موعود انجیل وانمود ساخته است! زیرا رئیس جهان مأمور الهی است و بند 8 باب شانزدهم انجیل یوحنا او را مامور الهی خوانده که جهانیان را به داوری و عدالت ملزم و مجبور می سازد.

از آنچه گذشت به روشنی در می یابیم که بشارات

ص: 65

اناجیل درباره ی پیامبری است که مقامش از حضرت مسیح علیه السلام والاتر و تکمیل کننده ی شریعت اوست و دارای ریاست روحانی و ابدی بشریت بوده و موجب جلال و عظمت مسیح می گردد و آن کس جز پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد صلی الله علیه وآله نیست.

ص: 66

8 - پدران روحانی چه کرده اند؟

اشاره

ص: 67

«جوانی که با مسیحیان ارتباط دارد و کتاب های تبشیری گفت که در

آنان را مرتباً می خواند، سخنانی درباره ی مسیحیت شماره ی پنجم این سلسله انتشارات شمه ای از آنها را خواندید و اینک بقیه ی گفته های او...»

او می گفت: بسیار بجا است اشاره ای هم به اعمال زشت جمعی از پدران روحانی که با سرنوشت عده ی زیادی از دانشمندان بازی کردند بنمایم تا کسانی که موفق به خواندن تفصیل آن جنایات نشده اند بدانند که به نام عیسی مسیح، پیامبر پاک خدا پدران روحانی چه جنایاتی را مرتکب شده اند.

بلی! همین پدران مقدس «راموس» فیلسوف را به قتل رسانیدند (1) همین پدران روحانی، نخست زبان «وانینی» ایتالیایی را بردند و سپس او را خفه و بعد بدنش را سوزاندند... (2) و...

ص: 68

1- تاریخ تمدن آغاز عصر خرد ص 376.

2- تاریخ تمدن آغاز عصر خرد ص 661-662.

او می گفت: آیا مسبب این فجایع ضد بشری جز پدران روحانی، شبانان! و گوسفندان خدا! کسان دیگری بودند؟! که برای خالی کردن جیب مردم مغفرت فروشی می کردند و در مقابل پول تمام گناهان یک فردی را می بخشیدند و سند مالکیت گوشه ای از بهشت را امضاء می کردند و به آن شخص گناهکار می دادند! به نظر شما نام این اعمال را جز عوامفریبی چیز دیگری می توان گذاشت؟

تازه اگر کسی صدای خود را به عنوان اعتراض بلند می کرد؛ بلافاصله اعدام میشد و حتی کسانی که طرز فکر آنها مخالف این روش منحوس بود، در محکمه ی تفتیش عقاید - انگیزیسیون - مورد شکنجه و آزار قرار می گرفتند و پس از اعتراف! به اشد مجازات محکوم می شدند و من نمی دانم این کشیشان چقدر پافشاری دارند که پس از آنهمه کارها، اکنون خود را حتی هوادار علم و بشر دوست هم معرفی می کنند!!.

او می گفت: من در کتاب «دو مذهب» از قول «مارسل کاشن» خوانده ام که: «در این دوره 5 میلیون نفر را به جرم فکر کردن و تخطی از فرمان پاپ به دار آویختند و تا حد مرگ در سیاه چال های تاریک و مرطوب نگهداشتند. تنها از سال 1481-1499 یعنی طی 18 سال، بنا به دستور محکمه ی تفتیش 10220 نفر را زنده زنده سوزانیدند و 6860 نفر را شقه کردند و 97023 نفر

را به قدری شکنجه دادند که نابود شدند. (1)

آیا این نتیجه‌ی تعلیمات عیسی مسیح بود یا خواست پدران مقدس! که در لباس دین و برای پول و مقام مرتکب این همه جنایات شده‌اند، تازه اکنون برای مردم آسیا و آفریقا، دلسوزی می‌کنند و اشک تمساح می‌ریزند؟.

او می‌گفت: کشیشان و پدران روحانی می‌گویند نباید زناشوئی کرد و خود نیز ظاهراً ازدواج نمی‌کنند! اما غافل از اینکه این کار صحیح نیست و نتیجه‌ی سوء خواهد داشت چنانکه فجایع شهوات جنسی برخی از آنان بسیار شرم‌آور است که نمونه‌هایی از آنها «بکاس» ایتالیائی در کتاب «کامرون» Decameron شرح داده است (2) و یا «ژان ژاک روسو» در کتاب «اعترافات» خود شرح داده است... (3) و همچنین...

او می‌گفت: مگر ارضاء شهوت از راه مشروع و طبیعی که اسلام به آن دستور داده چه عیبی دارد که اینان از آن راه منحرف شده مرتکب این فجایع و شهوترانی‌های ننگین می‌شوند؟!

او می‌گفت: از این حرف‌ها که بگذریم، باز باید

ص: 70

1- کتاب «دو مذهب» چاپ چهارم صفحه‌ی 15 (نشریه‌ی شرکت انتشار).

2- این کتاب به فارسی هم منتشر شده است.

3- «اعترافات» روسو نیز به فارسی چند بار چاپ شده است.

درباره ی «خدای ساخته ی کشیشان»، صحبت کنیم: آخر مسخره نیست که در عصر موشک فضا پیما و قرن علم و دانش، کتاب مقدس تحریف شده ی اینها می گوید که خدا مرکب از پدر و پسر و روح القدس است! و «خدا پسر یگانه ی» خود را فرستاد که در میان ما ساکن گردد انجیل یوحنا می گوید: «در ابتداء کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه ی خدا بود... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد... و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه ی پدر.» (1)

و باز همان انجیل می گوید: «خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه ی خود را داد...» (2)

او می گفت: این پدران روحانی مقدس، کار را به جانی رسانیده اند که هر روز تجدید نظری در انجیل می کنند و طبق دلخواه خود، یا به خاطر مصالح روز آنرا حک و اصلاح می کنند با این وصف، توسط دولتهای غربی از مردم به نام «مالیات کلیسا» پول می گیرند و این اناجیل را به هر زبانی ترجمه کرده و چاپ می کنند بدون آنکه درباره ی نتیجه ی کار خود بیاندیشند و لااقل در مسأله ی تثلیث هم تجدید نظری بکنند!...

ص: 71

1- انجیل یوحنا باب اول بند 1 و 14 .

2- انجیل یوحنا باب سوم بند 16 .

او می گفت: من اخیراً در نشریه بی خواندم که متون خطی تازه ای پیدا شده که با متون موجود کتاب مقدس، تفاوت هایی دارد ولی پدران روحانی آنرا نادیده می گیرند:

بنا به گزارش خبرنگار روزنامه ی «تایمز لندن» از «تل آویو»: «محققین دانشگاه عبری در شهر اورشلیم دعوت کرده اند بررسی مجدد و ارزیابی علمی تازه ای راجع به ظهور مسیحیت، در پرتو متون خطی تازه ای که در 1500 سال پیش نوشته شده و متعلق به فرقه ای از مسیحیان است به عمل آید. این فرقه مدعی بوده اند که از اخلاف شاگردان شخص حضرت مسیح بوده اند. این متون خطی وضع نخستین مسیحیانی را که در بیت المقدس می زیسته و حضرت مسیح را پیغمبر می دانستند (نه خدا) و به مراعات دستورات تورات مقید بوده اند، نشان می دهد...»

این نسخه ی خطی، تضادهایی با عهد جدید موجود دارد طبق گزارش مخبر روزنامه «تایمز» این نسخه جداً تأیید می کند که ممکن است «یهودای اسخر یوطی» یک نفر را با دقت انتخاب کرده و او به جای مسیح مصلوب شده باشد.» (1)

او می گفت: معلوم نیست چرا رهبران مسیحیت به پیشنهاد دانشگاه عبری ترتیب اثر ندادند و به بررسی مجدد تعلیمات مسیحیت با توجه به این نسخه ی خطی کشف شده،

ص: 72

او می گفت: ولی، خواه رهبران مسیحیت و پدران روحانی حاضر شوند که نسخه ی جدید خطی را مورد توجه قرار بدهند یا حاضر نشوند، یک نکته برای اهل تحقیق روشن شده و آن اینکه: تعلیمات مسیح به وسیله ی پیروانش تحریف شده و ما هم هرگز نمی توانیم به اصالت کتاب مقدس موجود و تعلیمات آن اطمینان پیدا کنیم، زیرا نسخه های متعدد کتاب مقدس و تضاد تعلیمات موجود در آنها، هرگونه اعتمادی را از ما نسبت به این کتابها سلب می کند.

او در خاتمه گفت: ای خدای بزرگ! گمراهان را در هر لباس و مقامی که هستند هدایت بفرما.

راه راست و مستقیم را به آنان نشان ده! شاید که آنان نیز رستگار شوند.

9 - بخشش گناه! و خرید و فروش بهشت!

اشاره

ص: 75

همه ی ادیان و مذاهب الهی سعی می کنند پیروان خود را از ارتکاب گناه بازدارند. ولی متأسفانه تعلیمات و کتب دینی مسیحیان که از اختراعات کلیساهاست، برعکس همه ی ادیان، مردم را به سوی گناه می کشاند...

علت جدایی مسیحیت از سایر ادیان الهی در این مورد اینست که، کشیشان و استفان مسیحی گرچه به صورت ظاهر منسوب به حضرت عیسی علیه السلام هستند ولی در واقع ارتباطی باعیسای مسیح ندارند و از راه و روش او بی اطلاعند و از مقصد آن حضرت بسی دور شده اند... عیسی یک خدا داشت، اینان برای خود سه خدا درست کرده اند، عیسی مردم را از اعمال زشت برحذر می داشت، اینان مردم را با بخشنامه ها به گناه جری می کنند و با پول گناهان را می بخشایند! (1)

با مراجعه به تاریخ روشن می شود که همه ی این گمراهی ها از شخصی به نام «پولس» سرچشمه گرفته است.

پولس که سابقاً یهودی بود باعث شد حقایق انجیل اصلی

ص: 76

1- تاریخ تمدن ج 18 ص 36 - 41.

که خداوند به حضرت عیسی وحی کرده بود، از بین برود و خرافات و موهومات بت پرستان روم و یونان جایگزین آن گردد.

امروز نوشته های پولس به نام «رسالات پولس رسول» موجود است و از کتابهای دینی مسیحیان به شمار می آید. پولس در مراسلات خود می گوید: عیسی پسر خداوند است و مقام خدایی را از پدر به ارث برده است! و این پسر به دستور پدر خود به زمین آمد تا با مردم زندگی کند و از اوضاع و احوال بشر آگاه شود ولی بعداً بندگان یهودی بر پسر خداوند شوریده و او را با بدترین وضعی به دار آویختند! و خداوند به خاطر زحمات و صدماتی که به پسر گرامیش وارد شد دلش به رحم آمد و از سر تقصیرات همه ی بندگان گذشت! و همه ی تکالیف بندگانرا لغو کرد! و تنها وظیفه ی مردم این شد که به عیسی پسر خدا ایمان بیاورند و او را دوست بدارند، زیرا هر کس عیسی را به جان و دل دوست بدارد همه ی گناهان او آمرزیده است!!

افکار پولس از کجا سرچشمه گرفت؟ :

عقیده به اینکه ممکن است یکنفر با کشته شدن خود یا ریختن خورش موجب بخشایش گناهان امت بشود عقیده ایست باستانی، و از قدیم وجود داشته است. مردم مصر، آسیای صغیر و یونان از دیر زمانی به خدایانی مانند اوزیریس، آتین، دیونیروس، اعتقاد داشتند که به خاطر نجات بشر به صورت بشری به زمین آمدند و خود را به کشتن دادند تا موجب آمرزش گناهان

ص: 77

مردم شوند. (1)

همین عقیده را برخی از بوداییان درباره ی بودا دارند؛ به نظر این عده خداوند برای نهمین بار به زمین نزول کرد و در جسد بود اقرار گرفت تا بشر را از خطا و گناه نجات بخشد. (2)

پولس با تبعیت از افکار مشترکین روم و یونان، توحید موسوی و عیسوی را تبدیل به شرک نمود و خداوند را به عنوان پدر و حضرت عیسی را که پیامبری بیش نبود به عنوان خدای پسر که از ذات خداوند زائیده شده! معرفی کرد. مردم آن روز هم که با افکار مشترکین مانوس بودند این عقیده خرافی را پذیرفتند و واقعاً خیال می کردند که عیسی پسر خداست و به خاطر عفو گناهان مردم به دار آویخته شده است!

در واقع باید گفت پس از مصلوب شدن یگانه پسر خداوند! دیگر پای بند بودن به دستورهای خدا که در تورات بیان شده، لازم نیست بلکه یک نفر مسیحی موظف به وظیفه بی نمی باشد، زیرا خون عیسی فدیة و کفاره ی گناهان مسیحیان است!!

... ولی همه می دانیم که خدا را پسری نیست زیرا پسر ویژه ی آنها نیست که دارای محدودیت و جسم باشند تا ممکن

ص: 78

1- کتاب جلوه ی مسیح ص 99 .

2- دائرة المعارف فرید وجدی ج 2 ص 391 چاپ 1386 . .

باشد جزئی از آنها جدا شده و به صورت فرزند درآید.

اما خدای نامحدود، که از هرگونه محدودیت و تجسم عاری و منزه است به هیچ وجه برای او پسری نمی توان تصور کرد.

از این روقرآن کریم خدا را حقیقتی غیر مولود و «نازا» معرفی می نماید: (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ).

مصری ها و پیروان آنها فکر نکردند که خدا اگر بخواهد بندگان خود را بیمارزد محتاج به این گونه خرافات نیست که شخص معصومی را برای فدیة و جبران گناهان مردم، چند روزی (که قابل مقایسه با گناهان همه مردم نیست) به زحمت انداخته یا مصلوب نماید.

بلکه به مقتضای رحمت بی پایان خود از کردار زشت بعضی از تبه کاران چشم پوشی نموده آنان را می آمرزد، و برخی دیگر را، به اقتضای عدالت کیفر می دهد، چون گناهان آنان دامنگیر خودشان خواهد بود. (1)

خرید و فروش بهشت یا بخشنامه ها

فدیة ی گناهان گرچه در زمان پولس یک مطلب ساده و بدون تشریفات بود ولی بعدها ارباب کلیسا و پدران روحانی، آب و رنگ تازه بی بداند دادند.

در مسلک پولس تنها خدای پدر و خدای پسر شناخته

ص: 79

1- (ولا تزر وازرة وزر اخرى). (قرآن مجید سوره ی انعام آیه ی 164).

می شد، ولی پدران روحانی یک خدای دیگر نیز به این دو افزودند که همان روح القدس باشد و تعداد خدایان را به سه عدد رساندند. و همچنین در مسلک پولس با مصلوب شدن عیسیای مسیح، گناهان مردم خود به خود بخشیده می شد ولی پدران روحانی برای آمرزش گناهان مقررات تازه یی جعل کردند. مطابق این مقررات، لازم بود، اول شخص مجرم نزد کشیش به گناه خود اعتراف کند مقداری پول نقد یا نسیه به جناب پاپ تقدیم نماید تا گناهش آمرزیده شود. و این طور تعلیم داده می شد که وقتی کشیش جمله ی «من ترا می بخشم» را به کار برد و این کلمات از دهانش صادر شد خدا چاره یی جز آمرزیدن و بخشیدن ندارد. (1)

برخی از کشیشان در مورد توبه و اعتراف و نماز اصراری نمی ورزیدند و خریدار را آزاد می گذاشتند تا بخششنامه را برگ معافیت از همه چیز، از توبه، اعتراف، آمرزش طلبی و كفاره ی گناه تعبیر کند، و آن را فقط مربوط به پولی که می دهد بدانند.

در حدود سال 150 تامس گاسکنی Thomas Gascone رئیس دانشگاه اکسفورد شکایت می کرد که:

امروز گناهکارن می گویند: «من پروایی ندارم که در برابر خداوند چقدر گناه و کارزشت می کنم، زیرا با اعتراف و طلب

ص: 80

آمزش در نزد کشیش و خریدن بخششنامه ی پاپ، از تمام گناهان و کفاره ها براءت حاصل می کنم...» (1)

کتاب «ایضاح التعلیم المسیحی» می نویسد:

قدرت بخشش گناه فقط مربوط به کلیسای کاتولیکی است و در خارج از آن واسطه یی برای خلاص و امید آمزش برای گناه یافت نمی شود. (2) و نیز کتاب التعلیم المسیحی می نویسد:

واجب است (ما گنه کاران نزد کشیش) به همه خطاهای خود اعتراف کنیم، زیرا کسی که یک خطای خود را از کشیش بپوشاند از خطاهای دیگر رهایی پیدا نمی کند، بلکه گناه بزرگی هم مرتکب شده که نفاق ورزیده است. و نیز واجب است به عدد خطاهای خود اعتراف کنیم که ده بار مثلاً یا بیشتر فلان کار را مرتکب شدم... (3)

مسیحیت با این گونه خرافاتی که جعل کرد بسیاری از افراد را از تکامل اخلاقی و فضائل معنوی باز داشت و آنان را به تبه کاری و عقب افتادگی مبتلا ساخت، اما قرآن کریم براساس فطرت، بشر را از گناه منع می نماید و آنان را به سوی کمال معنوی دعوت می کند و تبهکاران را بدون اینکه دست به خرافاتی بزند به

ص: 81

1- تاریخ تمدن ج 18 ص 37.

2- ص 188 چاپ دوم سال 1882.

3- ص 34 36 چاپ 1828.

توبه و بازگشت ترغیب نموده و این چنین آنان را امیدوار می نماید :

«هر که بدی کند یا به خویش ستم نماید سپس از خدا آمرزش بخواهد خدا را آمرزگار و رحیم می یابد».(1)

و آمرزش گناه را ویژه ی خداوند بزرگ می داند:

«پادشاهی آسمان ها و زمین خاص خداست، هر که را می خواهد می آمرزد و هر که را می خواهد عذاب می کند و خدا آمرزگار و رحیم است»(2)

آری با این مقایسه ی اجمالی به خوبی روشن می شود که قرآن دارای چه نوع مطالب پر ارزش و درخشانی است.

درود خداوند بر آنکه از چنین حقایق ارزنده ی منصفانه بی پیروی می کند.

ص: 82

1- سوره ی نساء آیه ی 110.

2- سوره ی فتح آیه ی 14.

شما همه روزه با گزارش های بسیاری مواجه می شوید و خبرهای گوناگونی می شنوید، ولی از میان آنها تنها چیزیکه مورد اطمینان و قابل توجه است، همان خبری است که از شخص موثق و پاک شنیده اید، زیرا تا گوینده و نویسنده، درستکار و راستگو نباشد، سخنانش موجب اطمینان خاطر نیست و قابل اعتنا نمی باشد، بنابراین هنگامیکه خواستار خبرهای صحیح باشیم، باید به سراغ گوینده و یا نویسنده ی راستگوئی برویم تا بدین وسیله از گفتار و کردار واقعی اشخاصی که پیش از ما می زیسته اند، با خبر شویم.

برای به دست آوردن رفتار و سخنان دل نشین عیسای مسیح علیه السلام که قرن ها قبل از ما می زیسته، هر شخصی ناگزیر است، حالات نویسندگان عهد جدید را بررسی کند، تا معلوم شود آنان برای چنین مقصودی صلاحیت داشته اند یا خیر...؟

زیرا چشم بسته هر چه را که نوشته و یا گفته اند نمی توان

به عنوان رفتار و گفتار مسیح تلقی کرد. متأسفانه وقتی برای شناسایی نویسندگان اناجیل به کاوش های علمی و صحیح می پردازیم چنین استفاده می شود: که آنها افرادی مجهول و یا عناصری بی ایمان، منحرف و خطاکار بودند به طور کلی نمی توانند مورد اعتماد باشند برای توضیح بیشتر و اینکه دانسته شود آنچه گفته شد حقیقتی است غیر قابل انکار چند جمله در پیرامون نویسندگان عهد جدید از مدارک زنده ی خود آنان نقل می گردد .

بیوگرافی نویسندگان عهد جدید

عهد جدید از بیست و هفت رساله ترکیب شده و به وسیله ی هشت نفر: پطرس، یوحنا، متی، یهوذا (که از شاگردان مسیح بودند) مرقس، لوقا، یعقوب (1) و پولس تألیف گردیده است . (2)

پطرس

وی نویسنده ی دو رساله از عهد جدید و مأخذ انجیل

ص: 85

1- در قاموس کتاب مقدس ص 958 مینویسد زعم عموم آنستکه رساله ی یعقوب را یعقوب برادر مسیح تقریباً در سال 45 میلادی تألیف نموده است.

2- البته چون نویسنده ی رساله ی عبرانی که یکی از آن بیست و هفت رساله می باشد شناخته نشده است آنرا احتمالاً به شخص دیگری غیر از این هشت نفر نسبت میدهند که در این صورت نویسندگان 9 نفر خواهند بود.

متی، مرقس ولوقا است. قاموس می نویسد: ظن قوی براینست که مرقس در نوشتن انجیل خود به اطلاعات پطرس استناد نموده است، متی و لوقا هم انجیل مرقس و نسخه ی دیگری را منبع اطلاعات خود قرار داده اند». (1)

پطرس همان شخصی است که مسیح از او اظهار تنفر کرد، چنانکه در انجیل متی باب 16 می خوانیم: «هنگامی که مسیح کشته شدن خود را به شاگردانش پیشگویی می کرد، پطرس او را گرفته شروع کرد به منع نمودن و می گفت حاشا از تو، ای خداوند که این بر تو هرگز واقع نخواهد شد!»

«اما او برگشته پطرس را گفت: دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغزش من می باشی؛ چون نه امور الهی را بلکه امور انسانی را تفکر می کنی».

آیا با این وصف، پطرس سزاوار آن بود که متی، مرقس و لوقا از او تبعیت کنند و گفته های او را منبع اطلاعات خود قرار دهند!؟

نافرمانی پطرس و یوحنا

شبیکه مسیح از حزن و اندوه مشرف به مرگ بود... شبیکه عیسی به دشمنانش تسلیم شد! به شاگردان گفت:

« من بیدار باشید ولی آنان عوض اینکه در چنین

ص: 86

موقعیتی او را مواظبت کنند را تنها گذاردند و خوابیدند!»!

عیسی هنگامی که آنان را بدین حالت دید ایشانرا سرزنش کرد و به پطرس گفت: «آیا همچین می توانستید یک ساعت با من بیدار باشید؟»
(1) سپس برای دومین بار فرمان داد با من بیدار باشید و مشغول دعا گردید وقتی از دعا فارغ شد باز ایشان را در خواب دید که بار دیگر راحتی خود را بر فرمان او مقدم داشتند. (2)

افرادی که در چنین موقعیت حساس به این دستور کوچک «مسیح» اهمیت ندادند، در مواقع دیگر برای دستورات او ارزش و احترامی قائل میشدند؟!

با این حال چگونه می توان انجیل، مکاشفه؛ رساله های یوحنا و نوشته هایی را که تحت نظر پطرس و یا به وسیله ی او تألیف شده است، مورد اطمینان و وثوق قرار داد؟!

چگونه عیسی را تنها گذاشته فرار کردند؟

همان شبی که عیسی به دست دشمنان خود اسیر و تسلیم شد به شاگردانش (3) اظهار داشت: همه ی شما امشب در راه من لغزش می خورید شاگردان همگی از این لغزش اظهار تنفر کردند و پطرس گفت: هرگز چنین نخواهیم کرد. ناگاه یهودا با

ص: 87

1- انجیل متی باب 26 بند 1-55.

2- انجیل مرقس باب 14 بند 41.

3- متی، یهودا، یوحنا، پطرس و هشت نفر دیگر.

جمعی کثیر با شمشیرها و چوبها از جانب رؤساء کهنه و مشایخ قوم آمدند... آنگاه پیش آمده دست بر عیسی انداخته او را گرفتند در آن وقت جمیع شاگردان او را واگذارند و گریختند.... (1)

بالا-تر از گریختن، ورود پطرس در میان جمعیت دشمن بود که مسیح را سخت متأثر کرد! مبشر معروف مسیحی «میلر» می نویسد: «چقدر می بایست مسیح متألم و متأثر شده باشد هنگامی که نگاه به جمعیت کرد و پطرس را با دیگران در کنار آتش مشغول گرم کردن خود دید؛ این قصور و سقوط برگزیده ترین شاگردان، برای وی بیش از تمام رفتار و حرکات ناپسند و بدیکه در آنشب از دشمنان خود دید باعث آزار خاطر او گردید.» (2)

آیا چنین افرادی که از خود اراده ای نداشتند در مقابل حوادث تلخ دوران نخستین مسیحیت و تمایلات امپراطوران روم ثابت قدم بودند؟!

بی ایمانی نویسندگان

با اینکه عیسی در زمان حیات خود به شاگردانش گفته بود: «روز سوم دفن؛ برخاستن من از قبر ضروری است»! (3) هر که

ص: 88

1- مضمون انجیل متی باب 26 بند 31-57

2- تفسیر انجیل یوحنا صفحه ی 384.

3- انجیل متی باب 16 بند 21.

در آن روز به آنان خبر میداد مسیح برخاست باور نمی کردند تا اینکه خود مسیح نزد شاگردان حاضر شد و آنان را به سبب بی ایمانی و سخت دلی توبیح کرد!!! (1)

جاییکه شاگردان مسیح اینطور باشند. حال نویسندگان دیگر یکه از آنها پیروی می نمودند چگونه خواهد بود؟!

مرقس

مرقس عموزاده برنابا بوده (2) و با پولس و برنابا و پطرس مصاحبت و رفاقت داشت و احتمال می رود که از پطرس در خصوص اعتقادات مسیحیت تعلیم یافته باشد لذا پطرس او را فرزند خطاب می کند (3) مصاحبت و پیروی او از پولس و پطرس که وضع خوبی نداشتند شاهد زنده ایست براینکه او منحرف بوده است زیرا همواره استاد و رفیق برای شناسایی اشخاص بهترین معرف می باشد اضافه «فلوید فیلسون» می نویسد: «پطرس تصور می کرد مرقس در خدمت به مسیح ثابت قدم نیست» (4) و بدین ترتیب معلوم می شود وی مورد اطمینان پطرس هم نبوده است.

ص: 89

1- انجیل مرقس باب 16 بند 12-14 .

2- رساله ی پولس به کولسیان باب 4 بند 10.

3- قاموس کتاب مقدس ص 791-792.

4- کلید عهد جدید ص 25 .

وی مردی مجهول الحال و با پولس منحرف و خطاکار همدست و همقدم بوده است. قاموس کتاب مقدس می نویسد: «تاریخ شخصی او پیش از مصاحبت با پولس و بعد از آن نامعلوم است، یا مبنی بر روایات مجهول و مبهمی است».⁽¹⁾

یعقوب برادر مسیح

وی شخصی بود که به منظور جواب گویی از تمایلات مردم، توطئه ای برای انکار لزوم عمل به شریعت موسوی به بار آورد و صریحاً اعلام داشت «حکم من اینست کسانی را که از میان امت ها به سوی خدا بازگشت می کنند زحمت ندهیم»⁽²⁾ و بدین وسیله احکام تورات را به جز چند مورد⁽³⁾ پایمال کرد با اینکه حضرت مسیح گفته بود: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم زیرا هر آینه به شما می گویم: تا آسمان و زمین زائل نشود، همزه یا نقطه یی از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود».⁽⁴⁾

ص: 90

1- ص 772.

2- اعمال رسولان باب 15 بند 128 .

3- اعمال رسولان باب 15 بند 128 .

4- انجیل متی باب 5 بند 17-18.

مدرکی برای شناسایی وی جز همان نوشته‌ی همکار و هم دست او یعنی لوقا در اختیار نیست.

اضافه براین کارهایی کرد که هر یک از آنها برای اثبات انحراف وی دلیل کافی و شاهد ارزنده‌ایست، از جمله: همان توطئه‌ای بود که برای الغاء لزوم عمل به احکام تورات بر پا کرد، زیرا پولس از طرفداران این کار و از اعضاء آن شوری محسوب می‌شود. (1)

مطالبی که گفته آمد؛ به خوبی روشن می‌سازد که اگر از حوادث قرون اولیه‌ی مسیحیت چشم‌پوشیم؛ باز نمی‌توان نسبت به عهد جدید خوشبین بود و آن را مورد اطمینان دانست زیرا نویسندگان واجد شرائط اطمینان و اعتماد نبوده‌اند. تعجب اینجاست که مسیحیان نویسندگان را با خرافات و تناقض‌گویی‌هاییکه دارند الهامی یا روح‌القدس می‌کنند در صورتیکه برای این پندار مدرکی به جز ادعای خود نویسندگان ناشناخته و یا معلوم الحال، ندارند.

به امید آن روز که روشنفکران مسیحی به این گونه عقائد خرافی پشت پا بزنند و با ما هماهنگ شوند تا همه باهم در زیر پرچم سعادت بخش اسلام به حقایق واقعی نائل گردیم. آمین!

ص: 91

مسیحیت که برای بقاء خود تلاش می کند؛ چون فاقد تعلیمات صحیح و همه جانبه است و نمی تواند افکار روشنفکران را به سوی خود جلب کند، سعی می نماید از راه تشریفات «من در آوردی»! ساده لوحان و متعصبین را که متأسفانه کم نیستند، برای خود نگاه دارد. افکار و اعمالیکه پدران روحانی بدین منظور تعلیم می دهند: عموماً بدون مدرک، و ساخته ی اوهام خود آنهاست. پیروان کلیسا بدون اینکه متوجه این نکته باشند، از آنها مطالبه ی دلیل نمی کنند و چشم و گوش بسته، به دنبال آنان به راه می افتند. پدران روحانی گاهی مسأله ی «تثلیث» یعنی سه گانه پرستی را مطرح می کنند و زمانی هم مراسمی چون «عشای ربانی» بر پا می کنند و به خیال خود، شور و هیجانی در قلوب مسیحیان به وجود می آورند؛ غافل از اینکه این تشریفات ضرر به دیگری براساس مسیحیت وارد می سازد.

آنها می گویند یند چه بهتر که با یک تیر دو نشان بزنیم، عیاشی و تقریح را با عمل به اصطلاح مذهبی توأم نماییم!

اکنون حقیقت این عمل مقدس را برای شما خواننده ی عزیز توضیح می دهیم :

عشای ربانی یا عمل نان و شراب!

مسیحیان در شب کریسمس (1) در کلیساها مراسمی بدین ترتیب انجام می دهند :

کشیش بزرگ پیشکاران خود را فرمان می دهد: تا آرد بسیار خوبی را خمیر کنند و نان فطیری بپزند و پیش او بیاورند... آنگاه پدر روحانی، نان را با شیشه ی شراب به کلیسا می برد و پس از زدن ناقوس مسیحیان را برای اجرای این سنت بزرگ آماده می نماید! آنان همه در یک صف می ایستند و کشیش شراب را در ظرف نقره ای می ریزد و نان فطیر را هم در دستمال زیبایی می گذارد و پس از آنکه از مقابل صف مسیحیان عبور کرد رو به مشرق می ایستد و در حالیکه آن نان را در دست دارد اورادواذ کاری می خواند و بعد از خواندن دعا به آن نان

ص: 95

1- کتاب هفته، نشریه ی روزنامه ی کیهان درباره ی مراسم عشای ربانی می نویسد: «در شب کریسمس مراسم عشای ربانی برگزار می شود و مسیح به وسیله ی دعا، نان و شربت، در کلیسای کاتولیک و پاره ای از کلیساهای دیگر به جای شربت، با شراب تقدیس می شود!» این کتاب سپس می افزاید: برای تکمیل این مراسم به اصطلاح مذهبی «اعضای کلیسا سرود نیز می خوانند، این سرودها با همراهی دسته ی سرایندگان کلیسا و با نواختن ارگ صورت می گیرد...»

سجده می کند، آنگاه همه ی حاضرین نانرا سجده می کنند زیرا

معتقدند بعد از دعا، جوهر آن نان تبدیل به بدن مسیح می گردد. (1)

جام شراب

آنگاه پدر روحانی جام شراب را به دست می گیرد و به مریدان خود می گوید: عیسی پیش از مرگ کاسه ی شراب را گرفت و به حواریون خود داد و فرمود: بنوشید که این خون من است (2) و پس از این کلام، خود کشیش به آن شراب سجده می کند و حاضرین نیز از او متابعت می کنند.

سپس در حال خواندن دعا آن نان را پاره پاره می کند و در دست خود می گیرد و جام شراب را کشیش دیگر، آنگاه به ترتیب، حاضرین پیش میروند پدر روحانی در حال خواندن دعا هر پاره ای از آن نان را در دهان یکی از مسیحیان می گذارد و او باید فوری و بدون آنکه دندان روی آن بگذارد؛ فرو برد (زیرا اگر دندان روی آن بگذارد بدن مسیح اذیت می شود! ولی باید پرسید چگونه بدن مسیح را که همان نان فطیر باشد، پاره پاره

ص: 96

-
- 1- جان الدر می نویسد، در قرن نهم معلمین مدعی بودند که جوهر و ذات نان مبدل به جسم و شراب مبدل به خون مسیح می گردد... به تدریج این نظریه مورد قبول واقع شد تا آنکه در سال 1215 جزو ایمان و دیانت مسیحیت گردید صفحه ی 59 تاریخ اصلاحات کلیسا.
 - 2- باب 14 انجیل مرقس بند 22-24 .

می کنند اذیت نمی شود؟)

آنگاه از ظرف شراب، همگی جرعه ای می نوشند، از این عمل یعنی خوردن نان و نوشیدن شراب تمامی آنان خدا و پسر خدا می شوند! و تمامی گناهانشان آمرزیده می شود، و هرکس بخواهد توبه کند باید این کار را بکند، و هم اکنون نیز در همه ی کلیساهای کاتولیک این قاعده معمول است. (1)

اینست نمونه ای از افکار و کردار مسیحیت، دیانتی که پیروان آن معتقدند: سعادت فقط در سایه ی تعلیمات آنست! بالاتر از این آنکه جزو مراسم همه با هم عیسی را خدا و پسر یگانه ی خدا، مولود از پدر می خوانند و اعتراف می کنند که مخلوق نیست و با پدر یک ذات دارد. (2)

نان فطیر و بدن عیسی

اکنون برای توضیح فساد این عقیده و عمل، به نکات زیر توجه فرمایید:

ص: 97

1- تلخیص از انیس الاعلام جلد اول صفحه ی 296 نوشته ی یکی از بزرگان مسیحیت که اسلام اختیار کرد ... چاپ 1315 هجری و نیز به کتاب «مذهب کاتولیک» نوشته ی ادوارد.ک. تیلور انتشار مرکز تحقیقاتی لندن و به کتاب «نماز مبارک» انتشار دایره ی اسقفی ایران مراجعه شود.

2- نماز مبارک عشاء مقدس ربانی ص 12 چاپ 1967 انتشار دایره ی اسقفی ایران .

1- چگونه ممکن است، مسیح که تقریباً دوهزار سال پیش: به قول خود آقایان به دارش زدند، هر سال در هزارها کلیسا قطعه قطعه شود و در شکم میلیون ها مسیحی برود و همگی آنان را خدا نماید؟

کدام علمی ثابت میکند که این نان و شراب تبدیل به جسم و خون مسیح میشود و چه ارتباطی میان مسیح و این غذای من درآوردی وجود دارد؟

2- اگر هر قطعه از آن نان را که یکنفر مسیحی می خورد یک عیسای کامل باشد، لازمست خداوند در هر سال چند میلیون عیسی به صورت نان فطیر بیافریند تا خوراک مسیحیان گردد! علاوه هر فرد مسیحی به تفاوت سن 50، 60، 80 و یا 100، مسیح کامل در مدت عمر خود باید نوش جان کرده باشد! آیا این مطلب باور کردنی است؟

و اگر بگویند عیسی را پاره پاره میکنند و می خورند! قطعاً جنایات پدران روحانی دست کمی از جنایت «یهودای اسخریوطی» که مسیح را به دست یهود سپرد، نخواهد داشت زیرا آنان در هر سال عیسی را پاره پاره می کنند!

سخن عجیب!

مسیحیان که می گویند: نان فطیر بعد از خوردن هضم می شود؛ توهین بزرگی به مسیح کرده اند زیرا مجبورند بگویند

مانند سایر غذاها مراحل را طی می کند و اگر بگویند هضم نمی شود و تحلیل نمی رود باید گفت روی این قاعده هر فرد که مثلاً صد سال عمر کرده است بایستی صد عیسی در شکم او موجود باشد! راستی مگر شکم یک آدم چقدر جا دارد که صد مسیح کامل با بدن ناسوتی در آن جای گیرد؟

خرافات عشاء ربانی آنقدر زبانه زد مردم اروپا و غیر آن شد که کلیسای کاتولیک در سال 1551 به فکر افتاد تجدید نظر کند اما باز نتوانست به طور کلی از خرافه های عشاء ربانی دست بردارد. (1)

خوانندگان عزیز بنابر آنچه خواندید خرافی بودن «عشای ربانی» روشن می شود چرا که با هیچ یک از موازین علوم طبیعی و قوانین عقلی تطبیق نمی کند، بلکه مخالف صریح آنها است در این مراسم، شراب که به تصدیق پزشکان دانشمند جهان، و خود کتاب مقدس (2) مایعی خطرناک و موجب و موجب اختلال جسم و جان می باشد، به عنوان یک عمل مقدس جزو دین مسیح گردیده است و آنان به وسیله خوردن آن خدا و پسر خدا می شوند!

مخصوصاً اگر بگویند نان فطیر هضم نمی شود و تا آخر

ص: 99

1- ترجمه ی مذهب کاتولیک، نوشته ادوارد. ک. تیلور، انتشار مرکز تحقیقاتی کاتولیک مخطوط و موجود در کتابخانه ی در راه حق ص 131 - 130.

2- سفر لاویان باب 10- کتاب اشعیاء نبی باب 5.

عمر در بدن باقی می ماند که نه تنها دانشمندان علوم طبیعی، بلکه

کودکی به این سخن عامیانه می خندد.

علاوه، اناجیل فعلی هم این عمل را تصدیق و تصویب نمی کند (جان الدر) دانشمند مسیحی می نویسد: پروتستان بر کاتولیک نسبت به دو موضوع اعتراض دارد:

1 - اینکه عشای ربانی و سایر آیین های مقدس توسط خود مسیح تعلیم داده شده است (زیرا) بر «ضد» این عقیده دلائل فراوانی هست ولی به سود آن چیزی پیدا نمی شود.

2 - اینکه این آیین های مقدس! از وسائل و لوازم نجات می باشند در صورتی که عهد جدید به تاکید هرچه تمامتر می گوید: به وسیله ی ایمان نجات می یابیم «نه به وسیله ی اعمال» ... (1) (بنابراین در عمل و رسوم و تشریفات «عشای ربانی» نجاتی نیست.

خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید.

ص: 100

1- تاریخ اصلاحات کلیسا ص 66 .

12 - آیا مسیح گناهان را بگردن می گیرد؟

ص: 101

(وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)

هیچکس بار گناه دیگری را بر نمی دارد.

قرآن کریم سوره ی 17 آیه ی 15 .

یکی از موضوعاتی که با پیشرفت سریع علم، روز به روز روشن تر می شود، لزوم عمل به دستورهای الهی است اگرچه بشر در طی ادوار گذشته از افکار دانشمندان و اشخاص با تجربه استفاده زیادی نموده است، اما هم اکنون تصدیق می کند که با فکر محدودش نمی تواند کاملاً به اسرار خلقت پی ببرد و درباره ی تمام مسائل زندگی نظریات سودمندیکه تغییر نیابد؛ ابراز کند. زیرا می بیند بسیاری از قانون هایی که در گوشه و کنار جهان تدوین می شود پس از چندی نقص و عیب آنها آشکار می گردد تا سرانجام قانونگذاران، خود مجبور می شوند آنها را کنار بگذارند.

خوشبختانه جمعی از دانشمندان به این نکته اعتراف دارند که تنها برنامه ای که می تواند بشر را به سعادت و کمال نهایی برساند دستورات آسمانی است که از آفریننده ی جهان یعنی خداوند دانا سرچشمه گرفته باشد.

ص: 102

از اینرو پیامبران می‌کوشیدند مردم را با این برنامه‌ی مترقی آشنا سازند و همواره با این عقیده: که شخص دیگری عوض گناهکار، کیفر می‌بیند و در راه او فدا و قربانی می‌شود جداً مبارزه می‌کردند و صریحاً می‌گفتند: «هرکسی در گرو اعمال خویشتن است.»

چنانکه در کتاب حزقیال نبی هنوز به چشم می‌خورد: «هر که گناه کند او خواهد مرد پسر متحمل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحمل گناه پسرش نخواهد بود عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود (1)».

زیرا عقیده به تحمل گناه و فدیة موجب می‌شد، افراد زیادی از عمل به دستوره‌ای الهی به خاطر اینکه دیگری به جای آنها کیفر می‌بیند دست بردارند و در نتیجه، گذشته از آنکه آنان از تکامل خود باز می‌ماندند، ضربه‌ی جبران ناپذیری هم بر مصالح اجتماعی وارد می‌ساختند. همینطور موقعی که مسیح آمد این موضوع را تعقیب کرد و مردم را به طرف انجام وظایف دینی سوق داد و با تأکید زیاد اظهار می‌کرد: «گمان آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم نیامده‌ام باطل نمایم بلکه تا تمام کنم - پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین

ص: 103

اما به دنبال طوفان حوادث و تبلیغات سوء امپراطوران روم - در قرون اولیه ی میلاد مسیح - مسیحیان به پیروی از پولس یعنی آن مرد شریعت شکن، مانند بوداییان و برهمنیان که می گفتند: «فرزند یگانه خدا، یا خود خدا به زمین فرود آمد، تا به وسیله ی صلیب، بندگان را از گناه رهایی بخشد» (2) گفتند: در راه تحمل گناه ما به دار آویخته شد و خود را بدین وسیله ملعون ساخت، تا اینکه ما را از لعنت شریعت و قانون های الهی مستوجب آن هستیم برهاند.

پولس در رساله ای که به غلاطیان نوشته صریحاً می گوید: «مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد (3)».

و نیز در بند 26 - 23 همین باب تصریح می کند: «قبل از آمدن ایمان زیر شریعت نگاه داشته بودیم... پس شریعت لالی ما شد تا به مسیح برساند. تا از ایمان عادل شمرده شویم لیکن چون ایمان آمد دیگر زیر دست لالا نیستیم، زیرا همگی شما به وسیله ی ایمان در مسیح عیسی پسران خدا می باشید!»

خلاصه بدین وسیله به آخرین آرزوی خود رسیدند و

ص: 104

1- باب پنجم انجیل متی بند 17-20.

2- صفحه 80 تاریخ آداب سانس کریتی بنابر نقل بشارات عهدین در صفحه ی 157.

3- باب سوم بند 13.

گفتند: دیگر عمل به شریعت و دستوره‌های آسمانی برای ما لزومی ندارد. (1)

البته روشن است که آنان مقصودی جز رسیدن به امیال نفسانی و بی بندوباری نداشتند!

مسیحیان گاهی برای اینکه جلوسوایی خود را بگیرند به قسمت هایی از کتب قدیمی غیر معتبر، که به هیچ وجه مربوط به مسیح و بدار آویختن او نیست، استدلال می کنند مثلاً می گویند: موقعیکه مسیح را بدار زدند به او سر که نشانیدند همانطور یکه داود در زمور 69 خبر داده بود! پس معلوم می شود قصه ی صلیب و بدار آویختن مسیح، برای در بر گرفتن گناهان ما واقعیت دارد وقتی به زمور 69 مراجعه می شود می بینیم اصلاً مربوط به مسیح نیست بلکه راجع به خود داود است. (2)

چنانکه می گوید: «خدایا مرا نجات ده... تو عار و خجلت و رسوایی مرا میدانی و جمیع خصمانم پیش نظر تو، عار دل مرا شکسته است و به شدت بیمار شده ام، انتظار مشفق کشیدم ولی نبود و برای تسلی دهندگان اما نیافتم مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نشانیدند (3)»

ص: 105

1- باب دوم رساله پولس به افسسیان بند 15.

2- فرضاً اگر مربوط به داود نیست. از کجا راجع به مسیح باشد؟ با اینکه در آن هیچ اشاره ای به قصه ی صلیب نشده است.

3- بند 22-1.

ملاحظه می کنید که جملات فوق ربطی به قصه ی صلیب شدن مسیح برای آزادی مسیحیان از بند و قید شریعت ندارد، اما چون اینجا اسمی از سر که برده شده و عیسی هم به نظر آنان در آخرین لحظه ی حیات سر که نوشیده است، آنرا از جملاتی گرفته اند که نسبت به موضوع صلیب یا تحمل گناه، پیشگویی می کند. راستی اینگونه استدلال ها خنده آور نیست؟!

بنابر آنچه گفته شد روشن می شود که پیروی از فرمان های الهی یکی از ضروری ترین مسائل است، همچنانکه عقیده به تحمل گناه از بزرگترین خرافات محسوب می شود و و هیچگاه صحیح نیست آنرا به خاطر اینکه در عهد جدید به چشم می خورد بپذیریم. بلکه بلکه باید گفت عهد جدید با عهد عتیق و روش پیامبران و مسیح علیه السلام نمی سازد و همین مخالفت را شاهد نادرستی آن قرار داد.

«موسیو از تست ذی بونسن آلمانی» در کتاب خود می نویسد: «صلیب و فدیة گناه همه از جعلیات پولس و همقطاران اوست که مسیح را به چشم خود ندیدند و نمی توان آن ها را از اصول مسیحیت واقعی دانست» (1) اضافه بر اینها «برنابا» در انجیل خود صلیب شدن مسیح را بطور کلی انکار کند و صریحاً می گوید: یهودای اسخر یوطی اشتباهاً، به

ص: 106

حالا اگر پرسید از چه راهی می توان دستورات جامع آسمانی را که بتواند بشر را به سعادت و خوشبختی هدایت کند، بدست آورد؟ بیطرفانه می گویم «قرآن کریم» البته به ضمیمه ی گفتار پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم بعد از او که در کتاب های معتبر شیعه موجود است (2) زیرا قرآن تنها کتابی است که اصول مسائل زندگی را مورد بحث قرار داده است به طور یکه هیچگاه کهنه و فرسوده نمی شود و پیروانش را از هر قانونی در این باره بی نیاز می نماید برخلاف تورات و اناجیل کنونی که گذشته از آنکه تحریف شده است و اشتباهات و خرافات بسیاری دارد از نظر دستورات محدود است و هیچگاه نمی تواند نیازمندی های بشری را به تمام معنی برطرف سازد و یک کتاب هدایت و دستور زندگی باشد.

خلاصه، مطالب فوق روشن می سازد که موضوع تحمل گناه و یافدایی شدن مسیح، انسان را از تکامل شخصی و

ص: 107

1- تفصیل این ماجرا را در انجیل برنابا، ترجمه فارسی فصل 214-218 صفحه ی 374 - 382 چاپ جدید مطالعه فرمایید.

2- تنها سخنان ارزنده ی آنان درباره ی مسائل زندگی که دانشمندان شیعه آنها را به صورت کتاب های فقهی در آورده اند، از سی هزار عدد تجاوز می کند.

اجتماعی باز می دارد و هر چه بشر پیش برود به خرافاتی بودن این عقیده بیشتر پی می برد .

ص: 108

13 - جشن ژانویه!

اشاره

ص: 109

هر ساله با فرارسیدن سال نو مسیحی، مسیحیان مراسمی به نام جشن ژانویه برگزار می کنند و به کاباره ها می روند و خوشگذرانی می کنند. (1)

انگیزه ی برگزاری این جشن، در ظاهر به مناسبت میلاد مسیح، و برای بزرگداشت خاطره ی آن مرد بزرگ و الهی است، و در واقع برای سیر نمودن شهوات خودشان می باشد.

مسیحیان بدین مناسبت به کارهایی دست می زنند که مسیح پیامبر هم از آنها به شدت بیزار است.

مسیحیان در این شب، در خوشگذرانی و عیاشی سنگ تمام می گذارند؛ و از هیچگونه، کار زشت و ناپسند از: رقص، پایکوبی، باده گساری، و شهوترانی و دیگر کارها خودداری نمی کنند. (2) و البته این گونه کارها کوچکترین تناسبی با بزرگداشت خاطره ی مرد خدا عیسی مسیح ندارد.

ص: 110

1- فرهنگ عمید ص 829.

2- اطلاعات شماره ی 13991 ص 20 شماره ی 14295 ص 14 .

و با این توضیح به خوبی روشن می شود که جشن ژانویه چیست و چگونه است؟

چه آنکه پس از حضرت عیسی، برنامه های آسمانی وی دستخوش حوادث و تحریف اربابان سودجوی کلیسا قرار گرفت و چهره ی واقعی آن فرستاده ی خدای را در زیر پرده های تاریک افسانه ها و خرافه ها نظیر «پسر و پدر» بودن و یا «خود خدا» بودن پنهان ساختند.

سنت هایی به دست پدران روحانی! پدید آمد که جز شرمساری برای مسیحیت چیز دیگری را به ارمغان نیاورد، جشن ژانویه از همین سنت های ساختگی است که با چنین وضعی برگزار می شود.

همه ی پیامبران خدا و از جمله عیسای مسیح، مستی، عیاشی و بی بند و باری را تحریم کرده اند. حتی در کتاب انجیل تحریف شده ی کنونی هم جملاتی در این زمینه وجود دارد که این گونه کارهای زشت را نهی می کند.

در کتاب اشعیا نبی باب 5 بند 11-12 می گوید: «وای بر آنانیکه صبح زود برمی خیزند، تا در پی مسکرات روند؛ و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید و در بزم های ایشان عود و بربط و دف و نای (1) و شراب می باشد، ولی

ص: 111

1- وسیله های نوازندگی است.

متأسفانه با این توبیخ صریح، مسیحیان در مراسم مذهبی خویش هم بساط شراب و موسیقی راه می اندازند، و مسیح را بدین گونه تقدیس می نمایند!

اگر چه در این چند سطر با حقایق روبرو شدیم و حقیقتی را در یافتیم؛ اما هدف ما آن نبود که با این چند سطر مسیحیان را از کارهای زشت بازداریم و آنان را هشیار سازیم؛ آنکه مسیحیان روشنفکر خود سالیان درازی است که دین خرافاتی خویش را ترک گفته ترک گفته و به و به آن پشت پا زده اند اگرچه رهبران آنان از تلاش مذبحخانه ی خویش دست بردار نیستند...

ولی آنچه که ما را وادار کرد تا این چند سطر را بنویسیم؛ حقایق تلخی است، که هر ساله در چنین روزهایی در کشور اسلامی ما از سوی گروهی از مسلمانان انجام می گیرد، که از همان روح غرب زدگی آنان سرچشمه می گیرد.

اگر مسیحیان به نام مسیح در جهان غرب، هزارویک کار ناشایسته و خلاف انجام میدهند؛ آیا سزاوار است که مسلمانان مشرق زمین هم از آنان تقلید کنند، و همانند آنان به شب نشینی های غلط و باده گساری و رقص و پایکوبی پردازند؟!

به نوشته ی روزنامه ها هر ساله در این جشن ها گروهی از مسلمانان از خود مسیحیان هم بیشتر خوش رقصی کرده و می کنند! و کاسه از آش داغ تر می شوند!

ولی باید پرسید نام این کارها را چه می توان نهاد؟

آیا این جشن و سرور دروغین برای یک افتخار ملی است؟! با یک اقدام مذهبی است؟! آیا یک گام اجتماعی است؟! بدون شک پاسخ اینها منفی خواهد بود و این ولخرجی ها و بی بند و باری ها در پایان سال مسیحی یک نوع تسلیم در برابر غرب و اعتراف به یک نوع شکست در پیش روی دشمن است این گونه کارها یک اقدام مرتجعانه و تقلید نارواییست که برای همه ی مسلمانان دورانیش میهن اسلامی ما تکرار آنها دردناک و شرم آور است. و به گفته یی روشنتر: این کارها و این تقلیدها پیش پا افتاده ترین، «غرب زدگی» است که آفات فراوانی را در بر دارد؛ و همه ی سنت های دینی و ملی ما را در خطر نابودی و پرتگاه سقوط ابدی قرار می دهد!

بد نیست توضیح دهیم که غرب زدگی چیست؛ «غرب زدگی می گوئیم همچون و بازدگی و اگر به مذاق خوش آیند نیست بگوئیم همچون گرمزدگی امانه!، دست کم چیزیست در حدود سن زدگی؛ دیده اید که گندم را چطور می پوساند از درون؟ و پوسته سالم برجاست اما فقط پوست است. عین پوستی که از پروانه یی بر درختی مانده به هر صورت یک بیماری است...» (1)

آری! غرب زدگی مرض خطرناکیست که عواقب وخیم

ص: 113

آن از بیماری و با هم بیشتر و بالاتر است!

و باید کوشید که از مبتلا شدن به آن به شدت جلوگیری شود زیرا متأسفانه امروز این بیماری در میان گروهی از مردم توسعه یافته است (و اکنون در لوای آن ما شبیه به قومی از خود بیگانه ایم، در لباس و خانه مان، در خوراکیمان، در ادبمان، در مطبوعاتمان، و خطرناکتر از همه در فرهنگمان. فرنگی مآب می پروریم و فرنگی مآب فکر می کنیم، و راه حل هر مشکلی را فرنگی مآبانه می جوییم...»⁽¹⁾

از اینرو هر مسلمان دوراندیشی که روح و شخصیت اسلامی خویش را حفظ نموده می داند که شرکت در این جشن ها جز زیان نتیجه ی دیگری برای جهان اسلام نخواهد داشت.

راستی آیا وجدان و عاطفه ی اسلامی و برادر دوستی ما اجازه می دهد با مسیحیتی که سالیان دراز با مسلمانان دشمنی سرسختی داشته و میلیون ها نفر از برادران ما را به خاک و خون کشانده است و در زمان حاضر هم دست از دشمنی و مسلمان کشی خویش بر نمی دارد،⁽²⁾ همکاری نموده و در جشن و

ص: 114

-
- 1- نگاه کنید به «تسخیر تمدن فرنگی» از سید فخرالدین شادمان چاپ تهران. و مقاله ی «غرب زدگی».
 - 2- چندی پیش در فیلمین مسیحیان گروه زیادی از مسلمانان را کشتند که خبر آنرا در روزنامه ها خواندید.

سرور آنان شرکت کنیم!؟

در پایان از برادران و خواهران مسلمان می خواهیم برای حفظ شخصیت اسلامی و زدودن غبار ننگین غرب زدگی از چهره ی خویش از برگزاری مراسم جشن ژانویه و هرگونه کاری که جنبه ی غرب زدگی و خرافه پرستی در آن نمودار است خودداری کنند.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

آنکه بر شهوت (و خواسته های نفسانی خویش) پیروز شود شخصیت خویش را حفظ کرده است. (1)

ص: 115

1- مستدرک ج 2 ص 287.

14 - شراب سازی نخستین معجزه ی مسیح!

اشاره

ص: 117

دانش بشری پس از اکتشافات فراوان، مضرات بیشمار مشروبات الکلی را به طور آشکار بیان می‌دارد، ولی پیش از آن ادیان آسمانی، با الهام از منبع لایزال علم و دانش، یعنی خداوند دانا و توانا ضمن بیان مفسدات و مضرات آن، پیروان خود را از آلودگی به این مایع خطرناک، برحذر داشته‌اند.

اما متأسفانه در طی سالیان دراز، پدران روحانی مسیحی به عللی!، نه تنها استعمال مشروبات الکلی را عملاً تجویز کرده‌اند، بلکه با تحریف کتاب مقدس! آیاتی هم در زمینه‌ی مشروب خوردن پیامبران گذشته جعل نموده‌اند که واقعاً مایه‌ی شرمندگی هر فرد عاقل و با ایمانی است.

و متأسفانه، هم اکنون، شراب‌سازی و شراب‌خواری از نظر مسیحیان نه تنها جایز و در میانشان رایج است، بلکه استعمال آن در ضمن اعمال مقدس! و عباداتشان هم به چشم می‌خورد همانطوری که در بخش یازدهم همین کتاب خواندید «عشاء ربانی» که در نظر پیشروان کلیسا یک عمل مذهبی و مقدس است؛ همراه با نان و شراب انجام می‌یابد، و مسیحیان

ص: 118

جهان در بزرگترین عید مذهبی خود یعنی جشن ژانویه، به عشق عیسی، آن پیغمبر پاک و زاهد خدا، میلیون ها لیتر، شراب می نوشند!

شراب و معجزه!

از همه شرم آورتر آنکه «کتاب مقدس!» مسیحیان نخستین معجزه ی عیسیای مسیح را شراب سازی می شمارد، انجیل یوحنا می نویسد؛ «و در روز سیم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت شراب ندارند .

عیسی به وی گفت: ای زن مرا با تو چه کار است، ساعت من هنوز نرسیده است، مادرش به نوکران گفت: هرچه به شما گوید بکنید، و در آنجا شش قدح سنگی برحسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت، عیسی بدیشان گفت: قدحها را از آب پر کنید، و آنها لبریز کردند، پس بدیشان گفت الان بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید، پس بردند، و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود! بچشید ندانست که از کجا است. لیکن نوکرانیکه آب را کشیده بودند می دانستند.

رئیس مجلس داماد را مخاطب ساخته بدو گفت:

ص: 119

هر کسی شراب خوب را اول می آورد و چون مست شدند، بدتر از آن لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی! (1)

و این ابتدای معجزاتیست! که از عیسی در «قنای جلیل» صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. (2)

«عهد عتیق» درباره ی حضرت نوح می نویسد :

«و نوح به فلاحت زمین شروع کرد و تا کستانی غرس نموده و شراب نوشید مست شد و در خیمه ی خود عریان گردید و «حام» پدر کنعان برهنگی پدر خود را دید و دو برادر خود را بیرون خبر داد و «سام و یافث» ردا را گرفته، بر کتف خود انداختند، و پس پس رفته، برهنگی پدر خود را پوشانیدند. و روی ایشان باز پس بود که برهنگی پدر خود را ندیدند و نوح از مستی خود به هوش آمده دریافت که پسر کهنترش باوی چه کرده بود». (3)

در همین کتاب مقدس به حضرت لوط نسبت می دهد که : دخترانش به او شراب دادند و او خورد و مست شد و با آنها

ص: 120

1- از این جمله دانسته میشود شرابی که عیسی به وسیله ی اعجاز درست کرده است شرابی مانند شراب های معمولی بوده که در آن مجلس آشامیده بودند.

2- انجیل یوحنا باب دوم بند 11-1.

3- سفر پیدایش باب نهم بند 20-24.

نزدیکی هم نمود و از آنها بچه دار شد! (1)

یک بام و دو هوا!

آری «کتاب مقدس!» مسیحیان پیامبران الهی را، این چنین معرفی می کند، در صورتیکه آنان رهبران بشریت هستند و باید از هر پلیدی و آلودگی پاک و دور باشند.

البته ما از این کتاب های تحریف شده بیش از این انتظار نداریم، ولی تعجب اینجاست که در همین کتب باز جملاتی به چشم می خورد که شراب را تحریم نموده است:

«خداوند هارون را خطاب کرد و گفت: تو و پسرانت با تو چون به خمیه ی اجتماع داخل شوید شراب و مسکرات منوشید، مبادا بمیرید، اینست فریضه ابدی در نسل های شما» (2) و باز گوید: «وای بر آنانکه صبح زود بر می خیزند تا در پی مسکرات بروند و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید» (3) و همچنین می نویسد:

«ولکن اینان نیز از شراب گمراه شده اند و از مسکری سرگشته گردیده اند. زیرا که همه سفره ها از قی و نجاست پر گردیده و جایی نمانده است.» (4)

ص: 121

1- به سفر پیدایش باب 19 بند 30-38 مراجعه شود .

2- سفر لاویان باب 10 بند 118 .

3- اشعیاء نبی باب 5 بند 11.

4- اشعیاء نبی باب 28 بند 7 و 8.

با این جملات صریح که در حرمت مشروبات الکلی در «عهد عتیق» آمده، معلوم نیست که چگونه اناجیل، پیامبران خدا را شراب‌خوار و شراب‌ساز معرفی می‌کند؟

اما اسلام:

اکنون دنیا، در مقابل قرآن کریم سر تعظیم فرود می‌آورد، زیرا این کتاب آسمانی با روش خاصی با مسکرات مبارزه و آنرا تحریم نموده است: «شراب، قمار و... از پلیدی‌ها و اعمال شیطانی است از آنها دوری جوئید تا شاید رستگار شوید. شیطان می‌خواهد بوسیله‌ی شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه‌توزی بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد آیا شما دست بر می‌دارید؟» (1)

اکنون بی‌مناسبت نیست که اجمالی هم از نظریه‌ی علم پزشکی قرن بیستم را در زمینه‌ی مضرات مشروبات الکلی متذکر شویم و آنگاه با عقل خود بسنجیم که کدام یک از ادیان، خوشبختی بشریت را تامین می‌کند؟ دینی که مشروبات را تحریم می‌نماید یا آیینی که احکام آن دستخوش تغییر قرار گرفته و شراب‌سازی جزو معجزات آن به شمار می‌آید و از این بالاتر

ص: 122

1- قرآن مجید سوره‌ی مائده آیه 90 - 91 این آیه به خوبی روشن می‌سازد که در نظر قرآن هم شراب‌خواری مطلقاً چه کم باشد چه زیاد حرام است زیرا حرمت آن را مقید به شراب زیاد نکرده است.

شراب خواری در آن جنبه‌ی عمل مذهبی دارد؟!.

مطابق گزارش‌های محافل طبی و بهداشتی و تجربیات محققین مخصوصاً متخصصین رشته‌های فیزیولوژی و بیولوژی، الکل پس از ورودش به بدن تنها جزئی از آن تجزیه شده و از بین می‌رود، و قسمت اعظم آن وارد خون شده و با جریان خون به همه‌ی اعضا می‌رسد. و چون ماده‌ی سمی و برخلاف مواد غذایی، برای بدن نامأنوس است هیچیک از اعضا را سالم نمی‌گذارد و از جهات مختلف اعضای بدن را مورد حمله قرار می‌دهد که بیش از همه به علت اثر سوء الکل در انعقاد مواد آلبومینوئیدی، از شدت حساسیت و فعالیت سلولها و نسوج و اعضا و دستگاه‌های بدن به طور محسوس کاسته می‌شود، و به طور کلی کلیه‌ها، معده، کبد و مخصوصاً سراسر دستگاه گوارش از قبیل مخاطات. دهان حلق و مری، روده‌ها و کبد را فاسد می‌کند... و نیز نسل بعدی را از سلامتی محروم می‌سازد، در دستگاه تنفسی و گردش خون مخصوصاً قلب و رگها اثرات سوئی دارد. و بدون استثنا تصلب شرایین را (که عامل مهم سکت‌های قلبی و مغزی در پیر و جوان است) به دنبال دارد، و در کبد نسج کبدی را همانطور که اشاره کردیم فاسد و مومی شکل می‌نماید.

درد معده و روده در شرابخوران حتی مصرف‌کنندگان آجوبه به مراتب بیشتر از افراد عادی دیده می‌شود، سلسله اعصاب به علت حساسیت شدید نسبت به الکل بیش از همه‌ی اعضا و

ص: 123

آری شراب عامل مؤثر تخدیر اعصاب است و سلامتی جسم و جان و روح مردانگی و غیرت را از مبتلایان به آن می گیرد و در نتیجه مردم الکلیست تن به هر ذلت و بدبختی می دهند. و سرانجام به روز سیاه می نشینند.

اگر بگوییم «شراب» یکی از عللی است که استقلال و آزادی و ثروت های خداداد و منابع زیرزمینی ملت ها را به باد فنا داده، سخن گزافی نگفته ایم، زیرا شراب، عقل و ادراکات مردم معتاد را ناچیز می کند تا اینکه حاضر می شوند، سرمایه های گرانبها و آثار ملی و معنوی خود را به یک جام شراب بفروشند!

در این زمینه شواهد زیادی است که صفحات محدود این کتاب اجازه نمی دهد آنها را درج نماییم...

همین سم خطرناک بود که عظمت مسلمین اسپانیا را درهم فرو ریخت...

ص: 124

1- بررسی فرآورده های الککل از نظر فقه اسلامی ص 118 تألیف دکتر احمد صبور ارد و بادی (استاد رشته ی سم شناسی دانشگاه تبریز).

از آنجا که بشر دچار فراموشی و اشتباه می‌گردد؛ گفته‌ها و نوشته‌هایش خالی از تناقض نیست و گاه و بیگاه، برخلاف کلمات گذشته‌اش مطالبی را خاطرنشان می‌سازد.

چه بسیار موضوع‌هایی که درباره‌ی آنها به بحث و دقت پرداخته‌ام اما پس از چندی درباره‌ی همانها، نظریات مخالفی ابراز کرده‌ام.

این موضوع فقط به «بشر» که نمی‌تواند خود را در مقابل «فراموشی» کنترل کند اختصاص دارد و هیچگاه در مبدأ جهان یعنی ذات پاک خدا، که بر هر چیزی دانا و توانا است، تصور نخواهد داشت.

بنابراین کتابی که خدا برای راهنمایی بشر فرو فرستاده بایستی از تناقض‌گویی و اشتباه خالی باشد.

نمونه‌ی کامل آن قرآن کریم است که در سراسر آن یک تناقض و یا نقطه‌ی ضعفی وجود ندارد به طوری که می‌توان این موضوع را یکی از نشانه‌های آسمانی بودن آن کتاب بزرگ دانست زیرا روی حساب عادی ممکن نیست یک بشر درس

نخوانده آنهم راهبر یک انقلاب همه جانبه و با مشکلات فراوان، بدون اینکه با خدا مربوط باشد چنین کتابی تألیف نماید.

متأسفانه برخلاف قرآن، کتب مذهبی مسیحیت تناقض های زیادی دارد که راستی با وجود آنها نمی دانیم پدران روحانی چگونه این «کتاب مقدس!» را به خداوند نسبت می دهند؟

تناقض گویی چیست؟

اشاره

البته همه می دانیم تناقض همان ناسازگاری دو عبارتی است که در پیرامون یک مطلب بیان شده باشد به طوریکه اهل زبان نتوانند بین آنها توجیه و تفسیر صحیحی بیابند.

مثلاً اگر گفته شود: «بشر به کره ماه سفر کرد» و سپس گفته شود «بشر به کره ماه سفر نکرد.» این تناقض گویی است و در هر کجا که شما جملاتی از این قبیل پیدا کنید، باید بدانید که با جملات متناقضی روبرو هستید. اکنون بررسی کوتاهی درباره ی اناجیل می کنیم تا ببینیم این اناجیل چهارگانه، دچار تناقض گویی هستند. یا نه؟

1 - دشنام و کفر دزدان

اشاره

انجیل متی موقعی که می خواهد ماجرای به دار آویختن عیسی مسیح را شرح دهد می نویسد: «آنگاه دو دزد یکی بر دست راست و دیگری بر چپش با وی مصلوب شدند و راهگذران

ص: 127

سرهای خود را جنبانیده کفر گویان می گفتند: ای کسیکه هیکل (1) را خراب می کنی و در سه روز آنرا می سازی خود را نجات ده.

اگر پسر خدا هستی از صلیب فرود بیا...

و همچنین آن دو دزد نیز که با وی مصلوب بودند. او را دشنام می دادند». (2)

ملاحظه می کنید بنا به تصریح انجیل متی؛ هر دو دزد مصلوب به عیسای مسیح دشنام و کفر گفتند در صورتیکه انجیل لوقا می نویسد: «یکی از آن دو خطاکار مصلوب بر وی گفت: که اگر تو مسیح هستی خود را و ما را برهان اما آن دیگری جواب داده او را نهیب کرد و گفت: مگر تو از خدا نمی ترسی، چونکه تو نیز زیر همین حکمی و اما ما به انصاف چونکه جزای اعمال خود را یافته ایم لیکن این شخص هیچ کار بیجا نکرده است.» (3)

درست است که متی و لوقا هر دو می خواهند مصلوب شدن مسیح را با دو نفر دزد یادآوری کنند ولی جمله ی: «هر دو دزد دشنام داده و کفر گفتند» با جمله ی «یکی از آن دو

ص: 128

1- مقصود از هیکل در بیشتر مواضع کتاب مقدس هیکل اورشلیم است که بر کوه موریا بنا شده بود و شباهت به چادر جماعت می داشت! (قاموس کتاب مقدس صفحه ی 931).

2- انجیل متی باب 27 بند 44 - 39.

3- انجیل لوقا باب 23 بند 41-39.

خطاکار بروی کفر گفت اما آن دیگری جواب داده او را نهیب کرد» اختلاف محسوسی محسوسی دارد و متناقض دارد و متناقض حساب می شود!

2 - عصا و چوب دستی

مرقس وقتی قصه ی سفارش های مسیح را نسبت به شاگردانش نقل می کند می نویسد: «پس آن دوازده را پیش خوانده شروع کرد به فرستادن ایشان جفت جفت و ایشان را بر روح های پلید قدرت داد و ایشان را قدغن فرمود: که جز عصا فقط هیچ چیز برنذارید نه توشه دان و نه پول در کمر بند خود بلکه موزه در پا کنید و دوقبا در بر نکنید (1)».

توجه دارید که مرقس، بردن عصا و پوشیدن کفش را تجویز می کند و می گوید همراه داشتن آنها اشکالی ندارد اما «انجیل متی» صریحاً از اینکار جلوگیری می نماید و می گوید: با خود عصا بر مدارید چنانکه می نویسد: «دوازده شاگرد خود را طلبیده ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند... و بدیشان گفت... طلا یا نقره یا مس را در کمرهای خود ذخیره نکنید و برای سفر توشه دان یا دو پیراهن یا کفش ها یا عصا برنذارید زیرا که مزدور مستحق خوراک خود است. (2)»

بدیهی است که این دو عبارت با هم نمی سازند.

ص: 129

1- انجیل مرقس باب 6 بند 9-7 .

2- انجیل متی باب 10 بند 1 - 10 .

«هنگام سفر با خود عصا و چوب دستی بردارید، و هنگام سفر با خود عصا و چوب دستی بردارید.»

3 - باز پرسی از پطرس

انجیل متی پس از آنکه داستان فرار کردن پطرس را شرح می دهد و می گوید: پطرس در میان دشمنان مسیح داخل شد و مورد سوء ظن آنان واقع گردید و به همین جهت سه مرتبه از او پرسیدند تو با عیسی بودی پطرس هم از اعتراف بدین موضوع خودداری می کرد و تصریح می کند در مرتبه ی اول و دوم دو کنیز بودند که از او این مطلب را می پرسیدند... (1)

در صورتیکه انجیل مرقس برخلاف این تصریح ، می گوید: در هر دو مرتبه یک کنیز از او سؤال کردند دو کنیز و می نویسد: هنگامیکه پطرس در ایوان پایین می بود، یکی از کنیزان رئیس کهنه آمد چون پطرس را دید که خود را گرم می نمود، در او نگریسته گفت: تو نیز با عیسی ناصری بودی لیکن او انکار نمود و گفت: من نمی دانم و نمی یابم که چه می گویی و به سوی دهلیز خانه بیرون رفت که خروس بانک زد و کنیز باز او را دید به آنان که در آنجا ایستاده بودند آغاز سخن نمود: که این شخص از آنهاست او باز انکار نمود.... (2)

ص: 130

1- مستفاد از انجیل متی باب 26 بند 69-71 .

2- مستفاد از انجیل مرقس باب 14 بند 70-76 .

بالا تر از آن، ناسازگاری این دو انجیل با انجیل لوقا است، زیرا این دو انجیل اگر درباره ی یک کنیز یا دو کنیز بودن باز پرس با هم اختلاف دارند دیگر در اینکه سئوال کننده زن بوده نه مرد، اختلافی نداشتند اما از انجیل لوقا استفاده می شود که مرتبه ی دوم زن از او نپرسید بلکه مرد این باز پرسى را به عمل آورد (1) لازم است به این نکته توجه داشته باشید که پطرس همانطور که مسیح خبر داده بود بیش از سه مرتبه را انکار نکرد پس نمی توان برای رفع تناقض گفت افراد مختلفی این موضوع را از او پرسیدند پطرس هم در مقابل هر شخصی که از او می پرسید مسیح را یکدفعه انکار کرد و نیز نمی توان گفت در مرتبه ی دوم عده ای از او این موضوع را پرسیدند و آنهم در مقابل همه یک انکار کرد زیرا از اینکه بعد از سئوال دوم می گوید: «کنیز به آنان که ایستاده بودند آغاز سخن کرد» معلوم می شود غیر از کنیز کس دیگری از موضوع با خبر نبوده بلکه پس از سئوال دوم مطلع شده اند در هر صورت درست است که هر سه انجیل می خواهند انکار پطرس را قبل از بانگ زدن خروس یادآوری نمایند ولی با هم در موضوعات فوق اختلاف دارند.

4 - هنگام آمدن مریم

انجیل متی و لوقا و یوحنا موقعیکه می خواهند وقت آمدن

ص: 131

1- باب 22 بند 59-55 .

«مریم مجدلیه» و مریم مادر را بر سر قبر مسیح شرح بدهند می گویند: «آنها هنگام فجر (سپیده ی صبح) که هوا هنوز تاریک بود آمدند» (1) اما برخلاف آنها، انجیل مرقس می نویسد: هنگام طلوع آفتاب مریم مجدلیه و مریم مادر و یعقوب... بر سر قبر عیسی مسیح آمدند (2). و البته همه می دانیم موقع سپیده ی صبح که هوا تاریک است با هنگام طلوع آفتاب که هوا روشن شده فرق محسوسی دارد و نمی شود آنها را یکی دانست!

5 - درنگ مسیح در شکم قبر!

انجیل متی می نویسد: مسیح گفت: من همانند یونس که سه شبانه روز در شکم ماهی ماند در شکم زمین می مانم. (3)

در صورتیکه مرقس می گوید: مدت درنگ مسیح در قبر دو شب و یکروز بوده است زیرا می نویسد: شام روز جمعه دفن شد و صبح بسیار زود روز یکشنبه وقتی مریم مجدلیه بر سر قبر آمد دید پیش از آنکه بر سر قبر آید مسیح از قبر برخاسته است. (4)

در اینجا گذشته از تناقض انجیل متی و مرقس، به نسبت دادن دروغ به عیسی مسیح که گفت من سه شبانه روز در قبر می مانم

ص: 132

1- انجیل متی باب 28 بند 1 ولوقا باب 24 بند 1 و یوحنا باب 20 بند 1 .

2- انجیل مرقس باب 16 بند 1-2 .

3- انجیل متی باب 12 بند 40 .

4- انجیل مرقس باب 15 بند 42 - باب 16 بند 1-5 .

و کمتر ماند برخوردار می کنیم! ...

در هر صورت با در نظر گرفتن همین مقدار از تناقض ها و اشتباه های اناجیل میتوان قضاوت کرد که کتب مذهبی فعلی مسیحیت از مبدأ وحی و وحی و الهام، نمی تواند سرچشمه گرفته باشد وگرنه این اختلاف و ناسازگاری در آنها یافته نمی شد.

و همینطور ممکن نیست نویسندگان آنها را الهام شده یا روح القدس دانست زیرا اگر آنان با خدای دانا ارتباط داشتند همه با هم موافقت می نمودند و اینگونه اختلافها به وجود نمی آمد روی همین اصل، ما کتاب مقدس موجود مسیحیان را تحریف شده و ساختگی و غیر آسمانی می دانیم .

ص: 133

16 - آيين شمشير کدام است؟

اشاره

ص: 135

یکی از تهمت های ناجوانمردانه ای که مبشران مسیحی بر اسلام می زنند، آنست که می گویند: «اسلام به زور شمشیر پیش رفته است» و یا می گویند: «شمشیر اسلام بود که ملت های افریقا و آسیا را یکی پس از دیگری مسلمان ساخت.»

ما در این بحث کوتاه نمی توانیم با استشهاد به یدادهای تاریخی و بررسی کامل آیات مقدس مسیحیان و قرآن مجید: کتاب آسمانی مسلمانان، حقیقت مطلب را آنطور که هست نشان دهیم. ولی به طور اجمال می گوئیم که: مبشران مسیحی بدون اینکه آیات قرآن را از نظر بگذرانند. گرفتار این تهمت شده اند و متوجه نشده اند که اسلام در چه زمینه ای حکم به جهاد می کند و منظور از آن چیست.

اصولاً جنگ در اسلام به خاطر کشورگشایی و خونریزی نیست، بلکه برای نجات آن مردم مظلوم و بی پناهی است که، حقوق خود را از دست داده و در آتش ظلم و فساد و بت پرستی و محرومتی های اجتماعی می سوزند .

خدا در قرآن می فرماید: «چيست شما را که در راه خدا و نجات مردان و زنان و کودکان ناتوان که می گویند: پروردگارا ما را از این شهر که اهل آن ستمگرند بیرون بر و از نزد خود برای ما سر پرست و یآوری مقرر فرما، پیکار نمی کنید» (1).

و نیز جنگ در اسلام برای زدودن فتنه ها و برقراری عدالت اجتماعی و صلح عمومی است. چه نیکوست کلام خدا که می فرماید: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِّلَّهِ ...) با کافران کارزار کنید تا فتنه ای باقی نماند و دین بطور کلی برای خدا باشد... (2)

بنابراین قرآن کریم جنگی را تجویز می کند که در راه خدا و نجات توده های محروم و برای زدودن فتنه ها انجام یابد.

اسلام تحمیلی نیست، یهود و نصاری می توانند به دین خود باقی بمانند ولی باید شرایطی را که موجب مسالمت همزیستی است مراعات کنند.

در جنگ های اسلامی، سم پاشی، کشتن زنان و اطفال و پیرمردان ممنوع است و حتی بریدن درخت ها و خراب کردن ساختمان ها از نظر مقررات ارتش اسلام کار صحیحی نیست. (3)

ص: 137

1- سوره ی نساء آیه ی 75 .

2- سوره ی انفال آیه ی 39.

3- باب جهاد کتاب شرایع و مختصر نافع و سایر کتاب های معتبر فقه شیعه.

آیا این پیکاری که در راه زدودن فتنه ها و نجات توده های محروم و برقراری عدالت عمومی انجام می یابد اشکالی دارد؟ آیا صحیح است بگوییم: در اسلام شمشیر برای تحمیل عقیده به کار رفته است؟

پاسخ این سئوالات همه منفی است و مبشران مسیحی که به اسلام تهمت می زنند باید بدانند که: پیشرفت اسلام به خاطر آسانی و سادگی و جامعیت آن بوده است و به همین علت امروزه، با نداشتن وسائل تبلیغی به پیش می رود .

خداوند پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را برای عموم جهانیان رحمت قرار داد چنانکه در قرآن کریم آشکار می فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (1) و دعوت به اسلام از ابتدا برخلاف ادعای پدران روحانی با زور و شمشیر و سرنیزه نبوده، بلکه با دلیل و برهان و حکمت و موعظه همراه بوده است، بطوریکه می فرماید: (أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ...) ای محمد مردم را با حکمت و پند و موعظه ی نیکو به راه پروردگارت دعوت کن... (2)

اگر مبشران مسیحی تورات و کتب مقدس را مطالعه کرده بودند نسبت به اسلام انتقاد بیجا نمی کردند.

در سفر تثبیه می نویسد: «آنگاه سیحون با تمامی قوم

ص: 138

1- سوره ی انبیاء آیه ی 107 .

2- سوره ی نحل آیه ی 125.

خود به مقابله ی ما برای جنگ کردن در «یاهص» بیرون آمدند یهوه خدای ما او را به دست ما تسلیم نموده او را با پسرانش و جمیع قومش زدیم و تمامی شهرهای او را در آنوقت گرفته، مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم» (1).

آیا کشتن زنان و اطفال بی گناه، صحیح است، آیا این جنگ در راه انسان دوستی و عدالت انجام گرفته است؟ آیا این برنامه جنگی را می توان با برنامه جنگی اسلام مقایسه کرد؟ آیا این برنامه آیین شمشیر نیست؟

مسلم است که کشتن زنان و از بین بردن اطفال با اصول همزیستی و انسانیت نمی سازد.

با این مقایسه اجمالی روشن می شود که هدف اسلام از جهاد در راه خدا، خونریزی، انتقام و تحمیل عقیده نبوده بلکه برخلاف کسانی که جنگ های صلیبی را براه انداختند و فقط منظورشان کشورگشایی و استعمار بود، خواستار صلح و صفا و رفاه و آسایش توده های محروم سراسر روی زمین می باشد.

مردم جهان به این علت به اسلام ایمان آوردند و می آوردند که نیازهای فطری آنان را پاسخ مثبت می دهد وگرنه چه علت دارد که با وجود آزادی های زیادی که در کشورهای

ص: 139

1- سفر تثبیه فصل 2- بند 34-32 .

اسلامی بافرااد غیر مسلمان داده شده و با اینکه در زمان حاضر به معنی واقعی هیچگونه سازمان تبلیغاتی در اسلام وجود ندارد، معذک در برابر آثار و علائم محسوس ضعف و انکسار دین در سال های اخیر، کیش اسلام لا ینقطع در آسیا و آفریقا پیشرفت می کند؟

امروز نمی شود گفت که شمشیر فاتحین راه را برای نشر اسلام صاف می کند بلکه بالعکس در مناطقی که یک وقتی دولت های اسلامی حکومت می کردند فعلاً دولت های تازه ای از سایر ادیان حکومت دارند و سال ها است که سازمان های تبلیغاتی نیرومندان در میان مسلمین فعالیت می کند. با اینحال نتوانسته اند اسلام را از زندگی مردم جدا کنند.

چه نیروی معجزه آسایی در این دین نهفته است؟ چه نیروی ذاتی از اقناع و ارضا با این دین ممزوج شده است که مردم آزاد فکر و اندیشمند با چنین جوش و خروش آنرا استقبال می کنند.

بنابراین کسانی که می گویند: «اسلام به زور شمشیر پیش رفته» نظری جز کینه توزی ندارند و واقعیت های تاریخی گذشته و حوادثی که در عصر ما به وقوع می پیوندند؛ این ادعای ناجوانمردانه را تکذیب می نماید.

خداوند در هر زمان بر مردم حجتی تعیین می فرماید تا پیش او عذری نداشته باشند، و به همین منظور پیغمبران را فرستاده و رسالت آنان را با معجزات تأیید کرده است.

پیامبران هنگام مرگ وظیفه ی مردم را بعد از خود تعیین می کردند و آنان را به پیامبر بعد از خود - با یادآوری مشخصات - رهنمون می شدند، تا آنان با اطمینان بیشتری به او ایمان آورند و راه حق را بپویند.

بنابر همین اصل، پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه وآله که پس از او پیامبری نخواهد آمد، علی علیه السلام را جانشین خود قرار داد و نبوت را پایان یافته معرفی کرد، و به حضرت علی علیه السلام فرمود: (أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا إِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي) (1) تو نسبت به من همچون هارونی نسبت به موسی، جز آنکه پس از من پیامبری نیست.

ص: 142

خداوند در کتاب هایی که به پیامبران قبل میفرستاد از آمدن پیامبر آخرالزمان خبر می داد به طوری که افراد مطلع در انتظار او بودند. (1)

حضرت موسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم در کتاب خود تورات، به رسالت پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه وآله بشارت داده و با یادآوری نشانه هایی آن گرامی را معرفی فرموده است. تورات های موجود گرچه دستخوش تحریف قرار گرفته ولی هنوز قطعاتی در آن به چشم می خورد که گویای همان بشارات است ما در این جزوه بر آنیم که چند مورد را فشرده و کوتاه بیان کنیم.

بشارت اول

اشاره

در سفر تثبیه از کتاب تورات باب 18 شماره ی 15-22 سخن حضرت موسی علیه السلام را چنین نقل می کند.

«یهود خدایت نبی را از قوم تو از برادرانت (2) مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدایت مسئلت نموده گفتمی آواز یهوه

ص: 143

-
- 1- ابوطالب در نامه ی خود به پادشاه حبشه می نویسد: ... تَعَلَّمْ مَلِيكُ الْحَبَشِ أَنَّ مُحَمَّدًا - نَبِيُّ كُؤُوسَى وَالْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ بَدَانَ اِي پادشاه حبشه که محمد صلی الله علیه وآله پیامبری همچون موسی و عیسی است... و همانا شما او را در کتاب خودتان می خوانید...
 - 2- مطابق با ترجمه ی انگلیسی از روی ترجمه ی لاتینی جروم قدیس.

خدای خود را دیگر نشنوم و این آتش عظیم را دیگر نینم مبادا که بمیرم. و خداوند به من گفت آنچه گفتند نیکو گفتند نبی را برای

را ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هرکسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد. و اما نبی که جسارت نموده به اسم من سخن گوید که به گفتش امر نفرمودم یا به اسم خدایان غیر سخن گوید آن نبی البته کشته شود و اگر در دل خود گویی سخنی را که خدا نگفته است چگونه تشخیص نمایم هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد این امری است که خداوند نگفته است بلکه آن نبی آنرا از روی تکبر گفته است پس از او ترس».

تصویر عبارت عبری باب 18 شماره ی 15-22

ص: 144

در این جملات موسیعلیه السلام به بنی اسرائیل مژده ی آمدن پیامبر بزرگی را می دهد که چنین صفاتی را دارا است:

1- از برادران موسی و قوم اسرائیل است.

2- همچون خود موسی است.

3- کلام خدا بر دهانش خواهد بود.

4- هر چه خدا به او امر فرماید ابلاغ خواهد کرد.

5- هرکس سخنانش را که از جانب خداست نشنود خداوند او را مؤاخذه خواهد کرد.

6- چیزی از جانب خود نخواهد گفت.

7- نشانه ی صحت ادعای آن پیامبر پیشگویی های مطابق واقع خواهد بود.

8- مخالفت با آن پیامبر خطرناک است اما اگر پیامبری به دروغ ادعا کند مخالفتش ترسی ندارد، «پس از او نترس».

همه ی این صفات در جملات نقل شده موجود است و همه بر پیامبر اسلامصلی الله علیه وآله کاملاً تطبیق می کند، و ما به اختصار هر یک را توضیح می دهیم:

1- از برادران قوم اسرائیل است.

به طوری که قرآن مجید و نیز کتاب تورات و تاریخ شهادت می دهد، حضرت ابراهیم علیه السلام دو پسر داشت، «اسماعیل» و «اسحاق» اسحاق علیه السلام نیز پسر بنام یعقوب

داشت که نام دیگر او اسرائیل است. حضرت یعقوب دوازده پسر داشت که ایشان پدران قوم بنی اسرائیل هستند. حضرت اسماعیل هم فرزندان داشت که مانند خود آن جناب در سرزمین عربستان سکونت گزیده طایفه ی مهمی از عرب را تشکیل دادند. این قوم برادران قوم بنی اسرائیل محسوب می شوند، زیرا پدر قابل افتخار هر دو طایفه حضرت ابراهیم از مردان بزرگ تاریخ است که مورد احترام یهود و نصاری و مسلمین می باشد و این دو طایفه از دو فرزند معروف و برومند او اسماعیل و اسحاق به وجود آمده اند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نیز از نسل اسماعیل است و به همین جهت از برادران قوم اسرائیل محسوب می شود.

2- همچون موسی است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله همچون موسی دارای کتاب و معجزه بود و مراحل مشابه حضرت موسی در زندگی طی کرد، یعنی با شمشیر قیام کرد و با کفار جنگید و بر آنها غلبه کرد.

3- کلام خدا بر دهانش بود.

بزرگترین معجزه ی رسول خدا صلی الله علیه وآله قرآن است که معجزه ی باقیه نام دارد، و هیچکس نتوانست و نخواهد توانست مانند آن را بیاورد، با اینکه این کتاب از حروف الفبای عربی تشکیل شده و خود کتاب از همه ی بشر می خواهد که مثل آن را بیاورند، کسی بر چنین که کاری قادر نیست و قرن هاست مخالفان با راه انداختن جنگ های سخت و صرف هزینه های

ص: 146

سنگین با اسلام مبارزه کرده اند و هیچگاه نتوانسته اند مثل قرآن را

بیاورند.

علت این موضوع آنست که قرآن مجید کلام خدا است و این سخن از گونه ی سخنان بشر نیست که بشری بتواند مثل آن را بیاورد.

4- هر چه خدا به او امر فرماید ابلاغ خواهد کرد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله هر چه را شنیده بود به بشر ابلاغ فرمود، آن جناب تمامی راه های نیکی و بدی را که از طریق وحی دریافت کرد به بشر نشان داد .

پیامبر صلی الله علیه وآله در حجة الوداع خطبه یی ایراد فرمودند و در آن خطبه چنین فرمودند: «ای مردم شما را به هر چه به بهشت نزدیک و از آتش دورتان می سازد فرمان دادم و شما را از هر چه به آتش نزدیک و از بهشت دورتان کند باز داشتم». (1)

قرآن مجید می فرماید: (وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ) (2) نیست بر پیغمبر مگر رساندن روشن.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در راه تبلیغ دستورات الهی متحمل زحمت ها و مشکلاتی شد و چون مأموریت الهی بود از هیچ چیز واهمه نداشت و در مقابل شکنجه های قریش ایستادگی کرد تا

ص: 147

1- اصول کافی ج 2 ص 74- وسایل ج 12 ص 27.

2- سوره ی عنکبوت آیه ی 18 .

آنجا که حاضر شد از وطن مألوف خود «مکه» به سوی مدینه هجرت کند .

5- هرکس سخنانش را که از جانب خداست نشنود خداوند او را مؤاخذه خواهد کرد :

لازمه ی یک شریعت آسمانی این است که متخلف آن مجازات شود. در شریعت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برای عاصی و بزهکار مجازات های سختی تعیین شده است، و هرکس باید به سزای عمل خویش برسد. قرآن می فرماید: (مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا - وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْأَتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ). (1)

کسی که عمل بدی انجام دهد سزا داده می شود و به جز خدای برای خود یآوری نمی یابد، و کسی که عمل نیکی بجا آورد، مرد یا زن، و مؤمن باشد، آنان به بهشت داخل می شوند.

و نیز می فرماید: (وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا) (2) و آنکه بر خدا و پیامبرش عصیان ورزد برای اوست آتش دوزخ که در آن جاویدان می ماند.

6- چیزی از خود نخواهد گفت.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله هیچگاه از جانب خود چیزی

ص: 148

1- سوره ی نساء آیه ی 123 و 124.

2- سوره جن آیه ی 23.

نفرمود، و گاهی سؤالی از او می شد منتظر می ماند تا وحی در رسد و پاسخ درست را از خداوند بگیرد.

قرآن در این زمینه می فرماید: (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (1) (پیامبر اسلام از روی هوای نفس سخن نمی گوید و سخن او جز وحی نیست

7- نشانه ی صحت ادعای آن پیامبر پیشگویی های مطابق واقع خواهد بود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در مدت 23 سال رسالت خود بسیار پیشگویی فرمودند که همه مطابق واقع بود، در قرآن مجید در سوره ی روم می فرماید: (أَلَمْ - غُلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَ يُغْلَبُونَ). خداوند مغلوب شدن روم به دست دشمن (ایرانیان) و سپس غلبه و پیشرفت رومیان و شکست دشمن را خبر می دهد و همانطور واقع شد.

8- مخالفت با آن پیامبر خطرناک است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله پس از اظهار رسالت خویش با مخالفان سرسختی روبرو شد که هر یک می کوشیدند از نفوذ و پیشرفت او جلوگیری کنند اما پیامبر صلی الله علیه وآله با ایمانی راسخ به دعوت خود ادامه داد و از هیچ چیز نهراسید، و خداوند بزر دشمنان او را منکوب و خوار و ذلیل کرد. تنها در جنگ بدر اولین

ص: 149

1- سوره ی نجم آیه ی 3 و 4 .

جنگ اسلامی هفتاد تن از بزرگان قریش که سال ها با پیامبر مخالفت ورزیده بودند هلاک شدند و در جنگ های بعد نیز پیشرفت واقعی با پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بود تا مکه را فتح کرد و اسلام قوت و نیرو گرفت.

با توضیحات فوق روشن است که همه ی این صفات در پیامبر اسلام جمع بوده است و مسلماً آن گرامی همان پیامبر موعود تورات است زیرا بعد از موسی علیه السلام پیغمبری که همه ی این صفات را دارا باشد جز حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله نیامده است.

نطبق های نادرست

برخی از علمای یهود چنین پنداشته اند که این مژده مربوط به یوشع بن نون علیه السلام است، در صورتی که همه ی این اوصاف با آن حضرت تطبیق نمی کند. مثلاً او از برادران قوم اسرائیل نیست بلکه از خود ایشان است، و نیز او مثل موسی نیست زیرا در آخر سفر تثبیه 10:34 پس از اشاره به نبوت او می گوید: «نبی مثل موسی تا به حال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد».

مسیحیان هم ادعا می کنند که پیامبر موعود در تورات همان حضرت مسیح علیه السلام است، گفتار این دسته نیز بی اساس است زیرا همه ی این صفات که از مشخصات پیامبر موعود در

تورات است در عیسی علیه السلام جمع نشده است. مثلاً:

1- عیسی از بنی اسرائیل بود نه از برادران اسرائیل .

2- عیسی همچون موسی با دشمنان ن جنگید و قیام مسلحانه نکرد و..

3- در انجیل فعلی می خوانیم که عیسی فرمود: «و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم لکن الان طاقت تحمل آنرا ندارید» (یوحنا 12:16) در این صورت چگونه بگوئیم او کسی است که هر چه بدو گفته شد ابلاغ کرد و...

4- بنابر اناجیل موجود پیشگویی های حضرت مسیح گوید مسیح

تطبیق نمی کند زیرا انجیل (متی 40:12) می گوید مسیح پیشگویی کرد که سه شبانه روز در شکم زمین (قبر) خواهد ماند، اما به تصریح انجیل مرقس مسیح کمتر از این مدت در قبر درنگ کرد. انجیل مرقس (آخر باب 15 و اول باب 16) می گوید: شب شنبه دفن شد و صبح یکشنبه وقت طلوع آفتاب دیدند قبرش خالی است!!

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم که پیامبر موعود تورات فردی غیر از مسیح علیه السلام است.

بشارت دوم - درخشیدن از کوه فاران

در سفر تثبیه می گوید: «این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده گفت یهوه از سینا آمد و از سعیر برایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید

ص: 151

(سفر تثنیه باب 33 فراهای 1 و 2).

تصویر عبری سفر تثنیه باب 32 بند 1 و 2

در اینجا موسی علیه السلام ظهور خود و نبوتش را در کوه «سینا» با ظهور پیامبری از کوه «سعیر» و پیامبری دیگر از «فاران» ذکر کند. کوه سینا محل سخن گفتن موسی علیه السلام با خداست و کوه سعیر در سرزمین یهودیه است که عیسی علیه السلام در آنجا مبعوث شد، و کوه فاران در مکه است. دلیل این موضوع آن است که در کتاب تورات (سفر پیدایش 21:21) درباره ی حضرت اسماعیل که محققا به مکه آمد و آنجا را برای زندگی برگزید چنین آمده است: «در صحرای فاران ساکن شد» و معلوم است که کوه فاران همان کوه «حرا» است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آن به عبادت می پرداخت و نیز در همانجا برای اولین بار وحی الهی با نزول آیات اول سوره ی «علق» بر او فرود آمد و آن گرامی به رسالت مبعوث شد.

بشارت سوم - الاغ سوار و شتر سوار

اشعیای نبی رؤیای خود را اینگونه شرح می دهد: «و

ص: 152

چون سواران جفت الاغ سواری و شتر سواری را ببندد.» باب 21 فراز 7 .

تصویر کتاب اشعیای نبی باب 21 بند 7

بشارت فوق به یک «الاغ سوار» و یک «شتر سوار» است که اشعیای نبی آن را دیده است .

وجه استدلال: به طوری که انجیل متذکر می شود و از تاریخ مسیحیت و قداست نعل خرعیسی و بنای کلیسا «الحافر» و نیز از ادبیات و هنر استفاده می شود، حضرت مسیح برای سواری از الاغ استفاده می کرده است. و نیز می دانیم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در زندگی معمولاً بر شتر سوار می شد؛ چون در عربستان شتر فراوان است، و برای پیمودن بیابان های خشک و بی آب و علف آن سرزمین از اسب و الاغ نمی توان استفاده کرد. پس الاغ سوار و شتر سواری که اشعیای نبی علیه السلام مشاهده کرده با این دو پیامبر بزرگوار، مسیح علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه وآله تطبیق می کند.

ص: 153

در جای دیگر کتاب مقدس می خوانیم: «خدا از تیمان آمد و قدوس از جبل فاران. جلال او آسمان ها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملو گردید» کتاب حبقوق نبی (باب 3 فراز 3).

تصویر عبارت عبری کتاب حبقوق

به طوری که در قاموس کتاب مقدس اشاره می کند «تیمان» یعنی صحرای جنوبی. و همانطور که و همانطور که معلوم است سرزمین عربستان در جنوب «بیت المقدس» واقع شده؛ و نیز این سرزمین مقدار زیادی به طرف جنوب پیش رفته و شبه جزیره یی شده است. قبلاً روشن ساختیم که «فاران» مکه است، پس این بشارت نیز به ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله دلالت دارد.

ص: 154

بخش دوم : تحریف بشارات

اینک تحریف هایی را که به دست «اهل کتاب» (1) در برخی از این بشارات ها راه یافته توضیح می دهیم و با مدارکی که در دست داریم حقیقت را آشکار می سازیم این تحریفات را برای آن به وجود آورده اند که مسلمانان نتوانند از بشارات تورات نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را اثبات کنند، آری، مسیحیان و یهودیان می دیدند مسلمانان از این بشارات به نفع خود و علیه آنان استفاده کنند و به جای آنکه جواب درستی - اگر دارند - به آنان بدهند، کتاب مقدس خود را تحریف کردند.

در باب 18 شماره ی 15 تا 22 سفر تثنیه آمده است. «یهوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید».

و در بند 18 سخن خدا را نقل می کند: «نبی را برای

ص: 155

1- یهودیان و مسیحیان .

ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد...»

در مطالبی که نقل کردیم یک ترکیب «میان تو» در فراز 15 موجود است که در تکرار بشارت در فراز 18 این ترکیب مشاهده نمی شود و همچنین ترکیب «از میان تو» به اضافه ی «از برادرانت ذهن خواننده را متوجه می سازد که تحریفی در عبارات روی داده است، به ویژه که دیگر نسخه های عبری تورات (که ترجمه ی فوق از روی آن انجام شده) پر از غلط های بسیاری است که قرنها در آنها باقی مانده و به برخی از آنها نیز در پاورقی تورات عبری اشاره شده است.

تصویر یک صفحه از متن عبری تورات را که در آن ده غلط وجود دارد و در پاورقی صحیح آنها را نوشته اند در صفحه مقابل ملاحظه نمایید. (هر صفحه از تورات عبری شامل چند اشتباه فاحش است).

ص: 156

چنین بنظر می رسد که عبارات اصلی «از میان برادران ایشان» (1) بوده است یعنی به همان گونه که در فراز 18 آمده، و یا «از اقربای تو از برادران تو» (2) یعنی به جای ترکیب:

بوده که بعداً این شکل را به خود گرفته است.

در ترجمه یی که جروم قدیس در قرن چهارم میلادی از متن عبری و یونانی کتاب مقدس به زبان لاتینی انجام داده به جای «از میان تو»، «از قوم تو» موجود است که بسیار صحیح و به حدس نزدیک است. در ترجمه انگلیسی که از روی این ترجمه یی لاتینی تهیه شده است چنین آمده است. (3)

No

the Lord thy God will raise up for thee a prophet like myself, of thy own race, a brother of thy own; it is to him
.thou must listen

ترجمه: خیر، پروردگار خدایت، برای تو پیغمبری مانند من از قوم تو، برادری از خودت را برخواهد انگیخت، باید او را بشنوی.

ص: 158

1- اگر این دو ترکیب باشد به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله تطبیق می کند، زیرا آن حضرت از برادران بنی اسرائیل بود یعنی از فرزندان اسماعیل بود که برادر اسحاق (پدر بنی اسرائیل) است، اما به یوشع و مسیح که از بنی اسرائیل بودند، تطبیق نمی کند.

2- اگر این دو ترکیب باشد به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله تطبیق می کند، زیرا آن حضرت از برادران بنی اسرائیل بود یعنی از فرزندان اسماعیل بود که برادر اسحاق (پدر بنی اسرائیل) است، اما به یوشع و مسیح که از بنی اسرائیل بودند، تطبیق نمی کند.

3- ترجمه یی ناکس (KNOX) چاپ لندن 1965.

ترجمه ی انگلیسی از روی ترجمه لاتینی جروم قدیس عبارت «از میان تو» را ندارد و به جای آن دارد:

Of thy own race یعنی «از طایفه ی تو» که عبارت «از برادرانت» توضیح آنست و بسیار زیباست و با حدس ما درباره ی کلمه عبری تورات موافق است. به طوری که ملا-حظه شد در این ترجمه «از میان» وجود ندارد و معلوم میشود در نسخه های عبری و یونانی عصر «جروم قدیس» قرن چهارم میلادی این کلمه نبوده است و یا در نسخه های غیر معتبر آن زمان چنین عبارتی وجود داشته است. ما می توانیم این حقیقت را که بشارت «سفر تثئیه باب 18» مربوط به حضرت مسیح نیست از عبارت انجیل یوحنا «باب اول بند 19 - 22» به انضمام پاورقی مربوط به آن استفاده کنیم.

در آن جانام سه نفر (مسیح، الیاس و «آن پیغمبر») آمده است و در پاورقی آن اشاره میکند که مقصود از آن «پیغمبر» همان است که سفر تثئیه باب 18 بند 15 - 19 توسط موسی پیشگویی شده است. پس معلوم می شود این پیغمبر (پیشگویی شده در سفر تثئیه) عیسی علیه السلام نیست.

ص: 159

This, then, was the testimony which John bore, when the Jews sent priests and Levites from Jerusalem, to ask him, Who art thou? He admitted the truth, without concealment, admitted that he was not the Christ. What then, they asked him, art thou Elias? Not Elias, he said. Art thou the prophet? And he answered, No. 5 So they said, Tell us who thou art, that we may give an answer to those who sent us: what account dost thou give of thyself?

تصویر عبارت انجیل یوحنا باب اول بند 2219

.That is, the prophet whose coming was foretold by Moses in Deut. 18. 15-19 5

تصویر پاورقی نسخه ی فوق که اشاره می کند مقصود از آن پیغمبر همان است که در سفر تثییه باب 18 بند 15 - 19 آمده است.

در بشارت سوم خواندید که اشعیای نبی رؤیای خود را اینگونه شرح می دهد: «و چون سواران جفت الاغ سواری و شتر سواری را بیند...» چنانکه در بشارت سوم گفتیم، مراد از الاغ سوار حضرت عیسی علیه السلام است که مرکبش الاغ بود، و مراد از شتر سوار حضرت رسول صلی الله علیه وآله که به اقتضای محیط عربستان مسافرت ها با شتر انجام گرفته است ولی در ترجمه های گوناگون تورات تحریف بعمل آمده و نوشته اند: «و چون فوج سواران جفت جفت و فوج الاغان و فوج شتران».

ص: 160

و نیز در ترجمه ی «ولیم گلن» معروف به ترجمه ی «فاضل خانی»: «بار حماری و بارشتری» نوشته است.

کسانی که با زبان عبری آشنایی دارند می دانند که این ترجمه غلط است و ترجمه ی صحیح همان است که در ابتداء ذکر شد. البته ترجمه های قدیمی کتاب مقدس از این غلط کاری ترجمه های مصون مانده است، از آن جمله در ترجمه ی عربی کتاب مقدس چاپ رم به سال 1671 که «راکب حمار و راکب جمل» ترجمه کرده و نیز در ترجمه عربی عهد عتیق چاپ موصل (1) به سال 1875 این تحریف نیست و به «راکب حمار» یعنی الاغ سوار و «راکب جمل» یعنی شتر سوار ترجمه شده است.

* فَبَصَّرَ رُكَابًا مِنْ رَاكِبِ حِمَارٍ وَمِنْ رَاكِبِ جَمَلٍ وَتَنَصَّتْ تَنَصَّنَا اِي تَنَصَّتْ *

تصویر ترجمه ی عربی عهد عتیق چاپ موصل سال 1875 که همان ترجمه ی عربی چاپ رم 1971 می باشد .

ص: 161

1- این ترجمه همان ترجمه ی عربی چاپ رم به سال 1671 است که با سه نسخه ی معتبر دیگر (یعنی ترجمه ی یونانی سبعینی مربوط به پیش از حضرت مسیح علیه السلام، ترجمه ی لاتینی ولگات و ترجمه ی سریانی پشیطو) مقابله و تصحیح شده است.

• فابصر مرکب فارسیین احدهما راكب حمار والآخر راكب جمل وتراقب حریما تراقبا شدیدا .

تصویر نسخه ی عربی چاپ لندن. 1860 توسط ولیم وطس از روی نسخه ی چاپ رومیه به سال 1671 .

و همچنین در ترجمه ی عربی «دی سارا هوجسون» به سال 1811 صحیح ترجمه شده است.

* ونظرت فارسیین راكبین احدهما راكب حمار والآخر راكب جمل لیسمعوا اسماعا کثیرا

تصویر ترجمه ی عربی «دی سارا هوجسون»

در ترجمه لاتینی «جروم قدیس» نیز صحیح ترجمه شده است.

A chariot he

saw, with two out-riders, one that rode on an ass, and one that rode on a camel; looked long at them, watchir.g

.them eagerly

تصویر ترجمه ی انگلیسی از روی ترجمه ی لاتینی جروم قدیس.

و اما علت این تحریف ها آنست که علمای مسلمین

ص: 162

سالهاست از این رؤیا برای نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله استفاده می کنند. برای اولین بار حضرت امام رضا علیه السلام در آخر قرن دوم هجری در مجلسی که مأمون خلیفه ی عباسی برای بحث آن حضرت با فرق مختلف و مذاهب گوناگون تشکیل داده بود به این بشارت استدلال فرمودند، و به هر صورت از آنجا که این بند از کتاب تورات بیش از هزار سال است مورد استفاده ی مسلمین قرار گرفته و نسخه ی عبری کتاب مقدس سالهاست چاپ شده و نیز نسخه های قدیمی این مورد را ترجمه ی صحیح کرده اند، تنها کاری که فعلاً از اهل کتاب ساخته است خیانت در ترجمه های فعلی است.

خواننده گرامی داوری کند این مترجمین اگر عقیده دارند کتاب اشعیاء کتابی است الهی پس چرا از خدا نمی ترسند و آن را غلط ترجمه می کنند؟ اینان نه تنها در این مورد بلکه صدها مورد دیگر «کتاب مقدس» خودشان از تعصب جاهلانه پیروی کرده اند که بحث آن مفصل است. آیا غلط و اشتباهات نسخه های اصلی کافی نیست که اینان در ترجمه ها تا این حد خیانت روا می دارند؟!

ص: 163

18 - آیین سه گانه پرستی یا تثلیث

اشاره

ص: 165

نیاز فطری، آدمی را به خداشناسی سوق می دهد، احتیاج و امکان ذاتی که در انسان و سایر موجودات وجود دارد خود بارزترین دلیل بر وجود خدای کامل بی همتاییست که باید از هر گونه نقص و احتیاج برکنار باشد. چه در غیر این صورت لازم می آید که خدا نیز نیازمند و بخدای دیگر متکی باشد و در صف آفریده شدگان قرار گیرد. روی همین اصل، دانشمندان هر صفتی را که شائبه احتیاج داشته باشد از خداوند نفی می کنند مثلاً می گویند: خدا مرکب نیست، زیرا هر مرکبی مانند شعاع آفتاب که البته به نظر سطحی مرکب از حرارت، روشنایی و اثر شیمیائی است، به اجزای خود و عامل دیگر یکه آنها را روی حساب معینی با هم آمیخته باشد، نیازمند است و آن با معنای

واقعی خدا که از هر چیزی باید بی نیاز باشد، سازگار نیست. (1)

ص: 166

1- از اینجا روشن می شود که خدا را نمی شود مثل اقیانوس تصور کرد و گفت: مسیح به مقدار ظرفیت خود از آن پرشد زیرا لازمه اش آن است که خدا جسمیت داشته باشد تا بشود قدری از آن جدا گردد و در دیگری حلول کند و معلوم است که جسم از ترکیب عناصر و اجزاء تشکیل می شود و آن با مرکب نبودن خدا، نمی سازد.

باز می گویند: خدا باید یگانه باشد چون اگر به جای آن 2 خدا و یا 3 خدا فرض شود لازمه اش «ترکیب» است.

چون هر خدایی برای امتیاز خود از دیگری، نیازمند به چیز دیگری خواهد بود که با او ترکیب شود تا از یکدیگر ممتاز شوند، و ترکیب هم همانطوری که گفته شد، با بی نیازی سازش ندارد. پس خدا بسیط و یگانه است. و اساساً مرکب پنداری و یا سه گانه پرستی (تثلیث) با اعتقاد به خدای واقعی و آفریدگار هستی منافات دارد. (1)

با این وصف متأسفانه قبل از میلاد مسیح علیه السلام عده ای در اثر کوته نظری و دیدار برخی از مظاهر قدرت خداوند، گرفتار (تثلیث) و شرک شدند. این عقیده در هند، روم، مصر و غیر آن نیز پیروانی پیدا کرد.

نفوذ تثلیث در میان پیروان مسیح علیه السلام

عیسی بن مریم مانند سایر پیامبران همواره مردم را از شرک و الحاد باز می داشت و می گفت «... ای بنی اسرائیل خدای را که پروردگار من و شماست پرستید که هرکسی به خدا شرک آورد خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایش در دوزخ است و

ص: 167

1- نا گفته نماند که برهان توحید منحصر به این طریق نیست بلکه دلایل دیگری در کتب فلسفه و علم کلام موجود است، به آنها مراجعه شود.

ولی هنگامیکه دوران مسیح سپری شد در اثر حوادث تلخ قرون اولیه ی مسیحیت قسمتی از اعتقادات و رسوم مشرکین داخل آئین مسیحیت گردید. بطوریکه آنها را جزو دیانت مسیح دانستند و به آنها اعتقاد کامل پیدا کردند. (2)

دکتر گوستا لوبون دانشمند شهیر فرانسوی می نویسد: «مسیحیت در پنج قرن اول حیات خود با جذب عوامل فلسفی و مذهبی یونانی و شرقی به تطور خود ادامه داد و بدین ترتیب مخلوطی از معتقدات شرقی مخصوصاً معتقدات مصری و ایرانی که در حوالی قرن اول میلادی در سرزمین های مشرکین سابق اروپائی انتشار یافته بود گردید... مردم، تثلیث تازه «پدر، پسر و روح القدس» را به جای تثلیث قدیمی «ژوپی تر، ژونون و می نرو» گذاشتند و به پرستش ادامه دادند، اولیاء و مقدسین مسیحی جای الهه ی فرعی قدیمی را گرفت.» (3)

ویل دورانت نویسنده ی «تاریخ تمدن» پس از شرحی پیرامون یوحنا و کتاب مکاشفه و انجیل یوحنا می نویسد: « مسیحیت شرک را از میان نبرده بلکه آنرا پذیرفته است روح

ص: 168

1- قرآن مجید سوره ی مائده آیه ی 72.

2- به بخش ششم همین کتاب مراجعه شود.

3- جلوه ی مسیح صفحه ی 82.

یونانی که داشت می مرد، دوباره از اصول خدا شناسی و از رسوم کلیسا جان گرفت... افکار تثلیث خدا... بقای فردی برای پاداش و کیفر، از مصر آمد... مسیحیت آخرین آفرینش بزرگ دنیای باستانی مشرکین بوده است.» (1)

توجیحات نارسا

طرفداران تثلیث برای اینکه در مقابل دانشمندان علم عقاید عاجز نمانده باشند هر روز به مقتضای زمان و مکان نوعی سخن می گفتند.

گاهی اظهار می کردند: مقصود ما، از تثلیث آن نیست که سه خدای جداگانه در خارج موجود باشد، تا با توحید نسازد. بلکه منظور ما از آن اینست که خدا مانند شعاع آفتاب که از حرارت و روشنایی و اثر شیمیایی تألیف شده از سه اقنوم یعنی پدر، پسر و روح القدس ترکیب شده است اما نمی دانستند که با این طرز فکر، خدا را مانند معجونی در ردیف مرکبات (که همواره محتاج به اجزاء خود و تألیف دهنده خارجی هستند) قرار داده اند.

گاهی تصدیق می کردند که خدا بسیط است و مرکب نیست و یگانه است و تعدد ندارد اما وقتی قصه ی تثلیث پیش می آمد، چون می دیدند اگر بگویند سه خدا در خارج موجود با توحید و یگانه بودن خدا نمی سازد و نیز اگر بگویند یک خدا

ص: 169

بیشتر در خارج نیست قهراً خدا را مرکب از سه چیز قرار داده اند، دم فرو می بستند و می گفتند: این موضوع سری است از اسرار و کسی نمی تواند با عقل بشری آنرا درک کند و به عبارت دیگر این رمز کلیساست! و کسی به این زودی آنرا نمی فهمد! (1)

آنان شنیده بودند که بشر با عقل محدود خود نمی تواند به حقیقت ذات خداوند پی ببرد اما دیگر نمی خواستند بفهمند که «مرکب هست و مرکب نیست و یگانه است و یگانه نیست» را همه می دانند که از متناقضات است و باهم جمع نمی شود و چیزی نیست که بر بشر پوشیده باشد. اخیراً دیده می شود هنگامیکه مسیحیان در مقابل برخی از جوانان روشنفکر مسلمان قرار می گیرند به طور کلی تثلیث را انکار می کنند. می گویند منظور از این تعبیرات: «عیسی خدا است» «عیسی پسر خداست» فقط احترام و تعظیم به شخصیت مسیح و یا دارا بودن صفات خدایی است و گرنه آفریده شده ی خداوند بزرگ است و از اعتقادنامه ی شورای نیکیه (2) که مسیح را غیر مخلوق و نا آفریده

ص: 170

1- ترجمه ی مذهب کاتولیک، نوشته ادوارد. ک تیلورد ص 72 انتشار مرکز تحقیقاتی کاتولیک لندن (نسخه ی مخطوط این ترجمه در کتابخانه ی در راه حق موجود است).

2- در سال 325 میلادی شورایی به دست امپراتور روم در شهر نیکیه نزدیک قسطنطنیه جهت حل اختلاف آریوس و الکساندر تشکیل شد و در آن جلسه اعتقاد نامه ای برای مسیحیان به دست کشیشان تنظیم گردید و بعداً میان مسیحیان انتشار یافت به صفحه ی 242 تاریخ کلیسای قدیم تالیف میلر مسیحی مراجعه شود.

معرفی می کند در ظاهر بر می گردند و نسبت به آن اظهار بی اطلاعی

کنند! ...

در هر صورت تثلیث یکی از خرافاتیست که مسیحیت بعد از چند قرن مجبور شد از آن دست بردارد و روزی خواهد آمد که از آنچه قرآن کریم در این باره می فرماید پیروی کند: «کسانیکه گفتند خدا (همان) مسیح پسر مریم است کافر شدند (ای محمد) بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش را با هر که در زمین هست یکسره نابود کند، چه کسی مالک چیزی است که در قبال وی اختیاری داشته باشد و پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه بین آن دو است خاص خداست هر چه بخواهد می آفریند و خدا همه چیز تواناست.» (1)

«مسیح پسر مریم فقط پیامبر خدا بود پیش از او پیامبرانی مانند وی آمده و رفته بودند و مادرش زنی بسیار راستگو بود او و مادرش هر دو غذا می خوردند.» (2)

پس چگونه ممکن است کسیکه مانند دیگران محتاج به غذا و سایر لوازم زندگی است؛ خدا باشد؟!

قرآن کریم با مسیحیان در این زمینه، چنین سخن می گوید :

ص: 171

1- سوره ی مائده آیه ی 17 .

2- سوره ی مائده آیه ی 75 .

«ای اهل کتاب در دین خویش غلو (و گزاف گویی) نکنید و درباره ی خدا جز حق مگویید! مسیح عیسی پسر مریم، فقط فرستاده ی خدا و کلمه ی او بود که به مریم سپرد... و به خدا و فرستادگان او ایمان آرید و نگویید (خدا) سه تاست، بس کنید که مایه ی خیر شماست فقط خدا خدای یکتاست منزّه است او از اینکه برایش فرزندی باشد برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است...» (1)

مطالب فوق کاملاً روشن می سازد که موضوع ترکیب در خدا و سه گانه پرستی اساس آسمانی ندارد و با عقیده به خدای واقعی سازگار نیست، و از ساخته ها و افسانه های پدران روحانی می باشد.

ما از خداوند بزرگ توفیق حق جوئی و حق گوئی را برای همه مسیحیان خواستاریم.

ص: 172

1- سوره ی نساء آیه ی 171 .

روح آدمی که ودیعه ی الهی است، پیوسته طالب کمال و درک اسرار آفرینش می باشد. برای رسیدن به این هدف عالی و مقدس راهی جز پیروی از رجال آسمانی و مردان خدا نیست. زیرا راه خدا را تنها با راهنمایی خدا می توان پیمود و این راهنمایی، در تبلیغ و ارشاد و تربیت و تعلیم انبیاء و اوصیاء ایشان نهفته است .

به همین جهت عقلاً بر انسان لازم است که برای تکمیل نفس خویش از پیامبران واقعی تبعیت کند و دل به حکم ایشان نهد.

البته همانگونه که گفتار پیامبران آسمانی سندیت دارد و مایه سعادت است، به همان نسبت دقت در کردار آنان و پیروی از ایشان هم صحیح و ثمر بخش می باشد.

از این روی، آگاهی از تاریخ زندگی برگزیدگان خدا و نفوس کامله ی بشری، اضافه بر آنکه باعث افزایش رغبت و اشتیاق انسان به پیمودن راه کمال است، می تواند رمز کار و

روش صحیح را به آدمی بیاموزد ولی به شرط اینکه فکر انسان هشیار و دلش بیدار باشد تا از ملاحظه ی سرگذشت بزرگان و رجال آسمانی، پند گیرد.

مسلم با توجه به همین تأثیر عظیم تربیتی است که در کتب آسمانی بسی از احوال انبیاء سخن رفته، و حالات برگزیدگان و بندگان صالح خدا یادآوری شده و از همین رهگذر است که خداوند در قرآن عزیز می فرماید: (لَقَدْ كَانَ فِي قِصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ) (1) در داستان های ایشان عبرتی برای خردمندان است.

عهدین و پیامبران

باری، در کتب عهدین از احوال پیامبران گذشته تفصیل سخن رفته است لکن چون متأسفانه آن کتب دستخوش تحریف و نقصان شده، لذا به طور کلی دل نهادن به داستانهای تورات روا نیست، چه در آن کتاب به واسطه ی تصرف های بیدادگران، و... فعلاً حق و باطل به فعلاً حق و باطل به هم درآمیخته و درست و نادرست، در یک ردیف گرد آمده است، و از همین جهت در حال حاضر در آن کتاب راجع به انبیای عظام علیه السلام مطالبی مشاهده می شود، که علاوه بر اینکه با مقام منیع رسالت و مرتبه ی بلند نبوت منافات دارد بر طبق منطق خرد واقعاً عجیب و غیر قابل

ص: 175

قبول است که حتی مردمان مهذب و عاقل که از مقام پیامبری نیز عاری هستند، به چنان اعمال آلوده باشند و در زندگی بدین ناپاکی گام بردارند.

چنانکه بر طبق حکایت تورات کنونی صفات ناپسند و اعمال زشتی که بر خلاف فطرت آدمی و مابین با اندیشه و رفتار هر بشر معتدلیست، در بین انبیای سلف کاملاً رایج و شایع بوده و از آن میان فساد و شرابخواری به شدت وحدت هر چه تمامتر، مشاهده می شود.

داستان شرابخواری لوط!

از آنجمله، در داستان لوط (1) چنین آمده است:

« ولوط از صوغر برآمد و با دو دختر خود در کوه ساکن شد، زیرا ترسید که در صوغر بماند پس باد و دختر خود در مغاره سکنی گرفت و دختر بزرگ به کوچک گفت: پدر ما پیر شده و مردی بر روی زمین نیست که بر حسب عادت کل جهان به ما درآید، بیا تا پدر خود را شراب بنوشانیم و با او همبستر شویم نسلی از پدر خود نگاهداریم نگاهداریم پس، در همان شب پدر خود را شراب نوشانیدند، و دختر بزرگ آمده، با پدر خویش همخواب شد و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد، و واقع شد که روز

ص: 176

1- تورات سفر پیدایش باب نوزدهم بند 30 - 38 .

دیگر بزرگ به کوچک گفت: اینک دوش با پدرم همخواب شدم، امشب نیز او را شراب بنوشانیم و تو بیا و با وی همخواب شو تا نسلی از پدر خود نگاه داریم، آنشب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند و دختر کوچک همخواب وی شد و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد، آگاه نشد پس هر دو دختر لوط، از پدر خود حامله شدند و آن بزرگ، پسری زائیده او را «موآب» نام نهاد و او تا امروز پدر «موآبیان» است و کوچک نیز پسری بزاد و او را «بن عمی» نام نهاد، وی تا امروز پدر «بنی عمون» است...!

ملاحظه می شود که طبق صریح تورات موجود پیامبر خدا چندان در باده گساری اسراف می کند که بطور موقت، عقل و تمیز خود را کاملاً از دست می دهد به نحویکه طی دو شب پیایی با دو دختر خود زنا می کند؛ و از این فضااحت، بی خبر می ماند! و شایسته نیست پیامبری که برای ارشاد و اصلاح مردم از جانب خداوند برگزیده شده، خود به حدی مقهور هوس و مغلوب جهل باشد و چندان مست شود که خوار و بی خبر بیفتد و چنین رسوایی ها را در عالم غفلت مرتکب گردد. کسیکه تا این حد دستخوش هوی و شهوت باشد، کجا عقلی دارد تا شایسته ی هدایت دیگران گردد؟ و چگونه ممکن است، خداوند وی را به نبوت ممتاز گرداند و وظیفه ی دشوار تربیت مردم را بدو واگذار فرماید؟ البته واقعیت چنین نیست و آنچه در تورات کنونی در این مورد به چشم می خورد تحریف هایی است که متاسفانه از خامه ی مردمان

نا آگاه ناشی شده و بر عصمت پیامبری بزرگوار تاخته است.

سرگذشت کشتی یعقوب با خدا

علاوه بر داستان دروغ فوق، افسانه‌ی دیگری درباره‌ی یعقوب ساخته اند:

« و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی می گرفت و چون او دید که بر وی غلبه نمی یابد، کف ران یعقوب را لمس کرد، و کفران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد، پس گفت مرا رها کن زیرا که فجر می شکافد، گفت تا مرا برکت ندهی ترا رها نکنم، به وی گفت نام تو چیست؟ گفت یعقوب، گفت از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل، زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی، و یعقوب از او سؤال کرده گفت: مرا از نام خود آگاه ساز، گفت چرا اسم مرا می پرسی؟ و او را در آنجا برکت داد و یعقوب آن مکان را «فنییل» نامیده (گفت): زیرا خدا را رو برو دیدم و جانم رستگار شد». ⁽¹⁾

از جملات بالا استفاده می شود خداییکه تورات معرفی می کند ضعیف و ناتوانست علاوه خداوندی که باید از هر صورتی منزّه باشد، در صورت مردی درآمد و به کشتی گرفتن پرداخته

ص: 178

است! و شگفت آورتر از همه آنکه، این خدای مجسم، از غلبه بر بنده ی خویش عاجز مانده پس از یکشب کشاکش دائم وی را به لقب اسرائیل ملقب می فرماید!

واقعاً باعث بسی تعجب و تاسف است که این اباطیل و سخنان بی سر و ته به جای مطالب حقه ی کتاب مقدس، به هم بافته گردد، و طی قرن های متمادی با کمال بی پروایی به جهانیان عرضه گردد و در مورد خدای بزرگ و یعقوب که پیامبر بزرگوار او است چنین کلمات پریشانی آورده شود.

بنابراین هر خردمند منصفی در می یابد که نقل داستان واقعی پیامبران چقدر ترجیح دارد بر حکایات پریشانی که خیال نابخردان آنها را ساخته و پرداخته باشد. چه پرورده ی جهال، آموزنده ی جهل و تباهی است و داستان خدا آموزگار صدق و صفا و کمال می باشد حکایات قرآن، داستان توحید و قصه ی عدل و شجاعت و حق طلبی است.

ما انسان ها را به خواندن حکایات قرآن که سرتا پا حقیقت است، توصیه می کنیم.

ص: 179

20 - کدام دین را انتخاب کنیم؟

اشاره

ص: 181

بشر که بیش از هر چیز جویای سعادت خود می باشد؛ آیا آنرا در غیر راه دین خواهد یافت؟... ما این موضوع را در این مبحث بررسی می کنیم.

به نظر ما معنای یک دین صحیح آن است که برنامه یی جامع برای تأمین این خواسته ی بشر داشته باشد و او را به خوشبختی کامل برساند. برخلاف قرن های پیشین که مردم از روی تعصب و یا تقلید کورکورانه از هرگونه دینی پیروی می کردند، امروز بشر متمدن از دین از آن جهت پیروی می کند که به جای یک مشت تشریفات بی فایده و خشک و خالی، در جمیع شئون زندگی مادی و معنوی وی برنامه کاملی داشته باشد، تا او در سایه ی یک دین مثبت و زنده به حل تمام مشکلات زندگی قادر گردد.

متأسفانه ادیان امروز - غیر از اسلام - که تحریف شده ی ادیان آسمانی یا مکاتب اخلاقی چند هزار سال قبل می باشند، نه تنها دارای برنامه ی کامل و همه جانبه یی نیستند بلکه هیچ یک هم مدعی چنین خاصیتی نمی باشند.

ص: 182

دستورات زردشت، بودا، کنفوسیوس، یهودیت و مسیحیت؛ با آنکه بنام دین به قسمتی از مردم روی زمین تحمیل شده، اگر قابل اعتنا باشد تازه یک سلسله نصایح و پندهایی را تعلیم می دهد که نه حل عقده ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می کنند و نه مشکلی از مشکلات جهانی را - که رو به افزایش است - علاج می نماید.

ما که در چنین عصر و در میان چنین مشکلاتی روز افزون زندگی می کنیم و ترقیات علمی و تجربی بشر را از طرفی، و خرافات ادیان و مذاهب معروف جهان را از طرف دیگر ملاحظه می نماییم، آیا سزاوار است که باز از روی تعصب جاهلانه و یا تقلید کورکورانه بدون مطالعه و اعتنا به احتیاجات روحی و مادی، دینی را انتخاب کنیم؟

عقل و اندیشه به ما اجازه ی این کار را نمی دهد و ما به حکم عقل و منطق باید در جستجوی دینی باشیم که برای رفع همه ی نیازمندی های مادی و معنوی ما، یعنی تأمین سعادت بشری آمده و بر این کار هم توانایی داشته باشد. ما این جامعیت را تنها در اسلام سراغ داریم و به همین جهت هم اسلام را انتخاب می کنیم!

مسلمان می شویم ... زیرا اوصاف و مزایای یک دین حق و درست را - که عقل ما و هر بشر با انصافی آنرا تصدیق

می کند - در دین اسلام یافته ایم.

مسلمان می شویم... زیرا قوانین آن برنامه ی کاملی برای زندگی سعادت‌مندان و ایده آل بشر می باشد چون شالوده ی آن براساس «تأمین سعادت بشر» بوده و به همین سبب در جمیع شئون از مهمترین مسائل حیاتی و اجتماعی بشر (از قبیل تأمین آزادی ها، عدالت اجتماعی و برادری و برابری) گرفته تا دستورات فردی و داخلی (از قبیل تعلیمات بهداشتی و طب پیش گیری، آداب مسافرت، قوانین عبور و مرور و حتی استحمام) احکام جامع و برنامه های منظم و استوار دارد.

مسلمان می شویم... زیرا اسلام یک دین منطقی است که با عقل و منطق سروکار دارد، نه عواطف تنها، و برای همه و در خور فکر و قدرت عقلانی هرکس، معارف و مطالبی آورده و در برابر دانش و دانشمندان - که طالب استدلال و منطقتند - هیچگاه مانند مسیحیت به عذر «سر» و «رمز» و بهانه هایی نظیر آن، متمسک نمی شود و از بیان مطلب و از زیر بار استدلال نمی گریزد.

گرایش ما به خدایی است که اسلام معرفی می کند

زیرا «خدا» یعنی آفریننده ی هستی، در دین اسلام همچون مسیحیت و سایر ادیان منسوخ، دستخوش ذوق هر اسقف و کشیشی نمی شود و اصولاً مسأله ی خدا شناسی در اسلام برعکس

ص: 184

مسیحیت، دشمن استدلال و عقل نیست، بلکه صرفاً متکی به خرد و دلیل و برهان است.

آری مسلمان می شویم... زیرا اسلام را دینی مطابق فطرت و سرشت طبیعی بشر می بینیم که قوانین آن از طبیعت سر چشمه گرفته فته و به همین جهت دین کامل، جامع، ساده و آسان است و مانع پیشرفت زندگی نیست. در اسلام رکود و خمود وجود ندارد، اسلام دینی مثبت و دینامیک است نه آیینی افسرده و خموش یا مرده. مهمترین مسأله ی مادی آن «کار» و «ابتکار» است که همیشه مورد تشویق بوده و دنیای بدون آنرا «دنیایی ناممکن» معرفی نموده است.

مسلمان می شویم... زیرا اسلام دشمن خرافات است و هرگز سعی نمی کند که مانند مسیحیت امروز خرافاتی چون سه گانه پرستی یا آداب بی معنا و خنکی چون «تعمید» و «عشاء ربانی» و «خرید گناه» را به نام دین به مردم تحمیل کند.

مسلمان می شویم... زیرا اسلام برخلاف مسیحیت و برخی مذاهب دیگر، با علوم و مسلمات عالم طبیعت نمی جنگد و دانش و دانشمندان را پیوسته به نیکی یاد نموده و مقام آنان را برتر و والاتر از دیگران معرفی می کند و هرگز اجازه نمی دهد که مکتشفین و مخترعین را به گناه فهمیدن قوانین طبیعت و اکتشافات علمی به پای میز محاکمه بکشند، و سپس به قتا

مسلمان می شویم... زیرا شخصیت انسان را تنها در این مسلک در کمال احترام میبینیم و از همین جاست که دین اسلام تنها دینی است که به مردم «آزادی عقیده» عطا می کند و می فرماید: (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) (1) نه کسی را بزور مجبور به اسلام می کند و نه انگزیسیون! - محکمه تفتیش عقاید - (2) راه می اندازد، بلکه به عکس، به دیگران هم اجازه می دهد که در پناه حکومت اسلامی در امنیت و آسایش به سر ببرند و از حقوق و مزایای اجتماعی بهره مند شوند.

مسلمان می شویم... زیرا اسلام را «حافظ حقوق اساسی بشر» می بینیم. در تمام گوشه و کنار آن دفاع از حقوق بشر و مبارزه علیه ستم و حق کشی ها و کوشش برای احقاق حقوق جوامع دنیا را مشاهده می کنیم. و به همین جهت تنها دینی است که «سیاست» را به معنای واقعی کلمه، جزئی از خود قرار داده تا تدبیر امور اجتماعی ملت ها را تحت قواعد انسانی، زیر نظر خود و

ص: 186

1- قرآن مجید سوره ی بقره آیه ی 255 .

2- انگزیسیون یا محکمه ی تفتیش عقاید در قرون وسطی، در سراسر اروپا توسط پاپ ها و کشیشان رهبری می شد و در زندان های آن مخالفین مسیحی گری و کسانی را متهم به بیدینی و گمراهی می شدند، شکنجه می دادند و سپس آنان را در آتش می سوزانیدند! «تاریخ قرون وسطی» را مطالعه نمایید تا از جنایات ضد بشری پدران روحانی با خبر شوید و بدانید که به نام مذهب و دفاع از دین مرتکب چه جنایات و وحشیگری هایی شده اند!

به طور صحیح انجام دهد نه با فریبکاری ها و به دست مردمی فاسد.

ما از اسلام پیروی می کنیم... زیرا حقوق اسلامی (با ادله ی قاطع موجود و اعتراف حقوق دانان) بر حقوق مترقی جهان و ملت ها تفوق دارد.

اسلام تنها دینی است که به مسائل عمده ی جهانی، مانند مسائل دقیق اقتصادی (توزیع متناسب ثروت تشویق کار و تولید، مبارزه با بیکاری، تأمین بیمه های اجتماعی و غیر آن)، مسائل سیاسی، تأمین صلح، امنیت جهانی، اخلاق و دانش، مسائل فرد و خانواده و جامعه و مسأله ی تربیت روانی و بدنی و رشد فکری و ... توجه خاص مبذول داشته و راه های درست و قابل اجرا برای آنها بیان کرده است.

ما کتاب آسمانی قرآن را می پذیریم... زیرا که مانند کتب سایر ادیان در آن تناقض و تحریف وجود ندارد و هراندازه که جعلی بودن کتاب مقدس یهود و مسیحیان و... بر اثر تحقیقات دانشمندان روشتر میشود یقین ما به آسمانی بودن قرآن مجید بیشتر می گردد.

بشر فهیمده ی امروز اگر به دیده ی انصاف و محققانه، نه به دیده ی تعصب و سطحی، به اسلام بنگرد، آنرا می پسندد و وادار به تحسین می شود و بدین ترتیب ما می فهمیم که اسلام یک دین فطری و کامل است و برای تأمین نیازمندی های روحی و مادی

بشر در تمام ادوار، آمده است و بنابراین بر خلاف ادیان پیشین یک دین ابدی است...

به سبب وجود این دلایل است که ما نیز مسلمان می شویم و از همه ی خوانندگان محترم می خواهیم که اگر مسلمان نیستند، درباره ی «حقیقت اسلام» تحقیق بیشتری بنمایند تا «راه خدا» برای آنان نمایان گردد.

ما از خدای بزرگ خواستاریم که همه ی افراد بشر را به راه راست هدایت فرماید.

«پایان»

ص: 188

فهرست مطالب

پیش گفتار 3

چند نامه 5

قضاوت کنید آیا راه این است؟ 9

طرفداران عقیده ی تثلیث 12

نامه بی به کلیسا 17

کتاب مقدس چیست؟ 25

عهد عتیق و عهد جدید! 26

عهد عتیق 7

عهد جدید 28

آیا کتاب مقدس، آسمانی و الهامی است؟ 30

عیسی از نظر اسلام و کلیسا 33

تعلیمات کلیسا درباره ی مسیح 34

ابلیس و پسر خدا 35

تعلیمات اسلام نسبت به خدا و مسیح 39

یک جوان از مسیحیت سخن می گوید 41

سرگذشت اناجیل یا عهد جدید 49

1: طراژان 51

2: مارک 52

3: دسیوس 52

ص: 189

4: والرین 53

5: دیوکلسین 53

6: قسطنطین شریر 54

بشارت های اناجیل 59

تسلی دهنده پیامبر اسلام 60

تسلی دهنده روح القدس نیست 61

روح راستی پیامبر اسلام است 64

رئیس جهان کیست؟ 64

پدران روحانی چه کرده اند؟ 67

و باز او می گفت 68

بخشش گناه! و خرید و فروش بهشت! 75

خرید و فروش بهشت یا بخششنامه ها 79

نویسندگان عهد جدید 83

چرا نویسندگان را بشناسیم؟ 84

بیوگرافی نویسندگان عهد جدید 85

پطرس 85

نافرمانی پطرس و یوحنا 86

چگونه عیسی را تنها گذاشته فرار کردند 87

بی ایمانی نویسندگان 88

مرقس 89

لوقا 90

يعقوب برادر مسيح 90

پولس 91

عشای ربانی چیست؟ 93

تشریفات بی اساس 94

عشای ربانی یا عمل نان و شراب 95

جام شراب 96

نان فطیر و بدن عیسی 97

سخن عجیب 98

آیا مسیح گناهان را بگردن می گیرد؟ 101

جشن ژانویه 109

شراب سازی نخستین معجزه ی مسیح! 117

شراب و معجزه! 119

یک بام و دو هوا 121

اما اسلام 122

تناقض گویی اناجیل 125

تناقض گویی چیست؟ 127

1- دشنام و کفر دزدان 127

اگر پسر خدا هستی از صلیب فرود بیا 128

2- عصا و چوب دستی 129

3- باز پرسى از پطرس 130

4- هنگام آمدن مریم 131

5- درنگ مسیح در شکم قبر 132

آیین شمشیر کدام است؟ 135

تهمت 136

بشارت تورات 141

بخش اول - بشارات تورات 142

بشارت اول 143

تطبیق های نادرست 150

بشارت دوم - درخشیدن از کوه فاران 151

بشارت سوم - الاغ سوار و شتر سوار 152

بشارت چهارم - مژده ی حقوق نبی علیه السلام 154

بخش دوم - تحریف بشارات 155

آیین سه گانه پرستی یا تثلیث 165

نفوذ تثلیث در میان پیروان مسیح علیه السلام 167

توجهات نارسا 169

داستانی از : تورات کنونی! 173

رجال آسمانی و تربیت اجتماع 174

عهدین و پیامبران 175

داستان شرابخواری لوط! 176

سرگذشت کشتی یعقوب با خدا 178

کدام دین را انتخاب کنیم؟ 181

گرایش ما به خدایی است که اسلام معرفی می کند 184

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود. برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

